

اتحاد مردم

ارگان اتحاد مردم و کراتیک مردم ایران

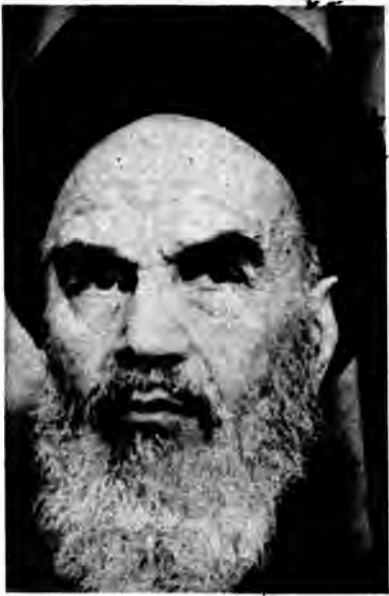
شماره ۱۱۴ دوره سوم دوشنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۰ برابر با ۶ ربيع الآخر ۱۴۰۲ و ۱ فوریه ۱۹۸۲ بهای ۳۰ ریال

خبر خوش:

اصلاحات ارضی از بن بست بیرون می آید!

- * رئیس جمهور، رئیس مجلس، امام جمعه قم و وزیر کشاورزی بر تصویب و اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی تاکید دارند.
- * ۱۳۲ نماینده مجلس به حمایت از خواست روحانیت مبارز پیرو خط امام، در زمینه اصلاحات ارضی برخاستند.
- * "جهاد سازندگی"، هیئت های هفت نفری و "سپاه پاسداران" به ایفای نقش انقلابی خود در زمینه اصلاحات ارضی ادامه میدهند.
- * نقش همه انقلابیون و همه دهقانان زحمتکش در زمینه اصلاحات ارضی حساس تر میشود.

بقیه در صفحه ۱۲



گرامی باد سالروز بازگشت امام خمینی به وطن!

آمریکا در خط ماجراجوئی نظامی علیه ایران انقلابی

در صفحه ۲

« شرط لازم و کافی برای رسیدن به استقلال صنعتی پایه گذاری صنایع سنگین مادر است »

تاسیس وزارت صنایع سنگین يك اقدام انقلابی است

این برخورد موکد و مطمئن را باید بحال نیک گرفت و برای تحقق آن آرزوی پیروزی داشت.

واقعیت این است که دست یابی به استقلال، بمثابة یکی از آماج های عمده انقلاب، اساسا مرهون کسب استقلال اقتصادی و ایجاد بنیه نیرومند صنعت ملی است و این مهم میسر نیست مگر با استقرار صنایع مادر و تقویت همه جانبه آن.

بحاست اگر بیاد آوریم که در گذشته این بزرگراه بقیه در صفحه ۱۳

بر مبنای رهنمودهای صریح امام خمینی:

بازگشائی سریع و کامل دانشگاهها را تحقق بخشید!

در صفحه ۳

« جهاد سازندگی » را تقویت کنیم

جمهور، رئیس مجلس و آیت اله مشکینی، به مناسبت آغاز سمینار، پیام هایی برای آن فرستادند و مسئولان جهاد سازندگی در پایان سمینار، از جمله با آیت اله منتظری، رئیس مجلس، نخست وزیر و آیت اله مشکینی ملاقات کردند و به حضور امام خمینی نیز رسیدند. امام خمینی « جهاد سازندگی » را مایه « دلخوشی » خواندند و فقیه عالیقدر آیت اله منتظری

دردیدار با مسئولان « جهاد سازندگی » گفت: « اگر این معنی صحیح باشد، من به جهاد عشق می ورزم. »

مسئولین « جهاد سازندگی » در قطعنامه خود، خواستار تقویت نقش « جهاد سازندگی »، بمثابة یک نهاد انقلابی جمهوری اسلامی ایران، شدند و بقیه در صفحه ۱۱

سمینار سالانه مسئولان « جهاد سازندگی » سراسر کشور، در هفته آخر دیماه ۶۰ کار خود را آغاز کرد و سرانجام روز جمعه ۲ بهمن ماه ۶۰، با صدور قطعنامه ای، به کار خود پایان داد. طی روزهای برگزاری سمینار، بسیاری از مسئولین عالی مقام جمهوری اسلامی ایران، در جلسات سمینار حاضر شدند و برای شرکت کنندگان سخنرانی کردند. رئیس

« لایحه قانونی تشکیل شورای اسلامی کارکنان » و آئین نامه های آن (۵)

ضرورت لغو قوانین و آئین نامه های ناقض حقوق صنفی و شورائی کارگران و تصویب و اجرای قانون انقلابی کار

در صفحه ۹

نخست وزیر

و آزادیهای سیاسی

امسال سال قانون است

(امام خمینی)

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی و به ویژه مسئولان قضائی کشور برآنند، تا این فرمان رهبر انقلاب را اجرا کنند. کوشش همه جانبه برای استقرار قانون در جامعه آغاز شده است، که بخشی از آن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران و نظریات رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجه اول کشور درباره آزادی های سیاسی است.

ما برای آنکه، به سهم خود، در این زمینه هم به استقرار قانون یاری رسانده باشیم، نظریات و قوانین موجود را درباره آزادی های سیاسی بترتیب منتشر می کنیم.

در شماره های پیش نظریات امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی، شهید مطهری، حجت الاسلام سید علی خامنه ای، رئیس جمهور و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی را منتشر کردیم. در این شماره به انتشار نظریات آقای مهندس سید میر حسین موسوی نخست وزیر در این باره می پردازیم.

نخست وزیر در مصاحبه با خبرنگار « نیویورک تایمز » درباره آزادی های سیاسی در ایران گفت:

« بر اساس قانون اساسی ما، اگر گروه ها و احزاب به این قانون (قانون اساسی) احترام بگذارند و توطئه و اقدام مسلحانه انجام ندهند، در کشور ما آزاد هستند و این آزادی به حدی است که حتی میتواند از تلویزیون دولت هم استفاده بکنند و نمونه این را میتوان مناظره های آزاد فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران در تلویزیون ایران دانست و سایر گروه ها، که با خط اصلی همگام نیستند، مثل گروه دکتر پیمان نیز توانستند شرکت کنند. » (نقل از اطلاعات - ۲۴ آبان ۱۳۶۰)

دیر می شود...

امروز دیگر خیلی وقت است که: « انقلاب ما... نیاز دارد که شعارهای خود را جامعه عمل ببوشاند. » (رئیس جمهور خامنه ای، اطلاعات، ۲۸ آذر ۱۳۶۰)

اکنون دیرگاهی است که: « به جاست بیش از هر چیز دیگر عمل نشان دهیم و ملت را با عمل دلگرم تر کنیم. » (فقیه عالیقدر آیت اله منتظری - ۱۹ دی ۱۳۶۰)

اینک دیر زمانی است که انقلاب ما مخالفت صریح خود را با این واقعیت تلخ و دردناک کشور ما: « یک نفر از گرسنگی بمیرد و یک نفر از سیری تخمه بزند. » (رئیس مجلس شورای اسلامی - ۳ بهمن ۱۳۶۰) اعلام کرده است.

و این اولین بار نیست که مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران اعلام می کنند که: « نمی توانیم ببینیم مردم مستضعف ما در زیر بار گرانی قیمت ها

خرده میشوند. » (نخست وزیر کیهان - ۵ بهمن ۱۳۶۰)

این سخنان نشان می دهد که جمهوری اسلامی ایران در سمت گیری اساسی خود بسود محرومان و مستضعفان جامعه - یعنی صاحبان اصلی انقلاب - همچنان استوار است. در این هیچ کس شکی ندارد. کوردلی می خواهد که این واقعیت روشن رانند، و از این روشن تر بستگی سرنوشت انقلاب به انجام اهداف آنست که محرومان و مستضعفان را در جنبه و صحنه نگاه میدارد و انقلاب را روشن می کند.

رئیس جمهور خامنه ای باروشن - بینی تمام می گوید:

« امام نیز به این مطلب قویا اهتمام دارند و ما اگر بخواهیم در برابر توطئه های داخلی و خارجی مقاومت خود را بالا ببریم، ناگزیر باید ضمن نگه -

بقیه در صفحه ۲

امروز درست سه سال از بازگشت امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به وطن میگذرد. روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، در حالیکه شاه خائن، در اوج شعارهای « مرگ بر شاه »، گریخته بود و بختیار دست و پا می زد، تارژیم منحوس سلطنتی را نجات دهد، رهبر انقلاب در میان بی نظیرترین استقبال تاریخ ایران به وطن بازگشتند. امام خمینی، در حالیکه سراسر تهران از جمعیت موج می زد و چند میلیون نفر با اشک های شادی و گل های سرخ سراسر مسیر چند کیلومتری ایشان را، از فرودگاه تا بهشت زهرا، پوشانده بودند، برخاک ایران انقلابی پا گذاشتند.

امام خمینی در میان موج احساسات مردم و فریادهای توفانی:

— درود بر خمینی!
— مرگ بر شاه!
— مرگ بر آمریکا!

از میان دریای جمعیت گذشتند و به بهشت زهرا رفتند. و آنجا بود که جمعیت چند میلیونی، عزم رهبر انقلاب را برای رفتن بقایای سلطنت از همیشه استوار تر دید.

امام خمینی در سخنان تاریخی خود در بهشت زهرا - بر مزار شهدای انقلاب - بانگ زدند که: « من توی دهن این دولت می زنم! »

امام خمینی در سخنان خود بار دیگر رژیم سلطنتی را غیر قانونی اعلام و همه فجایع کشور را ناشی از سلطه امپریالیسم آمریکا بر ایران معرفی کردند.

سخنان امام خمینی راه را روشن تر و اتحاد خلق را مستحکم تر کرد. راه روشن بود. « نبود با دولت سیاست ساخته بختیار و آمریکا... »

و تیزتر زیر رهبری مستقیم امام خمینی، که اکنون خانه اشان در خیابان ایران به ستاد انقلاب تبدیل شده بود، ادامه یافت. ده روز بعد، آخرین بقایای رژیم پوسیده سلطنتی در یورش مسلحانه خلق فروریخت. رژیم ۳۰۰۰ ساله سلطنتی به گور سپرده شد و ایران نواز میان خون و آتش پایه عرصه جهان نهاد.

امسال مردم انقلابی ایران، به پاس روز بزرگ بازگشت رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به کشور، جشن های باشکوه سومین سالگرد انقلاب را از همین روز آغاز میکنند و بدینسان بار دیگر بر اهمیت تاریخی بازگشت امام خمینی به ایران صحنه میگذارند و برای ادامه نبرد برضد امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا با ایشان تجدید پیمان میکنند.

ما سومین سالروز بازگشت امام خمینی را به وطن، به ایشان و همه مردم قهرمان ایران صمیمانه تبریک می گوئیم.

ما بر آنیم که تجدید میثاق مردم دلاور وطن ما با رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ضمن تحکیم و گسترش انقلاب و شرط ضروری برای پیروزی در روزهای دشوار آینده خواهد بود.

به مناسبت روز اعلام جمهوری هند (۶ بهمن ۱۳۲۹ / ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰)

هند مستقل

در صفحه ۴

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران: با توطئه های ضد انقلاب

در

محیط های کار مقابله کنیم!

در صفحه ۶

تانزانیا

برای حفظ استقلال و تامین

پیشرفت خود، بادشواریهایی

داخلی و دسیسه های

امپریالیسم روبروست

در صفحه ۱۰

دیر می شود...

بقیه از صفحه ۱

داشتن اکثریت مردم در صحنه، آنها را همچنان معتقد مومن و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند. (اطلاعات ۲۷ دی ۱۳۶۰)

رئیس دیوان عالی کشور، هم درست در همین مورد به شرکت کنندگان در سمینار "جهاد سازندگی" می گوید: "شما نیروهای مردمی یک کشور انقلابی، وظیفه دارید، تا موقعی که ما این چیزها را در جهت مستضعفین می چرخانیم، شما نگذارید این مستضعفین از دست ما بروند." (کیهان - ۱ بهمن ۱۳۶۰)

اهمیت مسئله تا آنجاست که رئیس جمهوری، در مطلب پیش گفته تأکیدی کند:

"اکثریت کسانی که بار انقلاب را بدوش میکشند، مستضعفین و مستندان و طبقات پائین و متوسط جامعه هستند و چنانچه انقلاب باینها رسیدگی نکند و یانویذ رسیدگی در آینده را بدهد، این درست نیست."

حجت الاسلام خامنه‌ای در جای دیگری باز به این مسئله حیات برمی گردد و می گوید:

"ولی هنر در این است که ما بتوانیم در برنامه‌های کوتاه مدت هم به نحوی عمل کنیم که از محرومیت برادران و خواهران کارگرممان، که زحمتکش و محروم اند و از قشرهای مستضعف به حساب می آیند، کاسته شود." (کیهان - ۳ بهمن ۱۳۶۰)

و اما همانطور که رهبر انقلاب بارها یادآور شده اند، مردم عمل می خواهند، و درست همین جاست که سؤال پدر یک شهید برای همه مردم ایران مطرح است، که می پرسد:

"شما مسئولین چطور؟ شمائی که به فرموده امام در برابر هر رای مردم مسئولید، چه کرده اید و چه می کنید؟ برنامه‌های پتان را به نفع محرومان ویا برهنه‌ها چه وقت اجرا می کنید؟ مگر امام بزرگمان صدها بار فرموده اند: "این مملکت و این انقلاب مال پابرنهت - هاست". مگر ایشان بکرات نگفته اند: "این انقلاب را گود نشینها و زاعه - نشینها کرده اند." شما برای جانشان ثمرات این انقلاب به صاحبان اصلی آن تا بحال چه کرده اید؟ (اطلاعات - ۳ بهمن ۱۳۶۰)

محرومان در گود،

ملک التجارها

در قصرهای افسانه‌ای

برای آنکه بار هم بیشتر اهمیت موضوع روشن شود، به وضع تابسانان موجود، که البته بخش عمده آن میراث رژیم منقر پهلوی و حاصل توطئه‌های امیرالایسیم جهانی سرکردگی امریکایی بعد از انقلاب است، نگاه کوتاهی می اندازیم:

پیش از همه، باز هم این امام خمینی رهبر انقلاب است که سخن می گوید:

"مسئله گران و مسئله احتکار و اینها هم کرارا گفته شده است به اینکه اینها بیگانه‌گرا فروشی میکنند، اینها بیگانه‌گرا می‌کنند، اینها انصاف داشته باشند که این ملت با خون خودش و با زحمت خودش شما را از آن اختناق بیرون آورد و مسئله آن نامنی به صورت قانونی را از بین برد. هیچ انصاف نیست که شما باین ملت و با این مستضعفین اینطور کنید. می دانید که گران و احتکار تلخی اش به ذائقه مستضعفین و عامه مردم محروم است." (کیهان - ۵ بهمن ۱۳۶۰)

آقای محمد اخلاقی نیا نموده

مردم سیرجان، در جلسه علنی ۲۷ دی ۶۰ مجلس، بخش دیگری از واقعیت موجود را بیان می کند: "مسئله مسکن همچنان بیداد می کند و زمین همچنان سرصودی خود را می پیماید." (جمهوری اسلامی - ۲۸ دی ۱۳۶۰)

آقای مرتضی محمودی نماینده دیگر مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با روزنامه کیهان، می گوید: "این دلیلی نیست که مجلس و دولت فقر و حشتناکی را که، این عزیزان با آن دست و پنجه نرم می کنند، از یاد ببرند و فراموش کنند که آنها در الونک های و بیفوله‌ها زندگی میکنند..." (۲۷ دی ۱۳۶۰)

پدیری که فرزند خود را تقدیم انقلاب کرده است، از سر سوز دل به روزنامه اطلاعات می نویسد: "باز هم که زن و فرزند شهید (همسرش حاضر نیست نام برده شود) باید در میان گودها در کانتینر زندگی کند و شبها سرگرسنه بر زمین بگردد و ملکه‌التجارها، کوره‌دارها و کارخانه دارها در قصرهای افسانه‌ای خود در شب و بسکی و خوابار میخورند و به ریش هر چه پاسدار شاهد یا شهید است، می خندند. چرا؟

باز هم که توطئه‌گران و تروریست های اقتصادی در کمال رفاه و آسایش و آزادی سرگرم شغل‌های خود هستند و گرسنگان و پابرنه‌ها در بند فتنه‌های آنان جان می بازند." (۳ بهمن ۱۳۶۰)

راه حل چیست؟

چنین است وضع البته هم پدر آن شهید و هم مردم و مسئولان کشور و نیروهای انقلابی، که بر انجام خواست های محرومان پامی فشارند، مطلعند که اینجا و آنجا اقداماتی شده است. نمونه اش را میتوان در فعالیت های "جهاد سازندگی" ویا "بنیاد شهید" ذکر کرد. اما همه مسئله بر سر این است که ایرانی غارت زده و ویران از رژیم پهلوی به انقلاب آرشیده است. ایران ستم زده ای که یک درصد جمعیت آن در کاخ های نشینند و اکثریت عمده اش در کوچه ها و بیفوله ها. ایرانی که توله "آریامهرش" سگ توله خود را برای درمان با هواپیما به پاریس می برد و اکثر مردمش از آرزو و در مان محروم بودند. این ایران ستم زده که در شرار خشم خود بساط شاهنشاهی را سوخت برای مبدل شدن به یک ایران آزاد و آباد در مرحله کنونی نیاز به اصلاحات عمیق انقلابی دارد. باید این تبدیل را از ریشه شروع کرد. قدم اول تصویب و اجرای قوانین انقلابی بر بنیاد قانون اساسی است. اظهارات مقامات مسئول نشان می دهد که آنها خوشبختانه به این امر وقوف کامل دارند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در مصاحبه با روزنامه اطلاعات می گوید:

"لا ایلحه الا الله تجارت خارجی وقتی که اجرا شود - که ما عملاً اجراش را شروع کرده ایم - خود این دیگر از این به بعد جلوی سودهای بیبریطی را که یک دفعه یک نفر را در اثر یک معامله خارجی میلیارد می کرد، می گیرد... حالا هم عده ای، محتکرانی هنوز هم هستند و دارند کار می کنند، ولی جلوی آنها را می گیریم... دوازده اصل اینها اصل ۴۹ قانون اساسی است، که باید اصل ۴۹ قانون برایش بنویسیم و اجرا کنیم و ثروت های نامشروع را بگیریم... مطمئن هستیم که همه این گران بیها طبیعی نیست. این را باید نیرو صرف کنیم و جلوی رانگیریم. با اجرای تجارت خارجی دولتی بسیاری از مشکلات حل میشود." (۳ بهمن ۱۳۶۰)

درست به دلیل این وقوف است که آن نماینده محترم مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس سؤال میکند:

"بیش از سه ماه از اجازه امام به مجلس در مورد تصویب قوانینی که می تواند رافع عسر و حرج باشد و تاخیر در تصویب زبان باز است، می گذرد. خصوصاً با توجه به اینکه در پاسخ امام به نامه ریاست محترم مجلس تصویب و اجرا مجاز

مردم سیرجان در روز سراسر مسخ انقلاب اسلامی صدامیرالایستی و مردمی ایران مایوس می شود، با عجله به تدارکات نظامی برای شکستن قهر - آزمون انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. "شیطان بزرگ"، ضمن اینکه با همزم عربستان سعودی و شیخ نشینهای خلیج فارس و اردن و مصر و متحدان انگلیسی و فرانسوی، سعی دارد تا تشنگ تجاویز امریکایی - صدامی را فرورزان نگاهدارد، در جنوب خلیج فارس "شورای همکاری" نظامی می سازد، پاکستان را مسلح می کند، ترکیه را به لانه ضد انقلابیون مسلح "ایرانی" بدل می کند و حضور نظامی خود را در منطقه گسترش می دهد.

موضع گیری دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال این تدارکات نظامی معلوم است و از زبان عالیترین مقامات مسئول اعلام شده است. رئیس جمهور در مصاحبه مطبوعاتی ۱۸ دیماه ۶۰ گفت:

"ما هرگز تصور نمی کنیم که امریکا به این سهولت از ادامه تهاجمات نظامی خودش چشم ببوشد. همه چیز را مافرض می کنیم و منتظر همه چیز هستیم" (جمهوری اسلامی، ۱۹ دیماه ۱۳۶۰)

سرو روز بعد آقای میرحسین موسوی نخست وزیر با اظهار داشت:

"گسترش توطئه های امریکا را در منطقه پیش بینی می کنیم" حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس هفته بعد، در نخستین جمعه بهمن ماه ۶۰، در خطبه نماز جمعه هشدار داد:

"... به کشورهای مثل عربستان، کویت، اردن به کشورهای کوچک خلیج فارس، به مصر، به اینها می گویم: امریکا ثابت کرده دشمن شماست، یعنی امریکا با نهایت پرروئی در مقابل شما، که دانستن را باز کرده اید و امریکا را زیر دامن خودتان آورده اید، در دامن خودتان نشانده اید و با نفتتان و با ارتش تان و با مردمان دارید مصالح امریکا را توی منطقه حفظ می کنید، شما به خاطر امریکا دارید با جمهوری اسلامی می جنگید و با اسلام دارید می جنگید. امریکا دیگر با این پرروئی شما گفت که من دشمن شما هستم. اگر روزی هشت میلیون، ده میلیون بشکند نفت عربستان سعودی و دو میلیون نفت کویت و مجموعاً روزی بیست و پنج میلیون تاسی میلیون بشکند نفت دنیا، اسلام برای امریکا ارزش اخم کردن به اسرائیل را ندارد، شما با اجام میدی به این گفتار درنده جهانی همکاری می کنید؟ شما به ملت تان چه جوابی می دهید؟ شما جواب خدارا چه میدید، اگر مسلمانانید؟ اگر مسلمان نیستید، جواب مردمان را چه میدید؟ جواب چهار میلیون آواره فلسطین را چه میدید؟ جواب مردم گرفتار جنگ سوریه را چه میدید؟" (جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن ۶۰)

اعلام کرد: "ما مایل نیستیم جنگ در منطقه آغاز شود. ما قدرت این امر (جنگ) را داریم و نیروی انسانی، نیروی مومن و تجهیزات ما بقدری هست که کفاف

شده است، تاکنون کدام عملی در این جهت قطعیت یافته؟" (محمد اخلاقی جمهوری اسلامی ۲۸ دی ۱۳۶۰) و پدر شهید می پرسد: "چرا؟ آخر چرا؟ چه چیزی باعث شده است که مجلس شورای اسلامی ما بجای پرداختن به تصویب قوانین ضروری مانند لایحه اصلاحات ارضی و... درگیر بحث های فرعی شود و تازه قوانین مترقی هم که از تصویب می گذرد، از طرف یکارگان دیگر "وتو" گردد؟ چرا؟

آمریکا در خط ماجراجوئی نظامی علیه ایران انقلابی

موجودی همسایگان ما را بدهد ملت ما هم یک ملت انقلابی است و همیشه راه های گوناگونی را برای اینکه در مقابل دشمن زانو خم نکند، در اختیار دارد." (آزادگان، ۶ بهمن ۶۰)

اتحادیه نظامی شش کشور ساحلی خلیج فارس (عربستان سعودی، بحرین، عمان، کویت، قطر و امارات متحده عربی) بنام "شورای همکاری خلیج" به سرعت شکل می گیرد. اختصاص بودجه سالانه ای به مبلغ بیش از ۳۰ میلیارد دلار برای تسلیح این "شورا"، غیر از مبالغ نجومی دیگری است که بویژه از عربستان سعودی به گاو صندوق انحصارات اسلحه سازی، خصوصاً امریکائی، روان است. سیل اسلحه ای که متقابلاً از امریکایی بسوی منطقه "شورا" جاری است - تا گفته بیداست - همراه با هزاران مستشار و ماور و خدمه نظامی امریکائی است. و این اشغال خزند، ولی آشکار نظامی منطقه، غیر از پایگاه های اختصاصی نظامی متعدد امریکائی در عربستان سعودی، در بحرین و در عمان است. حتی اگر دیرکل این "شورا" نمی گفت که: "منافع کشورهای عضو شورا منطبق با منافع غرب و بویژه امریکا است"، هیچکس کمترین تردیدی نداشت که این اتحاد نظامی، امریکائی است، زیر فرمان پیناگون است، هدف آن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. تصمیم وزیر دفاع "شورا" به تقویت نظامی عمان، توام با توسعه پایگاه های نظامی امریکائی در این کشور و استقرار "نیروهای واکنش سریع" در کشورهای عضو "شورا" شکی باقی نمی گذارد که امریکا در تدارک ماجراجوئی جدیدی در این منطقه حساس نعت خیز است.

اگر "عقلی" برای امیرالایسیم امریکائی قائل می شدیم، می توانستیم تصور کنیم که "امریکا بر روی بشکه نفت، که شیشه عمر "امیرالایسیم" است، آتش نخواهد افروخت. ولی تحریک عراق به تهاجم نظامی به ایران، مگر آتش افروزی در منطقه نفت نیست؟ سیاست امریکا از روی "عقل" تدوین نمی شود، چنانکه هیچ زدنی از روی "عقل" زدنی نمی کند. خط اساسی سیاست خارجی امریکا بویژه در دوران کنونی، ماجراجوئی برای حفظ منافع غارتگرانه امیرالایسیم است. و درست به همین جهت امریکا در خط ماجراجوئی نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دیوانه وار پیش می رود.

تدارک ماجراجوئی نظامی امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تنها در ناحیه جنوب و بوسیله شیوخ و سلاطین سرسپرده نیست. توطئه چینی امریکائی رژیم نظامی ضیاء الحق در پاکستان، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به سرعت پیش می رود. مجله "هندی بلپتس"، اوآخردیماه ۶۰ فاش کرد که، امریکایه قصد برقراری سلطه خود بر منطقه خلیج فارس، در کار تدارک مدخله مسلحانه علیه ایران است، تا بدین وسیله دولت کنونی ایران را واژگون کند و دوباره رژیم سرسپرده غرب در این کشور بگمارد. این مجله پس

اینها، این ترمز کننده های پنهان چه کسانی هستند که این چنین با خیال راحت، آگاهانه یا ناآگاهانه، دارند با سرنوشت اسلام و انقلاب بازی می کنند؟ و شما بعنوان یک مسئول مردمی، بعنوان کسی که مسلماً در دنیای باقی باید جوابگوی دهها هزار شهید باشید، چرا موانع ترمز کننده را روند درست انقلاب را به امت معرفی نمی کنید؟ مگر اینها چه قدرتی دارند؟ آیا زورشان از محمد رضا خان بیشتر است؟ (اطلاعات - ۳ بهمن ۱۳۶۰)

از اشاره به نقش نیروهای امریکایی "گسترش سریع" که باید همراه با ارتش پاکستان به خاک ایران حمله کنند نوشت: "واشنگتن و اسلام آباد هم اکنون به تنظیم فعالانه نقشه های مشترک مداخله گرانه علیه ایران پرداخته اند. قدرت نظامی پاکستان به سرعت افزایش می یابد. طبق معامله محرمانه ای که میان دو کشور امریکا و پاکستان انجام گرفته، نیروهای مسلح امریکا در سواحل بلوچستان پاکستان مستقر خواهد شد. مقامات رسمی اسلام آباد هم اکنون با استفاده از بندر گوآدر (دره ۸ مایلی چاه - بهار) بعنوان پایگاه نیروی دریایی امریکا موافقت کرده اند."

در ترکیه نیز - همه می دانند - گروه های متعددی از ضد انقلابیون فراری "ایرانی" یکمک دولت ترکیه و زیر نظر "سیا" مسلح شده اند و در اردوگاه های اختصاصی مشغول آموزش نظامی هستند. سرپرست آنها بهرام آریانا - ارتشبد فاشیست ارتش شاهنشاهی "است."

بدینسان امریکا، که از مسخ انقلاب اسلامی صدامیرالایستی و مردمی ایران، همواره مایوس تر می شود و از سوی دیگر مشاهده می کند که پای خر تهاجم نظامی امریکائی - صدامی به گل فرورفته، به سرعت در کار تدارک تهاجمات نظامی دیگری علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

هنوز نمی توان دقیقاً گفت که این تهاجمات نظامی چگونه و از کجا انجام خواهد گرفت؟ نمی توان گفت که آیا امریکا مستقیماً در آن شرکت خواهد کرد و با فقط سگان زنجیری خود را علیه ایران رها خواهد کرد؟ ولی همانطور که رئیس جمهور خامنه‌ای اشاره کرد، قدر مسلم اینست که امریکا به این سهولت از ادامه تهاجمات نظامی خود چشم نخواهد پوشید. "همه چیز را مافرض می کنیم و منتظر همه چیز هستیم" و باید برای همه چیز آماده شویم و مجدداً آماده شویم.

این آمادگی - به نظر ما - باید بر روی سه "خط"، محدوده و با قطعیت انجام گیرد: یکی بر روی "خط" تدارک همه جانبه نظامی برای دفع خطر تهاجم قهرآمیز ضد انقلابی امریکائی، توام با تحرک و فعالیت بیشتر در سیاست خارجی، در جهت عقیم کردن توطئه های تجاویز امریکا و نیروی نفوذی نیروی دفاعی، دیگری بر روی "خط" پیشبرد انقلاب - حل مسائل بنیادی انقلاب (انجام اصلاحات بنیادی ارضی به سود مستضعفان و زحمتکشان روستا، مهار گران و تورم از طریق دولتی کردن بازرگانی خارجی و کنترل توزیع داخلی کوشش در احیاء و گسترش تولید و جذب بیکاران به کار، بازگشائی دانشگاه ها و دیگر مسائلی که باعث حفظ و تقویت انقلاب و روحیه انقلابی توده های میلیونی خلق قهرمان ما میشود - سرانجام بر روی "خط" اتحاد همه نیرو های انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی.

با انجام این سه وظیفه - مبرم انقلابی، امریکای هیچ غلطی نمی تواند بکند، و اگر هم بکند، بدتر از گذشته دچار شکست مفتضحی خواهد شد.

و این سؤال ها برآستی پرسش همه مردم محروم ما است از این روست که پدر یک شهید در واقع بیانگر نظر مردم است، وقتی میگوید: "هشدار که تروریست های اقتصادی سعی دارند هر روز زمینه های یاس و ناامیدی را در میان محرومان گسترش دهند و دشمنان انقلاب نیز سخت در این زمینه مشغول فعالیتند. تا دیر نشده است اقدام کنید، که فردا خیلی دیر است." (همانجا)

برای حل مسائل آموزشی اقلیت‌ها سیاستی روشن و مسئولانه لازم است

بر مبنای رهنمودهای صریح امام خمینی :

بازگشائی سریع و کامل دانشگاه‌ها را تحقق بخشید!

امیربالیستی و مردمی و منطبق با ویژگی‌ها و نیازهای خود را پدید آورد. ولی این تصور که این فرهنگ انقلابی باید جدا از دستاوردهای فرهنگ بشری رشد و تکوین یابد، نادرست، غیرعملی و زیانبار است. بشریت در تاریخ هزاران ساله خود آنچنان گنجینه‌های از فرهنگ مادی و معنوی آفریده، که بستان درها و بی‌شمار، به هر عنوان و بهانه، تنها می‌تواند جمهوری سوسیالیستی ایران را از قافله علم و فن امروزی عقب باندازد.

ما می‌پرسیم: آیا در شرایطی که مبین انقلابی ما بیش از هر زمان دیگر به بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص و کارآمد برای بازسازی نیازمند است، عدم استفاده از امکانات موجود انسانی و مادی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی منطقی و در جهت منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است؟ (توجه کنید که هم اکنون کشور ما حداقل به ۲۵ هزار پرسنل نیاز دارد و دانشگاه‌های کشور حتی در چارچوب فعلی - می‌تواند سالانه بیش از ۴ هزار فارغ التحصیل گروه پزشکی و بیش از ده هزار فارغ التحصیل رشته‌های مهندسی، فنی و کشاورزی به جامعه تحویل دهد.)

آیا در شرایطی که بیش از ۲۵۰ هزار نفر، به نام دانشجو، در کشورهای سرمایه‌داری زندگی میکنند و سالانه مبالغ هنگفتی ارز از کشور خارجی می‌کنند، محروم کردن بیش از ۱۷۵ هزار دانشجو از ادامه تحصیل، به این عنوان که با فرهنگ عربی تربیت می‌شوند، اصولی و منصفانه است؟

آیا محروم کردن صدها هزار دیپلمه پشت کنکور، که باید با فراگیری تخصصی در خود، در ساختمان ایرانی نو، شرکت فعال داشته باشند، از آموزش عالی و تکنیکال گذارند، آنها را خدمت رسانی و شکوفائی جمهوری اسلامی ایران است؟ (در سال ۱۳۵۸، بیش از ۵۵۰ هزار دیپلمه در کنکور شرکت کردند.)

آیا در شرایطی که برای هر چه بتوان ترک کردن روند بازسازی مبین انقلابی، بکارگیری همه نیروهای مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، ضرورتی ندرید ناپذیر یافته است، عدم بهره‌گیری از بخشی از این نیروها، به بهانه‌های تنگ نظرانه و احصار طلبانه، واقع بینانه و در جهت مصالح انقلاب و مبین انقلابی است؟ ودهها "آیا" دیگری، که پاسخ درست به آنها ندرید، اگر واقع بین و منصف باشیم - تنها به یک نتیجه می‌انجامد، نتیجه‌ای که همواره مورد تأکید امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بوده است:

"همه نیروی خود را برای بازگشائی دانشگاه‌ها تجهیز کنید".
ما امیدواریم و انتظار داریم که اعضای "ستاد انقلاب فرهنگی"، این رهنمود ارزنده امام خمینی را فرا راه خویش قرار دهند و با همکاری و همفکری "افراد صاحب نظر متعهد و آسانگیر و دانشجویان محترم و مسئول" صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، بازگشائی دانشگاه‌ها و مدارس عالی را توان و سرعت هر چه بیشتری بخشند.

مزدور از آمریکا، اروپای غربی، اسرائیل و کشورهای آمریکای لاتین علیه آنکولا و "سازمان مردم آفریقای جنوب باختری" می‌جنگند.
امدی رود که بگردن مجازات عمال مزدور امپریالیست به بیکار جنبش - های آزاد بخش کمک رساند.

در هفته گذشته گذشته امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله مهدوی کنی و حاجت‌الاسلام احمد احمدی را به سمت اعضای جدید "ستاد انقلاب فرهنگی" منصوب کردند. امام خمینی در فرمان انتصاب اعضای جدید "ستاد انقلاب فرهنگی" خطاب به آنان گفتند: "امید است با همکاری و همفکری با اعضای محترم این ستاد و نیز افراد صاحب نظر متعهد و آسانگیر و دانشجویان محترم و مسئول در هر چه سریع تر بازگشائی دانشگاه‌های کشور کوشش نمایند". امام خمینی همچنین در سخنانی که در ۴ بهمن ماه ۱۳۶۰ ایراد کردند، دگر باره تأکید و زربندند که:

"دانشگاه‌ها باید با جدیت بازگشائی شوند".
امام خمینی درباره بازگشائی دانشگاه‌ها گفتند:

"این مشکل حل شده و می‌شود. من از بعضی از روزنامه‌ها باید گله کنم، چون بعضی از تئوری‌هایشان برخلاف گفته‌های من در این مورد بوده است. ما می‌گوئیم که دانشگاه‌ها باید باز شود، اما آنها از قول من نوشته‌اند که دانشگاه‌ها تا اسلامی نشوند، باز نخواهد شد. من گله دارم از آنها که این حرف‌ها را کردن من هم می‌گذارند. حرف دیگرم خطاب به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی است که زیاد کار را مشکل می‌گیرند".

امام خمینی درباره دانشجویانی که بدلیل بی‌تجربگی در گذشته به دام ترفندهای گروهک‌های ضدانقلابی افتاده بودند، گفتند:

"در بازگشائی دانشگاه‌ها توبه برای دختران و پسران دانشجویی که مفسدند و باند و خلافی کرده‌اند، باز است. توبه آنها پیش خدا قبول است و باید راه پیدا کنند به دانشگاه‌ها و خدمت کنند به کشور و ملت." (کیهان - ۴ بهمن ۱۳۶۰)

این نخستین بار نیست که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مسئولین امر را به بازگشائی هر چه سریع تر دانشگاه‌ها فرامی‌خوانند و با رهنمودهای ارزنده خود، مسائل مبرم آن را روشن می‌سازند. امام خمینی در سخنان خود در زمینه "انقلاب فرهنگی" همواره بر بازگشائی سریع دانشگاه‌ها، انجام دگرگونی‌های بنیادین در حین فعالیت دانشگاه‌ها و بهره‌گیری از همه نیروهای متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی، تأکید و زربند کرده‌اند.

این رهنمودهای صریح، اصولی و واقع بینانه امام خمینی را باید هر چه سریعتر به کار گرفت و چرخ‌های نظام آموزش عالی را به طور کامل به حرکت درآورد.
ولی متأسفانه، علیرغم این رهنمودهای ارزنده، نگرشی وجود دارد که، بویژه پنهانی و غیر مستقیم همچنان با بازگشائی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مخالفت می‌ورزد، با بهره‌گیری از نیروهای دگراندیش انقلابی در این عرصه مخالفت و حتی می‌کوشد تا مانع کار و تحصیل اینگونه آسانگیر و دانشجویان شود.
در این تردیدی نیست که انقلاب اسلامی ایران باید فرهنگ نو استعماری گذشته را ریشه کن کند و فرهنگ ضد - درامورد داخلی کشورهای مستقل آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. گسیل مزدوران آفریقای جنوبی، آمریکا، بریتانیا و آلمان غربی برای اقدام به کودتا علیه سیشل تازه ترین نمونه این روش امپریالیستی بود. فزون بر این گزارش "سواپو" ۳۰۰۰ - ۲۰۰۰

نسبت به اقلیت‌های ملی - مذهبی و تحمیل برخی مسایل، که مغایر با آداب و رسوم آنهاست، نه تنها نمی‌تواند گره - گشائی مشکلات آموزشی اقلیت‌ها باشد و بهره‌شود ترقی آنان کمک کند، بلکه بر عکس، زمینه را برای تحریکات گروه - های مخرب و ضد انقلابی آماده می‌سازد. در این زمینه دولت باید در نظر داشته باشد که کادر آموزشی و اداره مدارس اقلیت‌ها باید متشکل از چنان افرادی باشد که به فرهنگ، آداب و رسوم، شعائر مذهبی و سنن اقلیت‌ها آشنائی دارند. به آنان احترام می‌گذارند و در ضمن انقلابی عمل می‌کنند و با هر گونه مظاهر فرهنگ ضد انقلابی و منحط باقی مانده از رژیم پهلوی مبارزه می‌کنند.

متأسفانه در این زمینه کمبودها فراوانند و ما گاه شاهد برخوردهای غیر مسئولانه هستیم. سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران باید ایجاد کننده حسن تفاهم باشد، خلق‌های مختلف و پیروان ادیان گوناگون را به هم نزدیک کند و به اتحاد آنها در مبارزه با حیات و تاریخی علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و یادی و اذیت داخلی آن پاری رساند و امکانات رشد و شکوفائی فرهنگی - اجتماعی اقلیت‌های ملی - مذهبی را فراهم سازد. و این امر مهم بازر و تبعیض، با نادیده گرفتن ویژگی‌های ملی - مذهبی خلق‌ها و اقلیت‌های ساکن در ایران غیر ممکن است.

در تهیه و تنظیم برنامه‌های آموزشی برای اقلیت‌ها، دولت باید از گروه‌های متعهد و نیروهای وفادار به انقلاب شکوهمند مردم ایران کمک بگیرد. اقلیت‌های مذهبی در مجلس شورای اسلامی ایران دارای نمایندگانی هستند که اکثریت مطلق آنان مدافع انقلاب اند و همواره در جهت تقویت نیروهای راستین پیرو خط امام کوشیده‌اند. آنها می‌توانند در تنظیم و تدوین برنامه‌های آموزشی اقلیت‌ها کمک شایانی به دولت بکنند.

علاوه بر این، دولتی کردن مدارس اقلیت‌ها باید با ایجاد نهادهای ویژه دولتی همراه باشد، تا هم مرکزیت دولتی حفظ شود و هم افراد صاحب نظر و صالح بر آموزش و پرورش اقلیت‌ها نظارت داشته باشند. آنرا سازمان دهند برای آن برنامه تنظیم نمایند و غیره.

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بارها بر رعایت حقوق پیروان ادیان مختلف، خلق‌ها و اقلیت‌های ملی - مذهبی در جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده‌اند. نیروهای راستین پیرو خط امام باید به این رهنمودهای مهم رهبر انقلاب توجه نمایند و در مسائل فرهنگی اقلیت‌ها چنان سیاستی را اتخاذ کنند که با روح انقلاب بزرگ ما مطابقت داشته باشد. اقلیت‌ها را هر چه بیشتر در حول آرمان‌های انقلاب متحد و متشکل کند و امکان رشد و شکوفائی اجتماعی - فرهنگی آنان را فراهم سازد.

و اعتصاب‌های تحریک آمیز بکشاند. خوشبختانه در نتیجه کوشش‌های نمایندگان اقلیت‌ها در مجلس شورای اسلامی و برخورد مسئولانه وزارت آموزش و پرورش، بخشنامه مذکور لغو شد، ولی متأسفانه هنوز سیاست نهائی آموزشی دولت در مورد اقلیت‌های ملی - مذهبی نامشخص و نامعلوم است. و در نتیجه هر آن ممکن است که بایک تصمیم نادرست و یک برخورد غیر معقول، باز جو مدارس اقلیت‌های ملی - مذهبی متشنج گردد و ضد انقلاب مترصد هم از اوضاع آشفته به سود اهداف ضد مردمی خویش بهره برداری کند.

در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی برای اقلیت‌ها باید حتماً این نکته را در نظر داشت که آنها دارای سنن و فرهنگ و زبان ویژه خود هستند و این حقوق مسلم آنانست که بزبان مادری خویش آموزش ببینند، فرهنگ و سنن خویش را حفظ کنند و در غنی تر ساختن آن بکوشند.

این حقوق مسلم را قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دستاورد گرانمایه انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران، به آنان داده است. بنا به بر این دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است که این حق مسلم اقلیت‌ها را در نظر بگیرد و امکان تحقق حقوق فرهنگی آنان را فراهم سازد.

در سالهای سلطه رژیم ضد مردمی پهلوی، هرج و مرج ناشی از سلطه بخش خصوصی بر آموزش و پرورش و فرهنگ ضد ملی و نواستعماری حاکم، به اقلیت‌ها نیز سرایت کرده بود. مدارس اقلیت‌ها عرصه تاخت و تاز گروه‌های ارتجاعی وابسته به رژیم پهلوی شده بودند. این وضعیت متأسفانه، تاکنون نیز، یعنی با گذشت تقریباً سه سال از پیروزی انقلاب، ادامه دارد.

دولت جمهوری اسلامی ایران با دولتی کردن مدارس و کوتاه ساختن دست بخش خصوصی و میسیونرهای "مذهبی" از آموزش و پرورش، گامی جدی در جهت مردمی کردن این امر مهم برداشته است. ولی این کافی نیست. مسئولین امور باید با برنامه‌های روشن و همه جانبه مشکلات موجود را بر طرف سازند و به هرح و مرج سابق پایان دهند. دولت باید خود را سا مسئله آموزش و پرورش اقلیت‌ها را در دست بگیرد و با استفاده از مرکزیت دولتی، آموزش و پرورش را از وسیله‌ای در دست گروه‌های ماجراجو و ضد انقلابی آزاد سازد و به آموزش و پرورش نسلی آگاه، متعهد و انقلابی کمک کند.

در همان حال باید در نظر داشت که ارگانهای مردمی و دمکراتیک، نظیر انجمن‌ها و شوراهای دانش آموزان، انجمن‌های اولیا و مربیان نیز می‌توانند و باید نقش موثری در مدارس بازی کنند. در تشکیل این نهاد های مردمی و دمکراتیک باید ویژگیهای اقلیت‌های ملی - مذهبی و سنت‌های قومی - مذهبی رعایت گردد و محترم شمرده شوند. برخورد های تنگ نظرانه و انحصار طلبانه

ایران کشوری است که در آن خلق‌های مختلف با ادیان و مذاهب متفاوت طی قرنهای متمادی در کنار هم زندگی می‌کنند. سده‌های طولانی اقوام ساکن ایران در پی یکدیگر برای ساختن ایرانی مستقل آزاد و شکوفان در کنار هم بوده‌اند. با وجود این، رژیم‌های گذشته، بنا به ماهیت ضد مردمی خود، همواره حقوق خلق‌ها و اقلیت‌های ملی - مذهبی ایران را پایمال کرده و موانع متعددی در راه رشد و شکوفائی فرهنگی - اجتماعی آنها به وجود آورده‌اند.

انقلاب بزرگ اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی، دورنمای نوید بخشی را برای پایان دادن به تبعیضات مختلف نسبت به خلق‌ها و اقلیت‌های ملی - مذهبی ایجاد کرد. اگر چه در حل مسئله ملی، متأسفانه هنوز اقدامات قاطعی انجام نگرفته و اینجا و آنجا برخی مسئولین و گروه‌های بانفوذ در راه تحقق رهنمودهای امام خمینی و اجرای مواد قانون اساسی کارشکنی می‌کنند. با وجود این، پس از پیروزی انقلاب، ما شاهد جنب و جوش پر دامنه‌ای در میان خلق‌ها و اقلیت‌های ملی - مذهبی هستیم.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخی حقوق اساسی پیروان ادیان مختلف، با اقلیت‌های مذهبی، تا حدی رعایت شده است. از جمله مواد ۱۳ و ۱۵ قانون اساسی کشور مان به حقوق مبعی، از قبیل حفظ و گسترش شعائر و سنن ملی - مذهبی، آموزش زبان و ادبیات مادری در کنار زبان و ادبیات فارسی، حفظ و گسترش فرهنگ و غیره، اختصاص یافته‌اند.

با وجود این مواد صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باز گاه - گاهی از سوی برخی مسئولان تصمیمات نادرست و منافقانه قانون اساسی اتخاذ می‌گردد و این باعث می‌شود، تا گروه‌ها و جریان‌های ضد انقلابی و منحرف از این تصمیمات و ناراحتی و نگرانی به حق ناشی از آنها سوء استفاده کنند و بکشند تا اقلیت‌ها را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برانگیزند.

ملاحظه کنید پیش، اداره کل آموزش و پرورش تهران، طی بخشنامه شماره ۶۲۱۲۳ مورخ ۱۳۶۰/۸/۲۵ اعلام کرد که تدریس زبان مادری اقلیت - ها در مدارس ممکن نیست. این بخشنامه، که با ماده ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تناقض آشکار داشت، باعث نگرانی و اعتراض به حق اقلیت‌ها شد. نیروهای ضد انقلابی بلا فاصله کوشیدند که از این جریان سوء استفاده کنند. از جمله، میان ارانیه، نیروهای ضد انقلابی تلاش کردند که خواست طبیعی و ابتدائی ارانیه را در مورد موختن زبان، ادبیات تاریخ و تعلیمات دینی خویش، به سوی مخالفت با دولتی شدن مدارس سوق دهند. آنها کوشیدند که جوهر هر چه بیشتر متشنج کنند و با شعار - های بظاهر "ملی"، دانش آموزان و اولیای آنان را به گرد همائی‌ها، تحمیل‌ها

مزدور گیری امپریالیسم علیه جنبشهای آزادی بخش ملی

مزدوران بروند. کشورهای سوسیالیستی بارها ثابت کرده‌اند که بکارگیری مزدوران چیزی جز حربه امپریالیسم و استعمار برای رویارویی با جنبش‌های آزادی بخش ملی، ثبات زدائی و سرنگونی رژیم‌های مترقی نیست.
از سوی دیگر، کشورهای امپریالیستی می‌کوشند تا مسئولیت آموزش و بکارگیری مزدوران را از خود سلب کنند اما نمونه‌های فراوان بشیوت می‌رساند که، استخدام مزدوران بخشی از سیاست تجاوز کاران امپریالیسم برای مداخله

ساخته‌اند که، در این معاهده بین المللی باید به مسئولیت‌های کشورهایی که عملیات مزدوری را طرح می‌ریزند، سازمان می‌دهند و تشویق می‌کنند اشاره گردد.
سازمان ملل متحد "سالمه است که بکارگیری مزدوران را علیه جنبش‌های آزادی بخش و استقلال طلب محکوم کرده و خود این مزدور را جنایتکار خوانده است. سازمان ملل متحد از دولت - های جهان خواسته است که همه جانبه به جنگ علیه استخدام، آموزش، بکارگیری، تحمل هزینه‌های مالی و تشویق

کمسیون حقوقی سی و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که به تدوین پیش نویس معاهده بین المللی علیه استخدام، تحمل هزینه‌های مالی و آموزش مزدوران بپردازد. این معاهده، که بر پایه یک قطعنامه سی و پنجمین اجلاس مجمع عمومی "تدوین میشود، کشورهای جهان را به مقابله با همه اشکال مزدوری متعهد می‌سازد. در سوکمیسیون که تسدوین پیش نویس معاهده نامبرد در تدارک می‌بیند، سی و پنجم کشور شرکت دارند. نمایندگان کشورهای مترقی خاطر نشان

بمناسبت روز اعلام جمهوری هند (۶ بهمن ۱۳۲۹ / ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰)

ششم بهمن ماه (۲۶ ژانویه) هر سال، مردم هند روز اعلام جمهوری در کشورشان را، که در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) بنیان گذاشته شد، جشن میگیرند.

سه دهه رشد مستقل ملی برای ملتی چند هزارساله، دوره کویاها پیش نیست. اما در همین مدت کوتاه مردم هند توانستند در پیگیری بی‌امان علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی نائل آیند و در صحنه بین‌المللی از اعتبار و حیثیت‌والایی برخوردار شوند.

تجربه‌ای بس گرانبها

تجربه هند، برغم محدودیت‌ها و ویژگی‌های آن، نشان می‌دهد که چگونه دولتی با اتخاذ ساستی در جهت منافع ملی و بویژه اتحاد ساست خارجی منکی بر نبرد پیگیر و فاطع با امپریالیسم و حمایت از اصول صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، دوستی با کلبه نیروهای حبه‌صد-امپریالیستی جهانی و پشتیبانی از مبارزه خلق‌های ستم‌دیده، میتواند استقلال خود را در برابر تهاجم همه جانبه امپریالیسم، ارتجاع منطقه و نیروهای برتری طلب در آسیا حفظ کند.

تجربه هند از سوی دیگری آموزد که استقلال سیاسی و اقتصادی و دستاوردهای اجتماعی-اقتصادی و سیاسی کنونی از بند رسته، که هنوز ماسبات سرمایه‌داری در آن حکمفرما است، به علت تشدید ناگزیر تضاد-های اجتماعی و طبقاتی و دسپرد مداوم غارتگران خارجی و داخلی به این دستاوردها، پایدار نمی‌ماند، مگر این که سرانجام راه برحولات بنیادی و عمیق و همه‌جانبه اجتماعی-اقتصادی گشوده شود.

حاصل

سه دهه رشد مستقل ملی

آنچه هند از استعمار بریتانیا به ارث برده بود، عبارت بود از صنعتی رشد نیافته، که با منافع کشور "متروپول" سازگاری داشت، کشاورزی عقب‌مانده نیمه‌فئودالی، فقر شدید و گسترده، بیسوادی مطلق و سیطره سرمایه خارجی. اما جمهوری هند، که به برکت یک جنبش رهایی‌بخش ملی و با الهام از انقلاب اکبر تشکیل شده بود، توانست تحت رهبری جواهر لعل نهرو، و سپس در دوران زمامداری بانو ایندیرا گاندی، گام‌های موثر و استواری در مسیر صلح، استقلال ملی و پاره‌ای اصلاحات اجتماعی-اقتصادی بردارد.

تصویب قانون اساسی سال ۱۳۲۹ که آزادی‌های دموکراتیک و حقوق مدنی و سیاسی مردم هند را تضمین می‌کند، به هند بها یاری داد تا نقش فعال و موثری در حیات سیاسی کشورشان ایفا کند. برچیدن امپریالیسم، یا پایگاه‌های فئودالی، و پایان دادن به خودکامگی فئودال‌ها سهم مهمی در تأمین وحدت ملی و تضعیف سلطه نو استعمار بر هند داشت. تقسیم کشور به ایالت‌های خودمختار بر پایه اکثریت قومی، به تخفیف تشنجات و اختلافات قومی مدد رساند. و بالاخره، پی‌ریزی یک صنعت مستقل و نوین، محدود کردن بزرگ مالکی و اصلاح وضع کشاورزی، که مانند گذشته رکن اساسی اقتصاد هند را تشکیل می‌دهد، بهبود قابل ملاحظه نظام آموزشی و اصلاحات سالهای اخیر، که تحت رهبری جناح مترقی "حزب کنگره" ملی به ریاست ایندیرا گاندی و با مشارکت توده‌های وسیع مردم و حمایت نیروهای راستین چپ، در مبارزه‌ای بس دشوار علیه

ارتجاع داخلی و سرمایه انحصاری خصوصی داخلی و خارجی صورت گرفته و میگیرد، هند را در راه تحکیم استقلال به پیش می‌برد.

ناگفته نماند که هند هم اکنون نیز با دشواری‌های مهمی از قبیل نابرابری‌های محسوس اجتماعی و اقتصادی، فقر، بقایای کاست‌ها و زندگی طایفه‌ای و نتایج منفی راه‌شد سرمایه‌داری، مانند تورم، بیکاری، بحران پولی و انرژی روبروست. اما با اطمینان می‌توان گفت که این کشور در مقیاس مهمی بر عقب‌ماندگی دیرینه خود فائق آمده است.

هند اکنون از لحاظ تولید چندین فرآورده صنعتی به حد خودکفایی رسیده است. صنایع این کشور انواع ماشین آلات و تجهیزات، هواپیما و کشتی و شمارگر (کامپیوتر) می‌سازد و انواع توربین‌ها و ماشین‌های نساجی و متالورژی، دستگاه‌های حفاری، لگوموتو برقی، تهویه مطبوع و تلویزیون تولید می‌کند. در سال‌های اخیر، هند با تجهیز خود به دانش هسته‌ای، از آن برای مقاصد

بخش دولتی - محور مبارزه

میان نیروهای دموکراتیک و ارتجاع

بخش دولتی اقتصاد هند، که از طریق اجرای طرح‌های صنعتی نوین و از راه ملی‌کردن بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و واحدهای بزرگ در صنایع سبک و سنگین ایجاد شده، سهم بسزایی در نوسازی و رشد اقتصاد ملی این کشور داشته است. در جریان رشد این بخش دولتی، در کشوری که ماسبات سرمایه‌داری در آن حاکم است، شرایط مادی و فنی وحتی برخی شرایط اجتماعی برای پیشرفت، فراتر از چارچوب منافع بورژوازی و انحصارهای خارجی فراهم آمده است. سهم دولت در سرمایه‌گذاری خالص در اقتصاد کشور، در سالهای ۱۳۴۴-۱۳۳۵، ۵۳ درصد بود. (از جمله ۶۱ درصد در صنعت و ۴۴ درصد در کشاورزی). در سال ۱۳۵۷، ۷/۵ میلیون نفر در بنگاه‌های صنعتی دولتی (بجز واحدهای کشاورزی) کار

کمتر از ۲۰ درصد درآمد ملی عاید-شان می‌شود.

۱۵ درصد مالکان بزرگ بیش از ۵۰ درصد همه زمین‌های زیرکشت را در اختیار دارند، در حالی که اکثریت عظیم دهقانان، که هیچکدام-شان بیش از ۲ هکتار زمین در اختیار ندارند، صاحب ۲۳ درصد زمین‌ها هستند.

مشخصه رشد اجتماعی-اقتصادی و سیاسی هند، بخصوص در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، حدت گرفتن تضادهای اجتماعی و طبقاتی و مبارزه سیاسی در کشور بود. "حزب کنگره" ملی، دچار بحران درونی شد و حزب بورژوازی "جانانا" که ائتلافی از نیروهای طرفدار بزرگ سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و دهقانان ثروتمند بود، در انتخابات ۱۳۵۶ (۱۹۷۷)، به پیروزی رسید و قدرت را در دست گرفت.

اما در تابستان سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹)، حزب "جانانا" بطور عمده بر اثر تضاد میان منافع نیروهای حامی آن و نارضایی عموم مردم از ناتوانی آن

هند مستقل

* تجربه هند نشان میدهد که، استقلال ملی کشورهای روبه رشد تنها در مبارزه پیگیر و فاطع علیه امپریالیسم اجزای اصلاحات اجتماعی-اقتصادی به سود خلق و دوستی و همکاری با همه نیروهای ضد امپریالیستی جهان پایدار می‌ماند.

* "اتحاد شوروی همیشه در دوران‌های سخت به هندوستان کمک کرده است"

ایندیرا گاندی

* پیوند هند با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به این کشور کمک می‌کند، تا استقلال ملی خود را قوام بخشد.

* هند از سیاست خارجی ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و صلح‌جویانه پیروی میکند.

صلح آمر سه‌بردراری می‌کند.

از زمان استقلال تاکنون، فرآورده ناپیوسته ملی هند ۱۵۰ درصد افزایش یافته و تولید صنعتی آن ۴ برابر شده است. همزمان، استخراج زغال سنگ ۳ برابر، تولید سیمان ۲ برابر، تولید نیروی برق ۱۰ برابر، تولید نفت ۳۰۰ برابر و فولاد ۵ برابر شده است.

تولید کشاورزی هند نیز دو برابر شده است و نزدیک به نیمی از درآمد ملی را تأمین می‌کند. در دهه گذشته، مساحت زمین‌های قابل کشت از ۲۷ میلیون هکتار به ۵۳ میلیون هکتار رسید و مقدار بهره‌برداری از کود از ۲/۲ میلیون تن به ۵/۲ میلیون تن افزایش یافت. طرح‌های برق‌رسانی و آبیاری و ایجاد واحدهای تولید ماشین آلات نوین کشاورزی و استفاده از تکنولوژی زراعتی سهم قابل توجهی در احیاء و نوسازی کشاورزی داشته است، بطوری که میانگین تولید غلات در سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۸ به ۱۲۰ میلیون تن رسید و کشور را از واردات غله بی‌نیاز ساخت.

دستاوردهای هند در گستره اجتماعی نیز قابل توجه است. برای نمونه، انتظار طول عمر از ۳۲ سال به ۵۳ سال رسیده که نشانه گسترش بهداشت و بهبود کلی سلامت اهالی است. در زمینه آموزش، نسبت با-سوادان از ۳۰ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۳۶ درصد در سال ۱۹۸۱ رسید. آموزش ابتدایی، عمومی و اجباری شده و پنج سال اول آن رایگان است. تعداد کل دانش‌آموزان از ۲۴ میلیون به ۹۰ میلیون و تعداد دانشجویان از ۳۶۰ هزار به ۳/۱ میلیون (در سال ۱۳۵۵) رسیده است.

می‌کردند.

در دهه ۱۳۳۰، در هند تنها ۵ بنگاه دولتی با سرمایه ۳۰۰ میلیون روپیه وجود داشت. اما امروز سرمایه ۳۰۰ بنگاه دولتی از ۱۱۰۰۰۰ میلیون روپیه درمی‌گذرد. بنگاه‌های دولتی روپیه ۴۰ درصد فرآورده‌های صنعتی و ۱۸ درصد فرآورده ناپیوسته ملی را فراهم می‌آورند. دولت خطوط راه آهن، بنادر، صنعت هواپیمایی، ارتباطات و تاسیسات عمده آبیاری و صنایع نظامی را در اختیار دارد و بنگاه‌های وابسته به آن در تولید آهن و فولاد، صنایع استخراجی، مهندسی و سایر رشته‌های اساسی مواضع مسلط دارند. دولت همچنین ۹۰ درصد ذخایر بانک‌ها، ۸۰ درصد واردات و ۲۵ درصد صادرات را در دست گرفته است.

از بدو تاسیس جمهوری هند، تحکیم و گسترش بخش دولتی اقتصاد هند محور مبارزه شدید میان نیرو-های دموکراتیک و ارتجاع بوده است. نیروهای دموکراتیک این بخش را، که بی‌تردید نقش بالقوه ضد امپریالیستی دارد، مهمترین عامل اقتصادی برای اجرای اصلاحات دموکراتیک و محدود کردن سرمایه خصوصی ارزیابی می‌کنند، حال آنکه نیروهای ارتجاعی می‌گویند، از رشد بیشتر آن جلو گیرند و آن را تابع منافع بورژوازی بزرگ هند سازند.

همچنانکه گفته شد، جمهوری هند اکنون درگیر تضادهای حاد اجتماعی-اقتصادی و سیاسی است که بطور عمده زاینده ماسبات سرمایه‌داری در این کشور است. یکی از حادترین این تضادها، شکاف میان قشر فوقانی ثروتمند، کمیش از نیمی از درآمد ملی را به جیب می‌زند، و اکثریت عظیم مردم است، که با فقر و بی‌سوادی و بیماری و بیکاری و تورم فرزینده دست و پنجه نرم می‌کنند و

نفر از مردم را بخطر انداخت. حکومت هند برای غلبه بر این دشواری از ایالات متحده آمریکا درخواست وام برای خرید غله از این کشور کرد. اما در حالی که مردم بر اثر گرسنگی تلف می‌شدند، ایالات متحده آمریکا مذاکرات را طولانی‌تر می‌ساخت. و تنها ارسال محموله‌های غذایی از سوی اتحاد شوروی و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی، ایالات متحده آمریکا را وادار به تسریع مذاکرات نمود.

هند در تلاش خود برای غلبه بر عقب‌ماندگی استعماری، با کمبود شدید سرمایه مولد و ارز معتبر برای واردات و تسلیح تولید مواجه بود. اتحاد شوروی، به پیروی از سیاست خود مبنی بر پشتیبانی از جنبش-های رهایی‌بخش ملی و کشورهای مستقل، با کمک‌های بنیادی به هند، این کشور را در تلاش برای تحکیم استقلال یاری رساند. بر اساس یک رشته موافقتنامه، که در فاصله ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۴ بین دو کشور منعقد شد، اتحاد شوروی اعتبارات درازمدتی به مبلغ ۶۰۰ میلیون روبل در اختیار هند گذاشت.

صنعت ذوب آهن در کانون اصلی کمک اتحاد شوروی به هند قرار داشت و قسمت اعظم اعتبارات اتحاد شوروی در این بخش از صنعت به جریان افتاد.

عرصه دیگر یاری اتحاد شوروی به هند، صنعت نفت بود. اتحاد شوروی با تأمین سوخت مایع مورد نیاز صنایع هند، به رهایی این کشور از چنگ انحصارهای امپریالیستی کمک فراوان رساند.

نیروی برق در برنامه کمک اقتصادی اتحاد شوروی جای ویژه‌ای داشت. تعداد یازده نیروگاه به‌طور کامل توسط اتحاد شوروی و یا با مشارکت این کشور ساخته شد، که اکنون ۲۰ درصد کل نیروی برق کشور را تأمین می‌کند. سایر زمینه‌های همکاری شامل ساختمان کارخانه‌های ابزارسازی، صنایع دارویی، زغال سنگ، ماهی‌گیری و کشاورزی و تربیت کادرمی-شود. بیش از ۹۶ هزار شهروند هندی، مشتمل بر ۱۹ هزار فارغ التحصیل دبیرستان و دانشگاه و ۷۷ هزار نفر کارگر ماهر، با مساعدت اتحاد شوروی آموزش دیده‌اند.

بنگاه‌های آموزشی و با همکاری اتحاد شوروی در هند ساخته شده‌اند، ۸۰ درصد ماشین‌آلات ذوب فلز، ۶۰ درصد تجهیزات برقی سنگین، ۷۰ درصد نفت استخراجی، ۳۳ درصد نفت پالایش شده، ۳۵ درصد فولاد و ۲۰ درصد نیروی برق هند را تأمین می‌کنند.

بازپرداخت وام‌های شوروی از طریق صدور کالاهای ساخته هند به اتحاد شوروی صورت می‌گیرد و این امر به نشانه تأثیر بنیادی کمک اقتصادی اتحاد شوروی بر صنعتی شدن هند است.

پیوندهای هند با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی به این کشور کمک می‌کند، تا استقلال ملی خود را قوام بخشد و بطور موثر با نقشه‌های نو استعماری امپریالیسم طرح‌های تجاوزی نیروهای توسعه طلب در آسیا مقابله کند. این پیوند ها همچنین مواضع این قدرت بزرگ آسیایی را در صحنه بین‌المللی تقویت میکند و بر اعتبار سیاست صلح‌خواهانه آن می‌افزاید.

نهر، معمار سیاست خارجی هند، می‌گفت که، تنها در صلح می‌توان پیشرفت کرد. اوتاکید می‌کرد که:

"صلح از نظر ما فقط امتناع از جنگ نیست، بلکه برخورد فعال و مثبت به مناسبات بین‌المللی است. چنین برخوردی باید ابتدا از طریق تلاش برای حل مسائل از راه مذاکره به تخفیف تشنجات موجود و سپس به گسترش همکاری بین‌المللی به زمینه‌های گوناگون، به حیطة تماس-های فرهنگی و علمی و به گسترش بازرگانی، تبادل افکار، تجربه و اطلاعات منتهی شود".

بقیه در صفحه ۶

در حل مسائل مردم اجتماعی-اقتصادی و برقراری ثبات و آرامش در کشور، شکست خورد و "حزب کنگره" ملی، به رهبری خانم گاندی، مجدداً زمام امور هند را در دست گرفت. وضع بفرنج اقتصادی با تشنجات اجتماعی- سیاسی فزاینده توأم بوده است. ستیزه میان ملیت‌ها و فعالیت عناصر جدایی طلب افزایش یافته و نواحی مرزی کشور، بویژه در آسام، ناآرام بوده‌اند. شورش‌های دهقانی نیز در ایالت‌های اصلی صورت گرفته است.

وضع سیاسی کشور به دلیل وخامت فزاینده شرایط اجتماعی- سیاسی، فعالیت شدید عناصر ناسیونالیست، مذهب افراطی، قبیله‌ای، کاستی و جدایی طلب و شکل‌گیری یک ساختار حزبی و سیاسی نوین، که در آن طیف بسیار رنگارنگی از احزاب عمل می‌کند، همچنان بفرنج و متناقض باقی مانده است.

هند نمونه‌ای برای همکاری

مسالمت آمیز میان نظام‌های

گوناگون

هند مستقل، بنا به اعتراف صریح و روشن رهبران آن کشور، بسیاری از دستاوردهای اجتماعی- اقتصادی خود را مرهون همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی میدانند. همچنانکه بانو ایندیرا گاندی اظهار داشته:

"اتحاد شوروی همیشه در دوران-های سخت به هندوستان کمک کرده است".

نمونه این گونه کمک‌ها در تاریخ مناسبات میان دو کشور کم نبوده است. در همان نخستین سال اعلام جمهوری در هند (۱۳۲۹)، کشور دچار قحطی گسترده‌ای شد، که جان میلیون‌ها

سیاست امپریالیستی محاصره جمهوری اسلامی ایران

هر قدر انقلاب اسلامی ایران نیروی بقای خود را بیشتر نشان می دهد، تلاش امپریالیسم آمریکا و یارانش برای ضربت زدن به این انقلاب نیز افزایش می یابد. توطئه امپریالیستی علیه انقلاب اسلامی ایران اکنون به مرحله تازه ای پانهاد است. امپریالیست ها حلقه محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران را تنگ تر میکنند. پیمان "دفاعی و امنیتی" کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، که در این روزها شکل نهایی به خود گرفت و از زیر بال آواکس های عربستان سعودی سراز تخم بیرون آورد گامی تازه در تحقق این سیاست امپریالیستی است. مبالغ سرسام آوری که اعضای این پیمان از گنج با دار نفت برای برنامه های دراز مدت تسلیحاتی، ایجاد صنایع نظامی، پایگاه های دریایی و هوایی، خطوط مخابراتی، حاد های استراتژیکی و غیره تخصیص داد هاند، نشانه مقیاس وسیع این توطئه است. سران مرتجع کشورهای خلیج فارس چه تلویحا و چه صراحتا قرار می دهند که برای رویارویی با "خطری" که از جانب ایران آنها را تهدید میکند، در این پیمان گرد آمده اند.

تفسیر وقایع مهم جهان

از سوی دیگر همکاری نزدیک پاکستان با امپریالیسم آمریکا بر ضد جنبش های انقلابی منطقه برکسی پوشیده نیست. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، پاکستان، آمریکا و انگلستان، بدون آنکه هنوز در "پیمان" واحدی جمع شده باشند، عملا بر ضد انقلاب اسلامی ایران وسیعا با یکدیگر همکاری میکنند. نمایندگان دنیای امپریالیسم بی دربی به پاکستان می آیند و رهبران پاکستان به بازدیداتان میروند. در تمام این دید و بازدیدها مسئله انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم ترین مسائل مورد بحث است.

عواملی که شاهان، ملوک و شیوخ مرتجع عرب را به ضدیت با انقلاب اسلامی ایران برانگیخته است، عینا همان عواملی است که دارودسته ضیا - الحق را در کنار امپریالیسم آمریکا در مقابل انقلاب اسلامی ایران قرار داده است. دیکتاتوری ضیا - الحق، دیکتاتوری سرمایه داران وابسته به امپریالیسم آمریکا و انگلستان و زمین داران بزرگ است. "اسلام" او نیز بر پایه "تجارت آزاد و رقابت" بنا شده است. نظام جمهوری اسلامی ایران، که برهبری امام خمینی و زیر پرچم اسلام انقلابی پیروز شد، در قطب مخالف "اسلام" ضیا - الحق قرار دارد. ضیا - الحق درهای پاکستان را بروی سرمایه های آمریکایی و انگلیسی گشوده است. در پاکستان امروز همان منظره ای حکم فرماست که دیروز در ایران شاهنشاهی وجود داشت، منتهی با فقر و بدبختی مدهشتر، سستی پایه های نظام سرمایه داری وابسته در پاکستان رژیم ضیا - الحق را روز بروز بیشتر به دامان امپریالیسم آمریکا می افکند.

صدها میلیون دلار از آمریکا کمک نظامی میگردد، نمیتواند در سیاست این پیمان و سیاست آمریکا در منطقه موضع بیطرفی اتخاذ کند، بویژه آن که پیمان "اتو" پس از انقلاب اسلامی ایران عملا منطقه خلیج فارس و خاور - میانه و نزدیک را در قلمرو فعالیت خود وارد کرده است.

عرب و تمام خلق های منطقه رو میگردد، به تنهایی کافی است که چشم و گوش آنان را از کند و آنان را به نعره جدائی و تفرقه میان خودشان آگاه سازد.

اما خلق های منطقه به گناه سران خیانتکاری که اتحاد با امپریالیسم آمریکا را واجبتر و مهمتر از اتحاد با خلق های خویش میدانند، همچنان دچار پراکندگی و تفرقه هستند. مذاکرات مصر و اسرائیل بر سر مسئله فلسطین نیز ابزاری در دست امپریالیسم آمریکا برای نگاه داشتن شکاف بین مصر و سایر کشورهای عرب منطقه است، زیرا در این مذاکرات، یا حسنی مبارک به روش سادات خائن در برابر اسرائیل تسلیم میشود و به شرایط آن گردن می نهد، که در این صورت هیچ چیز قادر نخواهد بود این شکاف را پر کند. مصر در سنگر اتحاد با امپریالیسم و صهیونیسم باقی خواهد ماند و اسرائیل با اطمینان خاطر از اینکه مصر در دست آن اسیر است، به سراغ سایر کشورهای عرب و قبل از همه سوریه خواهد رفت، و یا حسنی مبارک بشرایط پیشنهادی اسرائیل در مسئله "خود مختاری فلسطین" تن در نمی دهد، که در این صورت اسرائیل صحرای سینا را تخلیه نخواهد کرد و نوک سرنیزه خود را بر گلوی مصر هم چنان خواهد فشرد.

هیگ وریگان میکوشند که حداکثر فشار را بر حسنی مبارک وارد کنند و او را تا قبل از ۲۶ آوریل، که آخرین مهلت تخلیه سیناست، به قبول راه حلی مطابق میل اسرائیل، وادار سازند. هیگ در این سفر خود به مصر و اسرائیل نتوانست به این مقصود دست یابد. آخرین فشارها بر حسنی مبارک در سفرش به واشنگتن، که دوم فوریه انجام میگردد، وارد خواهد شد. در شرایط کنونی، که جنبش ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی در منطقه اوج میگردد، حسنی مبارک اگر بخواهد، میتواند در برابر این فشارهای امپریالیستی مقاومت کند. باید در انتظار نشست و قدرت مقاومت حسنی مبارک را آزمود. صلح البته نعمت بزرگی است اما صلحی که در آن عزت و شرف خلق ها زیر پای رجاله های چون صدام و بگین پایمال نشود.



مذاکرات مصر و اسرائیل در مسئله فلسطین

مذاکرات مصر و اسرائیل بر سر مسئله فلسطین، از همان روز شومی که قرارداد کمپ دیوید باضا رسید، آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. این مذاکرات بیشتر به گفتگوی لال و کر شباهت دارد؛ اولاً معلوم نیست که مصر و اسرائیل چه حق دارند درباره مسئله فلسطین باهم گفتگو کنند، خلق فلسطین زنده است و سازمان آزادیبخش فلسطین به منزله یگانه نماینده خلق فلسطین از سوی تمام کشورهای عرب و دهها کشور دیگر جهان به رسمیت شناخته شده است پس چه کسی به سادات و یا حسنی مبارک وکالت داده است که به نمایندگی خلق فلسطین سخن بگویند؟ نایا مذاکره با اسرائیل، که ایذا بوجود خلقی بنام خلق فلسطین قائل نیست، چه معنایی دارد؟ ثالثا صد میلیون عرب، که خودشان را ملت واحد عرب می نامند، چرا باید به اسرائیل غاصب باج بدهند و بر سرزندی در سرزمین های آزاد و بومی خویش از آن اجازه بگیرند؟ این اهانت و تحقیر، که بر ملت

اسلام آمریکا تصد دارد که از مجموعه دولت های "دوست" خود در منطقه (اسرائیل، مصر، پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی، عمان و...) سازمانی نیرومند برای رویارویی با جنبش های انقلابی ضد امپریالیستی و قیل از همه انقلاب اسلامی ایران، که سمت حاد ضد امپریالیستی دارد، فراهم سازد. فشار بر میهن انقلابی ما روز بروز سنگینتر و خطرناکتر میگردد. بعید نیست که مادریک گوشه دیگر کشورمان با ماجراجویی های دیگری نظیر ماجرا - جویی صدام روبرو گردیم. خلق انقلابی ما باید هوشیار باشد و یقین داشته باشد که ما مردانه و متحد در برابر شیطان بزرگ ایستادگی نکنند، هرگز از آن در امان نیست.

اگر به تاریخچه "پیمان سازی" های امپریالیسم نظری بیفکنیم، می بینیم که در تمام این پیمان ها ماده ای گنجانده شده است که اعضای پیمان را موظف میکند، در صورت بروز "آشوب" هائی که از "خارج" سرچشمه گرفته باشد، به یکدیگر کمک نظامی کنند. در پیمان دو جانبه نظامی ایران و آمریکا، پاکستان و آمریکا، ترکیه و آمریکا و همچنین در سایر پیمان هائی که امپریالیست ها با همکاران بوده اند، این ماده گنجانده شده است، معنای این ماده آنست که در صورت بروز انقلاب های داخلی، سایر اعضای پیمان میتوانند به استناد آن در سرکوب جنبش انقلابی به رژیم ارتجاعی مربوطه کمک کنند. در پیمان "دفاعی میان کشور - های عضو شورای همکاری خلیج فارس" نیز چنین ماده ای وجود دارد.

حقیقت نیز اینست که تا ایران انقلابی و مست ضد امپریالیستی و مردمی آن وجود دارد، شاهان، ملوک و شیوخ مرتجع خلیج فارس نمیتوانند خواب راحت داشته باشند. این کانون انقلابی تاهست، تاثیر آن نیز وجود خواهد داشت. پس یاسران عربستان سعودی و شیوخ نشین های خلیج فارس و دریای عمان و غیره باید انقلاب اسلامی ایران را در حیطه سلطنتشان بی اثر کنند (چیزی که ممکن نیست) و بسا خود این کانون انقلابی را خاموش کنند و یا لاقلا از فروغ آن بکهند. شاهان ملوک و شیوخ مرتجع عرب این راه را برگزیده اند و برای انجام این مقصود نیروهای خود را در یک پیمان گرد می آورند، تا دست در دست امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی، رمق انقلاب اسلامی ایران را بگیرند، ایران را به مسابقه تسلیحاتی بکشاند از باز سازی اقتصادی و پیاده کردن برنامه های سیاسی - اجتماعی باز دارند و بدینسان جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک نظام ناموفق به خلق های منطقه معرفی کنند و بر حیات طفیلی خودشان چند صباحی بچیز آیند. منافع آنان در ضربت زدن به انقلاب اسلامی ایران با منافع امپریالیسم در منطقه و جهان یکی است، توطئه آنان در خلیج فارس نیز جزئی از توطئه وسیع تر امپریالیسم به مقیاس منطقه و جهان است.

پاکستان حلقه ای از زنجیر توطئه امپریالیسم به نوشته مطبوعات غربی، ۲۵ هزار کارشناس نظامی پاکستانی در کشورهای عرب ساحلی خلیج فارس به آموزش و پرورش نظامی مشغولند

احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

باتوطئه‌های ضد انقلاب

در محیط‌های کار مقابله کنیم!

کارگران، زحمتکشان! امیرالیسم متجاوز سرکردگی آمریکا، در کار تدارک توطئه جدیدی علیه انقلاب شکوهمند ماست...

رادپوهای ضدانقلاب در سخن پراکنی - های خود کارگران را به اعتصاب و کم کاری تشویق می کنند...

ترین توقف در امر تولید صورت گیرد. باید با چشمانی باز و مغزی هشیار متوجه دسائس ضدانقلاب در کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی باشیم...

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در بزرگداشت سوهمین سالگرد انقلاب

زیر شعار اتحاد ضد امیرالیستی

برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی

ایران هر چه وسیعتر شرکت کنیم!

هموطنان گرامی! اعضا و هواداران حزب!

طبق برنامه "ستاد برگزاری مراسم ۲۲ بهمن"، در بزرگداشت سوهمین سالگرد انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضد امیرالیستی و مردمی ایران...

عناصر دشمن در دستگاه‌های اجرائی است پایان بخشد اما بهترین طریق بر آورده شدن این انتظار بحق را دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تعمیق آن و تحکیم پایه‌های اتحاد نیروهای انقلابی می دانیم...

حزب کمونیست

بقیه از صفحه ۱۶ امروزی چنین موضعگیری چیزی جز ضربهای سهمگین بر مبارزه، خلق‌ها در راه صلح و تضعیف نیروی اصلی این مبارزه، یعنی کشورهای سوسیالیستی، در پهنه بین‌المللی نمی‌تواند باشد...

هند مستقل

بقیه از صفحه ۴ نهر، که مدافع خستگی‌ناپذیر سیاست عدم‌تعهد یا محتوای مترقی و ضد امیرالیستی بود، همواره تا کید میکرد که هرحا آزادی یا عدالت، به خطرات، یا تجاوزی صورت گیرد...

موضعگیری خاص رهبری حزب کمونیست ایتالیا

"پراودا" خاطر نشان ساخت: "در سالهای اخیر، رهبری حزب کمونیست ایتالیا در برابر مسائل گوناگون در زمینه اوضاع بین‌المللی، جنبش جهانی کمونیستی و آزمون کشورهای سوسیالیستی موضعگیری‌های خاص اختیار کرده است...

متحدان بنی صدر - سرمایه داری لیبرال ایران (۱۳)

لیبرال ها:

پشتیبانی از بنی صدر تا لحظه سقوط

یادآوری

در شماره های پیشین از شیوه های گوناگون سرمایه داری لیبرال ایران، این اصلی ترین متحد بنی صدر، برای مسخ انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران سخن گفتیم. اکنون به آخرین مرحله توطئه جبهه متحد ضد انقلاب یعنی اعلام فرارندوم و نقش لیبرال ها در آن می پردازیم.

۱۴ اسفند ۱۳۵۹. کاشته جبهه متحد ضد انقلاب اکنون آماده درو بود اما، همیشه آن هایی که بادی کارند، توفان درومی کنند. توفانی که ترجمه های پوک را از ریشه درآورد و رهبر مائوئیست مسلمان نمای جبهه متحد ضد انقلاب را از طریق "توالث" هواپیما به گنبد سرمایه داری جهانی باز پس فرستاد و سرمایه داری لیبرال را بیش از پیش رسوا کرد.

۱۴ اسفند ۱۳۵۹. سکوی پرش جبهه متحد ضد انقلاب به سوی کسب قدرت سیاسی برای بستن دوباره ایران به عزاده امپریالیسم جهانی بود. جبهه متحد ضد انقلاب از قبل برای این روز تدارک دیده بود.

"اجرای ۱۴ اسفند بعد از روز ۲۲ بهمن به برنامه ریزی شروع شد." (اعتراف علی خلیان، عضو دفتر بنی صدر - کیهان ۱۷ تیر ۱۳۶۰) و در این برنامه ریزی گروهک های زیرین شرکت داشتند:

"از نهضت آزادی آقای رادنیابود، از اجاما بود، از مردم ایران بود، از جبهه ملی بود، از حزب ملت ایران. این ها را کاملاً می شناختم، ولی آن های دیگر را روی احساس که قبلاً داشتم مطالبی که می گفتند و برخورد های قبل متوجه شدم که این ها از سازمان های چپ (آمریکایی) ورنجبر و منافقین بودند، که البته در آن جلساتی هم که قبل از ۱۴ اسفند شد، این ها یک مطالبی را آن جا (دفتر بنی صدر) عنوان کردند، نظرشان تا همین شد و پشتیبانی خودشان را از ۱۴ اسفند اعلام کردند، یعنی همکاری خودشان را رسماً اعلام کردند و شرکت هم کردند و نظرشان هم تا همین شد." (همان جا)

و شاهد دیگری هم هست. منوچهر مسعودی، عضو سابق جبهه ملی و مشاور حقوقی بنی صدر، می گوید:

"قبل از ۱۴ اسفند از جبهه ملی، حزب ملت ایران نهضت آزادی، جاما بازار، مراجع داشتند که در مورد ۱۴ اسفند یک هماهنگی و یک همسانی برای برگزاری آن روز به وجود بیآورند. جلسه اول دونه از آقایان جبهه ملی آمدند. که با رئیس دفتر هم صحبت کردند و من وارد شدم (صحبت در این بود که برای آن روز ۱۴ اسفند آقای سنجابی هم سخنرانی کنند که آقای رئیس دفتر یادآور شدند که اگر آقای سنجابی هم بخواهند سخنرانی کنند و بعد هم آقایان بزرگان، امکان ندارد. ولی ما حالا صحبت می کنیم ببینیم که آقای بنی صدر چه می گویند" (کیهان ۱۷ تیر ۱۳۶۰)

اما ظاهراً وقتی با "برگ ترین اندیشه جهان معاصر" صحبت شد، ایشان با سخنرانی باربران و سنجابی مخالفت کرده و خودشان رمام امور را به دست گرفته بودند!

و به این ترتیب روز ۱۴ اسفند رسید (از نحوه تدارک این مراسم و شرکت کنندگان در آن پیش از این سخن گفته ایم. رجوع کنید به "اتحاد مردم" - شماره ۹۴) و با فرارسیدن این روز، لیبرال ها، که در دوران شاه حتی از بردن اسم دکتر مصدق هم خودداری می کردند (به کتاب "احزاب بورژوازی

ملی ایران"، نوشته رسول مهربان، مراجعه کنید). بار دیگر زیر نام دکتر مصدق پناه گرفتند، تا بار هم ایران را به آغوش آمریکا ببنندارند.

از حوادث ۱۴ اسفند ۶۰ در دانشگاه تهران همان مطلقند. اکنون به مواضع لیبرال ها بعد از این حوادث می پردازیم. به دنبال وقایع ۱۴ اسفند دانشگاه، "نهضت آزادی" اعلامیه ای صادر کرد که به ترسیم موضع گیری سرمایه داری لیبرال ایران در قبال اوضاع آن روز، کمک قابل توجهی می کند. در این اعلامیه ارجحه آمده بود:

"... نهضت آزادی ایران ضمن تقبیح چنین اعمال زشتی که حتی رئیس جمهور منتخب مردم را مجبور به بازگویی وقایعی در حاشیه سخنرانی می سازد اعلام می دارد که عناصر محرب و

در این مقاله هم چنین به تلویح حکومت جمهوری اسلامی ایران با شکل گیری حکومت هیتلر مقایسه شده و بر "مادبان آزادی" (بخوان: آزادی غارت) تکلیف مقاومت شده بود. بنی - صدیون نیز به همین نتیجه گیری رسیده بودند:

"... این امر (دادن طرح مزبور) علاوه بر خطرهای دیگر، میزان را که رای ملت است، بی اعتبار می سازد و خطر را متوجه اساس جمهوری می - گرداند... (۱۹ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

و چنین بود که لیبرال های "مبارز!" که در دوران اعلام موجودیت جبهه ملی دوم "حتی نامه سرگشاده نمی نوشتند، تا مادام "ایجاد ناراحتی و ناراضی می کند... (از صفحه ۵۱

۵۹ - کیهان - سخنان ریگان رئیس جمهور آمریکا) برای اجرای این نقشه، حتی مبارزه مسلحانه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هم توجیه شد:

"... در هر جا و هر زمان که جلوی آزادی و عدالت گرفته شود. و به طور خلاصه مبارزه پارلمانی ممنوع باشد، چنان محیطی، محیط ظلم و فساد است... تحریم و تعطیل مبارزه کار را... به مبارزه مسلحانه و آشوب داخلی می - کشاند... (۱۹ اردیبهشت ۶۰ - میزان)

و این تهدید بی پشتوانه هم نبود. اعضای جبهه متحد ضد انقلاب در هر دو زمینه، سیاسی و نظامی، مدت ها بود که کار را شروع کرده بودند. در -

صندوق ضد انقلاب ریخت: "... همان طور که در مصاحبه ۳ اردیبهشت آقای رئیس جمهور آمده، کشور در یک بن بست سیاسی گرفتار است. این بن بست که همان اختلاف یا مناقشه آقای بنی صدر با دولت و متولیان است، چهره های وحشتناک مختلف دارد... هزاران تمهید و تمنا و تعهد به کار رفت، تا اختلافات حل شود... که هیچ یک... بجایی نرسید... اگر بر این جریان موج وسیع نماند رضایتی های گوناگون عمومی را اضافه کنیم... مصیبت دوجندان می شود... وظیفه ما... این است که... واقعیات را ببینیم... و آن چدر را که حق و خیر است، انتخاب نماییم... (میزان)

تا این جا که روشن است، "اما کی برود؟... (همان جا) ۱ - ملت نابود شود. ۲ - یکی از طرفین دعوا یا هردوی آن ها کنار روند. مسلماً راه حل اول مورد قبول هیچ کس نیست... می ماند راه حل دوم... (همان جا)

لیبرال ها با "متولیان انقلاب" که رابطه خوبی نداشتند - می ماند بنی صدر، که از خودشان بود. پس چه کسی می ماند؟ روسا و وزرای دولت میانه روی ریگان! ولی اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی روز ۴ خرداد ۱۳۶۰، به درستی گفتند که: "اینها سیستم ریاست جمهوری آمریکا را می خواهند... (روزنامه ها)

و نماینده مردم مشهد، محمد خامنه ای، چهره "این ها" و نقشه ها - یشان را با زهرم روشن تر کرد:

"... طرحی بود که بریزند و عده ای از نمایندگان را بزنند و بعد این طور تبلیغ کنند که مردم این مجلس را نمی خواهند و آن ها که چنین انگیزه ای را تعقیب می کنند، نه اینست که می خواهند قانون اساسی را اقامه کنند... (از همان جلسه علنی مجلس)

آری، این ها نمی خواستند "قانون اساسی را اقامه کنند، بلکه می خواستند قانون اساسی را محتوی ضد استبدادی صدامی ریالیستی و مردمی آن تهی کنند، وظیفه آن ها پیاده کردن خط آمریکا در ایران بود - خط وابستگی مجدد ایران به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، خطی که استقلال را "قائم - بالذات" نمی داشت، خطی که طرفدار "جامعه باز مانند ممالک دموکراسی غربی... بود، خطی که "سه سه بار به نهار غلط" کرد، که ادای انقلاب کردن را درآورد، خطی که برخی از نقطه های آن، جاسوس ها و توطئه گران وابسته به آمریکا بودند، خطی که برای سرمایه داران همه چیز و برای کارگران هیچ چیز نمی خواست، خطی که بهترین امید آمریکا بود:

"... بهترین امید... نهضت آزادی است و رهبران میانه رو که سعی دارند خمینی را متقاعد کنند که... زیاد سخت نگیرد... (اسناد لانه جاسوسی آمریکا - افشاگری شماره ۳ - صفحه ۲۶)

خطی که تاریخ حکم شکست آن را صادر کرده است. و امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران، چه نیکو گفتند که:

"... این معناها را از گوش های تان بیرون کنید آقایان که این مردم دیگر از جمهوری اسلامی کنار رفتند. خیر شما کنار رفتید... شما به بن بست رسیدید... (۷ خرداد ۶۰، نطق امام خمینی - روزنامه ها)

خطی که از روزی که تحت سلطنت رپرهای شاه لرزید، آماده مسخ انقلاب شد و امام خمینی، عدا فرار بنی صدر، بقیه در صفحه ۸

رئیس جمهور پیشنهاد کرد:

برای حل مسائل کشور به آراء عمومی مراجعه کنیم

شماره ۱۵ بهمن ۱۳۶۰ - شماره ۱۱۴

گیری در اصفهان، قائم شهر، قزوین، تهران و... از سوی و سخنرانی و مقاله نویسی و اوستراکسیون در مجلس و تحریکات پشت پرده از سوی دیگر و آخر هم این رهنمود که:

"... مثل این که در برابر چنین تسلط ها و انحراف ها انقلاب باید از سر گرفته شود... (همان جا) و خلاصه آن که در شوره زار ضد انقلاب تمام بحران آمریکا ساخته، سر برمی آورد و کرکس ها و گفتارها سهم خویش را بومی کشیدند. و چنین بود که جبهه متحد ضد انقلاب در برهه ای از زمان به جمع بندی عملکردهای خود پرداخت و سخنگوی این "جبهه" عاقبت، در جهت اجرای دستور ریگان، روز ۳۰ اردیبهشت ۶۰ خرداد آخر را زد:

"... سالم ترین راه بدون بحران این است که همه موافقت بکنند به مردم مراجعه کنیم و با رای عمومی آن چه باید بشود، بشود... مردمند که باید راضی باشند. اگر راضیند، که ما حرفی نداریم. اگر ناراضیند، که در این صورت من گمان نمی کنم که مردمی که ناراضی خودشان را در زمان رژیم سابق نشان دادند، حالا از این چیزها بترسند... (۳۰ اردیبهشت ۶۰ - انقلاب اسلامی - از مصاحبه بنی صدر)

کتاب "احزاب بورژوازی ملی ایران" و از شاه می خواستند که... اجازه دهند جبهه ملی نامزدهای خود را در جراید، معرفی نماید... (همان جا - نقل از مهندس باربران) حالا یک باره فریاد می زنند که:

"... یک سال و نیم بی تقوایی و بی سیاستی و بی دیانتی و قماربسی خطرناک با سرنوشته یک میلیاردر مسلمان جهان کافیت... (۲۳ اسفند ۵۹ - میزان) و بعد این که: "... مردم باید بدانند که استبداد در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمی تواند به طور ناگهانی و بوق آساحضور پیدا کند، بلکه به تناسب زمان و شرایط موجود پاشیوه خزند موگام به گام به سوی هدف نهایی خود، که احراز سلطه همه جانبه در چارچوب حزب و گروه واحد است، حرکت می نماید... (۶ اردیبهشت ۶۰ - میزان)

و برای جلوگیری از شکل گیری این "استبداد" چه باید کرد؟ "... ما از همه افشار متعهد... می خواهیم که... در برابر این قانون - شکنی ها، که زمینه ساز استبداد و اختناق است، با سرسختی ایستادگی نموده و زبان به اعتراض بکشایند... (همان جا)

"صدای آزاد!" او یسی هم همین را می گفت: "... به پای خیزید و طومار این رژیم (جمهوری اسلامی ایران) را در هم نوردید و نابود کنید... (۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰) گروهک چینی - آمریکایی رنجبران" هم همین را می گفت:

"... با تشکیل توده ها و اتحاد نیرو - های هوادار، نیروی انقلابی توده ها را از قوه به فعل درآوریم، مستبدین و انقیاد طلبان را از سر راه برداریم... (رنجبر، ۱۵۴) و "مهم تر از همه"، ریگان هم همین را می گفت:

"... برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است، که عناصر میانه روی در ایران روی کار آیند... (۲۲ دی

کی برود؟ مجلس، دولت... کی بماند؟ - بنی صدر!

این خبر، فردای آن روز، نیترا اول روزنامه "میزان"، ارگان سرمایه داری لیبرال ایران، بود:

رئیس جمهور پیشنهاد کرد: برای حل مسائل کشور به آراء عمومی مراجعه کنیم... (۳۱ اردیبهشت ۶۰) و سه روز بعد، ۳ خرداد ۶۰، "نهضت آزادی" با انتشار بیانیه ای تحت عنوان "کی برود؟" رسماً به حمایت از موضع گیری ابوالحسن بنی صدر پرداخت و رای خود را علیه حاکمیت انقلابی و قاعدتا به نفع "دولت میانه رو"، به

مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی روز ۴ خرداد ۱۳۶۰، به درستی گفتند که: "اینها سیستم ریاست جمهوری آمریکا را می خواهند... (روزنامه ها)

و نماینده مردم مشهد، محمد خامنه ای، چهره "این ها" و نقشه ها - یشان را با زهرم روشن تر کرد:

"... طرحی بود که بریزند و عده ای از نمایندگان را بزنند و بعد این طور تبلیغ کنند که مردم این مجلس را نمی خواهند و آن ها که چنین انگیزه ای را تعقیب می کنند، نه اینست که می خواهند قانون اساسی را اقامه کنند... (از همان جلسه علنی مجلس)

آری، این ها نمی خواستند "قانون اساسی را اقامه کنند، بلکه می خواستند قانون اساسی را محتوی ضد استبدادی صدامی ریالیستی و مردمی آن تهی کنند، وظیفه آن ها پیاده کردن خط آمریکا در ایران بود - خط وابستگی مجدد ایران به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، خطی که استقلال را "قائم - بالذات" نمی داشت، خطی که طرفدار "جامعه باز مانند ممالک دموکراسی غربی... بود، خطی که "سه سه بار به نهار غلط" کرد، که ادای انقلاب کردن را درآورد، خطی که برخی از نقطه های آن، جاسوس ها و توطئه گران وابسته به آمریکا بودند، خطی که برای سرمایه داران همه چیز و برای کارگران هیچ چیز نمی خواست، خطی که بهترین امید آمریکا بود:

"... بهترین امید... نهضت آزادی است و رهبران میانه رو که سعی دارند خمینی را متقاعد کنند که... زیاد سخت نگیرد... (اسناد لانه جاسوسی آمریکا - افشاگری شماره ۳ - صفحه ۲۶)

خطی که تاریخ حکم شکست آن را صادر کرده است. و امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران، چه نیکو گفتند که:

"... این معناها را از گوش های تان بیرون کنید آقایان که این مردم دیگر از جمهوری اسلامی کنار رفتند. خیر شما کنار رفتید... شما به بن بست رسیدید... (۷ خرداد ۶۰، نطق امام خمینی - روزنامه ها)

خطی که از روزی که تحت سلطنت رپرهای شاه لرزید، آماده مسخ انقلاب شد و امام خمینی، عدا فرار بنی صدر، بقیه در صفحه ۸

ترکیه - پایگاه ضد انقلابیون فراری ایران (۳)

وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی ترکیه

به کشورهای امپریالیستی

* آمریکاها در "عملیات نورآبی" علیه ایران از یکی از پایگاه‌های خود در ترکیه استفاده کردند.
* نمایندگان پارلمان ترکیه از ۱۰۰ صفحه قرارداد نظامی با آمریکا، سه متمم و چهار پروتکل، تنها ۶ صفحه از این سند سنگین وابستگی را رویت کردند.
* دولت آمریکا بر پایه قرارداد دوجانبه نظامی با ترکیه "حق آنرا یافت که در ترکیه مداخله مستقیم بکند.

پیرنیچلیک (Pirniclic)
قلباشی (Golbashi)، اسکندرون (Iskenderuon)، بومورتالیک (Yumurtalikant) و ازمیر (Izmir)
از این پایگاه‌های نظامی فرار است از یکسوی علیه اتحاد شوروی و از سوی دیگر علیه جنبش‌های آزادیبخش منطقه استفاده شود.

بمبارکن ها و موشک‌های ایالات متحده آمریکا در ترکیه، مناطق اتحاد شوروی را به شعاع مسکو دریاچه آرال زیر پوشش خود دارند.
چند روز پیش از اعلام صوری "دکترین کارتر" - که در آن منطقه "نفت خیز خاورمیانه بعنوان "حریم منافع ایالات متحده آمریکا اعلام شد - "اینترناشنال هرالد تریبون" نوشت که ترکیه "پایگاه ۳۰٪ دستگاه‌های الکترونیک ایالات متحده آمریکا علیه اتحاد شوروی" شده است.

یگفته "تونچانات" (Tunck anat) ، افسر پیشین دایره جاسوسی و ستاد سابق ترکیه، در پایگاه هوایی "این حیرلیک" جت‌های شکاری مجهز به موشک‌های اتمی و کیدروژنی نیروی هوایی استرالیا - نزدیک ایالات متحده آمریکا مستقر است. علاوه بر این، در اینجا اسکادران جت‌های شکاری ویژه "دفاع از خود" پایگاه قرار دارد. در این پایگاه همچنین پرسنل آمریکایی برای پشتیبانی لجستیکی و نگهداشت هواپیماها کار می‌کند. هر چند مقامات رسمی ترکیه منکر آن هستند که هواپیما - های مستقر در این پایگاه بتوانند بدون اجازه دولت ترکیه بر همسایگان ما حمله بردند ولی واقعیت آنست که، بهیچ روی نمی‌توان بر پرواز هواپیماها از این پایگاه نظارت داشت. امروزه امکان دارد که هواپیماهای شکاری از "اینجیر لیک" لندن شوند و پس از حمله به هدفی

ترکیه عضو پیمان "ناتو" است و با ایالات متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان قرارداد نظامی دو جانبه دارد. این کشور می‌کوشد، تا هر چه سریع تر به عضویت کامل "جامعه اقتصادی اروپا" درآید.

مسئله قبرس و مشاحره درباره دریای اژه مناسبات ترکیه را با قبرس بسیار تیره ساخته است. ترکیه در تابستان ۱۳۵۳ (ژوئیه - اوت ۱۹۷۴) با استناد به "حقوق" خود بعنوان "دولت ضامن" قبرس و به بهانه حلوی گیری از انضمام قبرس به یونان، پس از کودتای علیه ماکاریوس، و به دستاویز پشتیبانی از سکنه ترک این جزیره، به مداخله نظامی علیه قبرس دست زد و در حدود ۴۰٪ خاک آنرا به اشغال خود درآورد.

بر اثر تغییر توازن قوا در صحنه بین المللی سود جبهه ضد امپریالیستی و زیر فشار تضادهای فزاینده نظام سرمایه داری، دولت‌های گوناگون ترکیه از اوایل دهه ۶۰ (۱۹۶۳) به احیای نسبی مناسبات خود با اتحاد شوروی و با کشورهای بالکان و عربی همت گماشتند. اما در سالهای اخیر، و بویژه پس از انقلابهای ایران و افغانستان سیاست خارجی ترکیه نماینده‌گر وابستگی فزاینده سیاسی، اقتصادی و نظامی ترکیه به کشورهای امپریالیستی بوده است.

نقش فزاینده ترکیه برای آمریکا پس از انقلاب ایران

پس از انقلاب ۲۲ بهمن، فروپاشی "پیمان سنتو"، برجیده شدن پایگاه‌های جاسوسی الکترونیک آمریکا علیه اتحاد شوروی در ایران و اخراج کارشناسان نظامی ایالات متحده آمریکا، حلقه‌های مهم در زنجیره محاصره امپریالیستی کشورهای سوسیالیستی از هم گسست. استراتژیهای نظامی امپریالیسم آمریکا برای پرکردن این "خلأ" به تقویت ترکیه بعنوان "پاسگاه خط مقدم ناتو" پرداختند. در این زمینه از ترکیه همچنین بمثابة "آخرین هواپیما برآمد ایالات متحده آمریکا در منطقه" نام برده شده است. (نشریه "تکنیک نظامی")

مهمترین رویدادهای تاریخ ترکیه

- ۱۹۵۲ - ترکیه به عضویت "ناتو" درمی‌آید.
۱۹۵۲ - ترکیه به عضویت "پیمان بغداد" (بعدها "سنتو") درمی‌آید.
۱۹۶۰ (۲۷مه) - سرنگونی دولت مندروس و "کمیته وحدت ملی" به رهبری ژنرال گورسل که زمام امور را بدست می‌گیرد.
۱۹۶۱ - واگذاری حکومت به عدنان مندروس.
۱۹۶۳ - ترکیه عضو وابسته "جامعه اقتصادی اروپا" می‌شود.
۱۹۷۱ (مارس) - نظامیان دولت دمیرل را وااداره کناره‌گیری میکنند و دولت آریم را به روی کار می‌آورند.
۱۹۷۴ - انتخابات پارلمانی و تشکیل دولت ائتلافی برهبری بولنت اجویت مداخله ترکیه در قبرس.
۱۹۷۵ - تشکیل دولت ائتلافی "جبهه ناسیونالیستی" به رهبری دمیرل، (ائتلاف احزاب محافظه‌کار و فاشیستی).
۱۹۷۸ - تشکیل دولت ائتلافی برهبری اجویت و اعلام وضع جنگ در ترک سوم کشور.
۱۹۷۹ - تشکیل دولت اقلیت دمیرل.
۱۹۸۰ (۱۲ سپتامبر) - کودتای نظامی کنعان اورن.

در هزار کیلومتری، به این پایگاه یا پایگاه دیگری بازگردند، بدون آن که مقامات ترکیه بتوانند از آن جلوگیری کنند، زیرا که آنها از هرگونه حق فرما - ندهی و ستادی بی بهره‌اند.

نقش ترکیه در عملیات "نورآبی" علیه ایران

بر پایه قرارداد نظامی (مارس) ۱۹۸۰ میان آمریکا و ترکیه، در "این جبرلیک" تنها پرسنل آمریکایی حق کنترل هواپیماهای ایالات متحده را دارد، هر چه باشد در این پایگاه دو اسکادران تاکتیکی گردان تاکتیکی ۴۰۱ نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا بمنظور پشتیبانی از اهداف دفاعی "ناتو" مستقر است. در این قرار - داد مواد سری نیز هست، که حتی پارلمان ترکیه از آن اطلاع نیافت (نمایندگان پارلمان از ۱۰۰ صفحه قرارداد، سه متمم و چهار پروتکل مکمل، تنها ۶ صفحه از این سند سنگین وابستگی را رویت کردند) و بموجب آنها میسیون‌های نظامی ایالات متحده آمریکا می‌توانند "حیطه فعالیت" خود را به میل خود گسترش دهند. این مواد بویژه مداخلات نظامی آمریکا در مناطق نفت خیز خاور - میانه و نزدیک در برمی‌گیرد. بنوشته "نیواسیتین" (بریتانیا):

"بموجب این قرارداد، ایالات متحده آمریکا خواهد توانست خارج از مرزهای جغرافیایی قراردادی "ناتو" نیز به عملیات نظامی دست بزند."

یادآور می‌شویم که، آمریکایی‌ها در تهاجم خود به لبنان (در سال ۱۹۵۸) و در "عملیات نورآبی" علیه ایران (در سال ۱۹۸۰) از پایگاه "اینجیر لیک" استفاده کردند.

اما بر پایه پیمان دوجانبه‌ای، هم که ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۳۰ (همزمان با ایران و پاکستان) با ترکیه امضا کرد، دولت آمریکا "حق آن را یافت که، در صورت لزوم، به مداخله

- * ترکیه ۴۰ درصد خاک قبرس را بطور غیر قانونی اشغال کرده است.
* ترکیه: "آخرین هواپیما برآمد ایالات متحده آمریکا در منطقه".
* کشورهای امپریالیستی تنها در یکسال ۵۵ میلیارد دلار به ترکیه کمک کردند.
* آمریکا (خارج از چارچوب "ناتو") در ترکیه ۶۱ پایگاه نظامی دارد.
* بمب افکن‌ها و موشک‌های ایالات متحده آمریکا در ترکیه مناطق اتحاد شوروی را به شعاع مسکو و دریاچه آرال زیر پوشش خود دارند.
* دولت ترکیه حق کنترل فعالیت‌های نظامی آمریکا را در خاک ترکیه ندارد.

نظامی مستقیم در ترکیه بپردازد. روزنامه "جمهوریت" در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ در گزارشی از یکی از نشست‌های کمیسیون دفاع پارلمان ترکیه نوشت:

"فاروق شاهین، نماینده وزارت خارجه، بمواقیعتی که دولت‌های ترکیه تا کنون منکر آن می‌شدند، بطور مستقیم اذعان کرد. وی اعلام داشت که به سؤال یکی از نمایندگان، که آیا چنین حقی برای ایالات متحده آمریکا وجود دارد، نمی‌تواند پاسخی مثبت یا منفی بدهد."

البته تاکنون ایالات متحده آمریکا احتیاجی نداشته است که، با استناد به قرارداد دوجانبه نظامی، به مداخله مستقیم در ترکیه مبادرت ورزد چه "پنتاگون" پیوسته توانسته است که هدف خود را در آنجا از طریق کودتا - های نظامی اعمال کند. چنانکه احسان صبری، یکی از وزیران خارجه، پیشین ترکیه، درباره کودتای "سیا" ساخته ده سال پیش در ترکیه نوشت:

"برای آمریکاها مهم نیست که در کشورهای دیگر دولتی دیکر اتیک، شوونیست و حتی فاشیست حکومت کند. برای آنها فقط این مهم است که این دولت تا چه اندازه وابسته به ایالات متحده آمریکا و دست‌نشانده آن باشد."

کودتای ۲۱ شهریور ۵۹ ترکیه بار دیگر این حقیقت را شبوت رسانید.

پایان

نگاه دارد، بازم، به برکت درایت و قاطعیت امام خمینی و در توفان مرگ بر آمریکا "ی توده‌ها در هم شکست، اما متاسفانه نابود نشد. بنی صدر فرار کرد، اما لیبرال‌ها و هم‌خطان آنها در لباس‌های رنگارنگ ماندند. به قول امام خمینی:

"تفاله‌های آمریکا، این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستند." آری، لیبرال‌ها، که تا آخرین لحظه سقوط بنی صدر به او وفادار ماندند، هنوز هم خط او را دنبال می‌کنند. خط مسخ انقلاب!

وقت هم می‌خواستند که بختیار را بیاورند و با مالاشتی بدهند. این جریان از اول یک جریان منسجم شده و برنامه‌ریزی شده در کار بود و ما درست توجه بهش نداشتیم. کم کم می‌مطالب معلوم شد. کم کم خودشان را لودادند و رسید به این جا که من هر چه جدید کردم که نرسد، به این جا رسید. نه از باب این که به این‌ها اعتمادی داشتم، از جهات دیگری که به خود آقایان گفتم. حالا رسیده جریان به این جا که از حفظ شاه و بعدش بختیار و بعدش شورای سلطنت و بعدش حذف جمهوری اسلامی که با آن مخالفت می‌شد و بعدش مجلس خبرگان و بعدش مجلس شورای اسلامی و بعدش دولت و بعدش

مسئله این نیست که قوه قضاییه به دست انحصار طلبان افتاده است. مسائل اصلی آنها، این‌ها نیست. مسئله آمریکا است و اسلام. جریان، جریان آمریکایی در مقابل اسلام (است). از همان اول، از همان وقتی که احساس این شد که شاه باید برود، از همان وقت بختیار می‌آید و بختیار از یک گروه ملی‌گرا (بود). من باب احتیاط هم آنها می‌گویند که دیگر او از حزب ما و از جبهه نیست. این احتیاطی بود که اگر او کنار رفت، باز جبهه ملی در کار باشد. ... همان وقت که من در پاریس بودم، این جریان شروع شد. همان وقت هم می‌خواستند که شاه را نگه دارند، به اسم این که او سلطنت کند نه حکومت. ... همان

متحدان

آنرا چنین افشاء کردند: "قضیه شخصی، افراد نبود، قضیه همان جریان بود که با اصل اساس مخالفت باشد. قضیه دفتر هم‌آهنگی در سراسر کشور یک قضیه من باب اتفاق و عادی نبود. قضیه مخالفت با دولت اسلامی (است) و هر روز در هر گفتاری و در هر نوشتن‌های حمله به دولت به این که این دولت کاری از او بر نمی‌آید. قضیه این نیست که مجلس، یک مجلس غیر کارایی است و از اشخاص غیر مطلع تشکیل پیدا کرده. مسائل این نیست.

بقیماز صفحه ۷

(ادامه دارد)

بمناسبت پنجمین سالگرد تأسیس حزب انقلاب تانزانیا (۱۴ بهمن ۶۰ / ۵ فوریه ۸۲)

تانزانیا

برای حفظ استقلال و تأمین پیشرفت خود

با دشواریهای داخلی و دسیسه‌های امپریالیسم روبروست

نام رسمی: United Republic of Tanzania
"جمهوری متحد تانزانیا"
Jāmhuri Ya Muungano Wa Tanzania
سرزمین و سکنه

تانزانیا کشوری است فدرال در آفریقای خاوری. وسعت: ۹۴۵۰۸۷ کیلومتر مربع، جمعیت: ۱۷/۵ میلیون نفر=۱۹ نفر در کیلومتر مربع - از جمله در جزیره‌های زنگبار (۱۶۵۸ کیلومتر مربع) و پیمان (۹۸۴ کیلومتر مربع) ۴۰۰۰۰۰ نفر.

پایتخت: دارالسلام (۸۶۰۰۰۰ نفر)؛ زبان رسمی: سواحلی، پول: شیلینگ تانزانیا (TSK) = ۱۰۰ سنت، دلار ایالات متحده آمریکا = ۸/۲ شیلینگ.

تقسیم اداری: تانزانیا از نظر اداری به ۲۵ منطقه (۲۰ منطقه در خشکی و ۵ منطقه در زنگبار و پیمان) تقسیم می‌شود. ۹۸/۵ درصد سکنه تانزانیا آفریقایی هستند و در حدود ۱۲۰ قبیله را در برمی‌گیرند. در این کشور، فزون بر این، ۹۰۰۰۰۰ هندی، ۲۲۰۰۰۰ اروپایی و ۲۵۰۰۰ عرب زندگی می‌کنند.

مذهب: ۳۰ درصد مسلمان، ۲۵ درصد مسیحی (دوسوم آنها کاتولیک) و بقیه پیروان مذاهب قبیله‌ای. علاوه بر این باید از اقلیتی هندو نام برد. مهم‌ترین شهرها: زنگبار (۷۰۰۰۰ نفر)، آروشا (۳۳۰۰۰)، دودوما (۲۰۰۰۰) و موشی و مینیا.

اقتصاد

وضع عمومی: تانزانیا کشوری است کشاورزی و رشد نیافته. علیرغم کوششهای فراوان دولت، هنوز ساختار استعماری اقتصاد از میان نرفته‌است. دولت تلاش می‌ورزد، تا با دولتی کردن صنعت و بازرگانی و ایجاد کارخانه‌های جدید، نفوذ خود را گسترش بخشد و از وابستگی کشور به بازار جهانی سرمایه‌داری بکاهد. برپایه برنامه پنجاهه، سوم ۱۹۷۷/۷۸ تا ۱۹۸۱/۸۲ توسعه

اقتصادی و اجتماعی تانزانیا، قرار است فرآورده نایزه اجتماعی این کشور سالانه به طور میانگین ۶ درصد افزایش یابد. از جمله در کشاورزی: ۵/۱ درصد، معادن: ۹/۳ درصد، صنایع تبدیلی: ۹/۵ درصد، برق رسانی و آب‌رسانی: ۱۰/۳ درصد، تزییری و مخابرات: ۶/۵ درصد و ساختمان: ۶/۴ درصد. در این مدت هزینه‌های دولت برابر با ۲۵ میلیارد شیلینگ خواهد بود.

۵۰ درصد هزینه‌های برنامه پنج ساله سوم را (مانند دو برنامه نخستین) سرمایه خارجی تأمین خواهد کرد. در سالهای ۷۵-۱۹۷۱ ۷۰ درصد منابع مالی تانزانیا از خارج برپایه قراردادهای دولتی، ۲۰ درصد از سوی سازمان‌های مالی بین‌المللی (بویژه "بانک جهانی") و ۱۰ درصد بوسیله شرکت‌های خصوصی تأمین شد. مهم‌ترین شریکان بازرگانی خارجی تانزانیا از جهان سرمایه‌داری در عین حال بخش اعظم اعتبارهای خارجی این کشور را در اختیار آن می‌گذارند. در سال ۱۹۷۸ باز-پرداخت اعتبارات خارجی تانزانیا برابر با ۱/۶ میلیارد دلار ایالات متحده بود. مجموع این بازپرداخت‌ها در سال ۱۹۷۶، ۴/۳ درصد ارزش صادرات تانزانیا را تشکیل میداد.

تانزانیا در تابستان سال ۱۳۶۰ (ژوئیه ۱۹۸۱) برنامه ۲۰ ساله تحول اقتصادی و اجتماعی خود را آغاز کرد. برپایه این برنامه، قرار است که فرآورده نایزه اجتماعی کشور سه برابر شود. درآمد سرانه مردم تا سال ۲۰۰۰، ۲۵۰ درصد افزایش خواهد یافت.

در سال ۱۹۷۶ در کشاورزی تانزانیا ۹۰ درصد زحمتکشان شاغل بودند. در همین سال سهم فرآورده‌های کشاورزی در صادرات تانزانیا ۸۰٪ و در فرآورده نایزه اجتماعی ۳۹/۵ درصد بود. صنعت ۹/۳ درصد فرآورده نایزه اجتماعی را تأمین می‌کرد. در سال ۱۹۷۸ رشد اقتصادی تانزانیا برابر با ۵/۶ درصد بود. آمار رسمی تانزانیا شماره کارگران

مزدگیر بخش قاره‌ای این کشور را در سال ۱۹۷۸، ۵۳۲۰۰۰ ذکر کرد. دولت تانزانیا کوشش فراوان بکاربرد، تا روستائینان تانزانیا را، که شماره آنها در حدود ۱۴ میلیون است و در سراسر کشور پراکنده بودند، در دهات بزرگتری گرد آورد. باصطلاح ("روستا-های کارگروهی") "UJAMAA" در اواخر سال ۱۳۵۹، شماره اینگونه دهات در حدود ۸۱۰۰۰ بود. تشکیل این دهات یکی از شرایط رشد اقتصادی - اجتماعی سریع تر روستاهای تانزانیا را پدید آورد.

سهم زنگبار و پیمان در فرآورده نایزه اجتماعی کمتر از ۵ درصد، ولی به نسبت جمعیت از بخش قاره‌ای تانزانیا بیشتر است.

صنعت: معادن تانزانیا هنوز دارای اهمیت چندانی نیست. در سال ۱۹۷۶ استخراج معادن (بویژه الماس) برابر با ۱۸۴/۴ میلیون شیلینگ بود. صنایع تبدیلی تانزانیا بیشتر رشته‌های تبدیل فرآورده‌های کشاورزی و تولید کالاهای مصرفی است. دارالسلام دارای پالایشگاهی به ظرفیت سالانه ۸۶۰۰۰۰ تن است. قرار است که گنجایش سالانه این پالایشگاه به ۱/۷۵ میلیون تن افزایش یابد.

در سال ۱۹۶۷ سرمایه خارجی، بویژه سرمایه خصوصی بریتانیایی، ۷۵ درصد تولید صنعتی را در بر می‌گرفت. در سال ۱۹۷۵، ۵۲ درصد تولید صنایع تبدیلی را زیر نظارت خود داشت. دولت تانزانیا در زمینه کالاهای مصرفی تولید کنندگان خصوصی خرده‌فروشی را تشویق می‌کند. تانزانیا همچنین می‌کوشد، تا تولید خانگی را جانشین واردات سازد، در زمینه مهم‌ترین کالاهای مصرفی به خودکفایی دست یابد، درجه تبدیل مواد خام وارداتی را بالا ببرد، کارخانه‌های صنعتی در سراسر کشور پراکنده شود و کار برای شمار بیشتری از مردم فراهم گردد.

دولت تانزانیا سه سال پیش (۱۹۷۸) برنامه‌ای ۲۰ ساله را برای احاد صنعت، بویژه رشته‌های شیمی

و آهن‌گذاری، تصویب کرد. دولت این کشور همچنین برای گسترش رشته نساجی اهمیت خاص قائل است، که تا چهارده سال پیش اصلا خبری از آن نبود. رشته نساجی تانزانیا شش سال پیش ۸ کارخانه را با گنجایش سالانه ۸۴ میلیون متر مربع پارچه در بر می‌گرفت. سه سال بعد (۱۹۷۸) تانزانیا قراردادی با جمهوری دمکراتیک آلمان و لهستان بست، که برپایه آن یک مجتمع نساجی در مینیا تأسیس یافت. قرار بود (تا سال ۱۹۸۰) در حدود ۶۰ درصد پنبه تانزانیا در داخل کشور تبدیل شود (درباره دستیابی به این هدف گزارشی در دست نیست).

تولید صنعت انرژی تانزانیا (در سال ۱۹۷۷ و بدون زنگبار) ۶۱۲ میلیون کیلووات ساعت بود. سه سال پیش (۱۹۷۸) ۱۰۰۰۰۰۰ زحمتکش در صنایع تانزانیا، از جمله در معادن، کاری کردند.

کشاورزی: تنها از ۲۰ درصد سرزمین تانزانیا (۱۹ میلیون هکتار) در کشاورزی بهره‌گرفته می‌شود. کشاورزی تانزانیا ۸۰ درصد ارزش صادرات این کشور را تأمین می‌کند (۱۹۷۸): قهوه (۴۴۶۰۰۰ تن)، جای (۱۶۶۰۰۰ تن)، تنباکو (۱۸۲۰۰۰ تن)، سیسال (۱۰۴۸۰۰۰ تن) و غیره. در حدود ۸۰۰۰۰ هکتار از کشتزارهای تانزانیا (۱ درصد مساحت کل کشتزارها) در دست خارجیان است. قسمت اعظم بقیه را دولت برای ۹۹ سال اجاره داده است. تانزانیا (در سال ۱۹۷۸) ۱۹۹۵۰۰ تن ذرت، ۲۴۶۰۰۰ تن برنج، ۱۳۹۰۰۰ تن ارزن، ۲۳۰۰۰۰ تن لوبیا و ۳۸۸۰۰۰ تن مانیوک تولید می‌کرد. زنگبار از نظر صادرات میخک پس از ماداگاسکار درجهان در مقام دوم قرار دارد (در سال ۱۹۷۸: ۶۰۰۰۰ تن، یعنی ۶۵ درصد تولید جهانی). در زمستان ۱۳۴۲ (ژانویه ۱۹۶۴) پس از سرنگونی سلطان زنگبار، همه مزارع خصوصی این جزیره مصادره و میان دهقانان بی‌زمین تقسیم شد. در سال ۱۹۷۸ برای زنگبار برای نخستین بار یک برنامه ۲۰ ساله

* برپایه برنامه ۲۰ ساله تحول اقتصادی و اجتماعی تانزانیا، قرار است که درآمد سرانه مردم تا پایان سده بیستم ۲/۵ برابر شود.
* دولت تانزانیا در راه غلبه بر میراث شوم استعمارگوش‌های فراوانی بکار می‌برد.
* جولوس نبره: هدف "حزب انقلاب" ایجاد جامعه‌یست مرکب از شهروندان برابر حقوق.
* ۲۰ درصد بزرگسالان تانزانیا در "حزب انقلاب" ویا یکی از سازمانهای توده‌ای وابسته به آن عضویت دارند.
* چگونه "صندوق بین‌المللی پول" می‌خواهد، در ازای "کمک" بسه تانزانیا، شرایط امپریالیستی خود را بر آن کشور تحمیل کند.

اقتصادی اعلام کردید. برپایه این برنامه، قرار شد که فرآورده نایزه زنگبار سالانه در حدود ۱۵ درصد افزایش یابد. برنامه نامبرده، فزون بر این، گسترش تولید خواربار (ذرت) ارزن، لوبیا، برنج) و فرآورده‌های صادراتی را پیش بینی کرد. بدین منظور، زنگبار ۵۴۶ میلیون شیلینگ، خود در اختیار گذاشت و ۴۹۴ میلیون شیلینگ دیگر از بخش قاره‌ای تانزانیا و کشورهای خارجی دریافت داشت.

در سال ۱۹۷۶، در تانزانیا ۱۵۰۰۰۰ تن ماهی در آبهای شیرین و ۳۰۰۰۰۰ تن در دریا صید شد. در همین سال، شماره دام تانزانیا به شرح زیر بود: اسب: ۱۶۰ هزار، گاو ۱۴/۴ میلیون، خوک: ۲۴ هزار، بز: ۴/۶ میلیون، گوسفند: ۲/۹ میلیون و طیور: ۲۲ میلیون. **وضع مالی:** در تانزانیا بانکها، شرکت‌های بیمه و دیگر نهادهای مالی ملی شده‌اند. بانک مرکزی و ناشر اسکناس کشور "بانک آوتانزانیا" (Bank of Tanzania) نام دارد. تانزانیا عضو "صندوق بین-المللی پول" است.

بازرگانی خارجی: تانزانیا با کسری مزمن ترانزانه بازرگانی خارجی روبروست. عوامل مهم این پدیده عبارتست از وابستگی به واردات مواد غذایی و سرمایه خارجی و افزایش قیمت‌ها در بازار جهانی سرمایه‌داری. در سالهای ۷۵-۱۹۶۷ صادرات تانزانیا ۴۷/۴ درصد افزایش یافت (سالانه ۵ درصد)، در صورتیکه افزایش واردات ۲۸/۹ درصد بود (سالانه ۱۴/۵ درصد). نیمی از درآمد‌های تانزانیا از بابت صادرات صرف خرید نفت از خارج می‌شود.

در سال ۱۹۷۶ مهمترین فرآورده‌های صادراتی تانزانیا عبارت بود از: (به میلیون شیلینگ): قهوه (۱۲۸۲/۷)، پنبه (۶۲۷/۴)، ادویه، بویژه میخک (۲۸۴/۸)، سیسال (۲۴۰/۴)، کاشو (۲۱۰/۱) و الماس (۱۲۵/۱). واردات تانزانیا در همین سال به شرح زیر بود (به میلیون شیلینگ): ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۶۶۳/۷)، نفت و فرآورده‌های نفتی (۸۶۰/۲)، مواد خوراکی (۳۳۵/۲)، مواد شیمیایی (۴۷۳/۹) و منسوجات (۲۰۵/۷).

در سال ۱۹۷۶ ترکیب صادرات تانزانیا چنین بود: "جامعه اقتصادی اروپا": ۳۸ درصد، کشورهای آفریقایی: ۴ درصد، مهمترین وارد کنندگان کالاهای تانزانیا عبارت بودند از: جمهوری فدرال آلمان: ۱۴/۹ درصد، بریتانیا: ۱۴/۳ درصد، ایالات متحده آمریکا: ۱۰/۱ درصد، سنگاپور: ۷/۴ درصد و ایتالیا: ۶/۷ درصد. این ترکیب برای صادر کنندگان کالا به تانزانیا چنین بود: بریتانیا: ۱۳/۴ درصد، ایران: ۱۳ درصد، جمهوری فدرال آلمان: ۱۰/۲ درصد، ژاپن: ۹ درصد و چین: ۷/۴ درصد.

وضع زحمتکشان

در سال ۱۹۸۰ فرآورده نایزه اجتماعی سرانه مردم تانزانیا در حدود ۳۰۰ دلار ایالات متحده آمریکا بود. یکی از علل افزایش کند این پیکره، افزایش ستایان جمعیت است. در دوران پس از استقلال، اختلاف میان حداقل و حداکثر دستمزدها از ۱ به ۴۰ در سال ۱۹۶۰، از ۱۰ به ۲۰ در ۱۹۶۷ و ۱۱ به ۶ در سال ۱۹۸۰ رسید. شاخص قیمت کالاهای مصرفی در سالهای ۷۸ بقیه در صفحه ۱۱

مهم‌ترین رویدادها در تاریخ تانزانیا

- ۱۹۶۱ (۱ مه) - سانگاسکا به خودگردانی داخلی دست می‌یابد.
- ۱۹۶۱ (۹ دسامبر) - زور استقلال تانگاسیکا (حسن ملی).
- ۱۹۶۱ (۱۴ دسامبر) - تانگاسیکا به عضویت سازمان ملل متحد در می‌آید.
- ۱۹۶۲ (۹ دسامبر) - تانگاسیکا جمهوری می‌شود.
- ۱۹۶۳ (۱۰ دسامبر) - استقلال زنگبار.
- ۱۹۶۴ (۱۲ ژانویه) - سرگوسی سلطان زنگبار و اعلام تأسیس "جمهوری خلق زنگبار".
- ۱۹۶۴ (۲۶ آوریل) - وحدت تانگاسیکا و زنگبار و تشکیل "جمهوری متحد تانگاسیکا".
- ۱۹۶۴ (۲۹ اکتبر) - تغییر نام به تانزانیا.
- ۱۹۷۲ (۷ آوریل) - قتل عمید گروه، معاون اول رئیس‌جمهور در زنگبار.
- ۱۹۷۲ (دسامبر) - نخستین بکره "حزب آفریقایی-سیرازی" پس از سرگوسی سلطان.
- ۱۹۷۷ (۵ فوریه) - تأسیس "حزب انقلاب" پس از وحدت "اتحادیه ملی-آفریقایی تانگاسیکا" و "حزب آفریقایی-سیرازی".
- ۱۹۷۷ (۲۶ آوریل) - نخستین قانون اساسی تانزانیا به مرحله اجرا در می‌آید.
- ۱۹۷۷ (۱۴ اکتبر) - قانون اساسی زنگبار و پیمان، که برپایه آن این جزایر در چارچوب تانزانیا خودگردانی می‌یابد، به مرحله اجرا در می‌آید.
- ۱۹۹۸ - "واستکودا گاما" به ساحل تانزانیا امروزی میرسد و زنگبار به بزرگترین بندر گنبد برده در آفریقای خاوری بدل می‌شود.
- ۱۸۶۱ - زنگبار از عمان جدا و مستقل می‌شود.
- ۱۸۸۴ - آغاز استعمار آلمان.
- ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۸ - تانزانیا و بخش قاره‌ای، مستعمره آلمان است و "آسیای خاوری آلمان" نام دارد (از جمله سرزمین‌های امروزی "رواندا" و "بوروندی").
- ۱۸۹۰ - جزایر زنگبار و پیمان "تحت‌الحمايه" بریتانیا می‌شوند.
- ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۵ - رستاهیز مردم علیه استعمارگران آلمانی بگوه‌های حوسار درهم شکسته می‌شود.
- ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ - استعمارگران آلمانی قیام بزرگ "مایی-مایی" را سرکوب می‌کنند.
- ۱۹۱۹ - جامعه ملل "تانگاسکا را به بریتانیا" می‌سپرد. در واقع، تانگاسیکا مستعمره بریتانیا می‌شود.
- ۱۹۲۲ - بریتانیا برده‌داری را ممنوع می‌کند.
- ۱۹۴۶ - "سازمان ملل متحد" تانگاسیکا را برای "قیمومت" به بریتانیا می‌سپرد.
- ۱۹۵۴ (۷ ژوئیه) - پایه‌گذاری "اتحادیه ملی - آفریقایی تانگاسیکا"

تازانیا

بقیة از صفحه ۱۰

۱۹۷۰، ۲۴۹/۷ بود (برای مواد خوراکی: ۲۹۷/۷)

آموزش و پرورش و بهداشتی

دولت تانزانیا در راه غلبه بر میراث شوم استعمار کوششهای فراوانی بکار میرسد. در سال ۱۹۷۰ در حدود ۷۵ درصد مردم این کشور بیسواد بودند. در سال ۱۹۷۷ آموزش هفت ساله ابتدایی اجباری اعلام شد و ۹۸ درصد کودکان تانزانیا به مدرسه راه یافتند. دولت تانزانیا هدف خود را ریشه کن کردن بیسوادی تا پایان سال ۱۹۸۱ اعلام داشته بود. بر پایه برآوردی، اکنون تنها ۲۰ درصد مردم تانزانیا بی-سوادند. از دستهای تانزانیا به استقلال تاکنون، شماره دانش آموزان دبیرستانی سمبر برابر شده است.

دارالسلام سیزده سال است (از سال ۱۹۶۸)، که دارای دانشگاه است. در این دانشگاه ۳۰۰۰ دانشجو تحصیل می کنند. در زنگبار آموزش و پرورش رایگان است. در سال ۱۹۷۵ انتظار عمر تانزانیا - بی ها ۴۱ سال بود. تانزانیا در همین سال درازای هر ۱۸۴۸۲ نفر یک پزشک در اختیار داشت. پنج سال پیش (۱۹۷۶) همه بیمارستان ها و نهادهای پزشکی تانزانیا ملی شد.

حاکمیت رئیس جمهور تانزانیا "مولایم جولیس ک. نییره" Mwalimu Julius K. Nyerere نام دارد، که همچنین صدر "حزب انقلاب" است. وی پیش از این رئیس جمهور تانگانیکا بود. معاون رئیس جمهور، معاون "حزب انقلاب" و صدر "شورای انقلاب زنگبار" "عبود جومب موینی" (Aboud Jumbe Mwinyi) است. بالاترین نهاد حاکمیت تانزانیا "مجلس ملی" است، که ۲۲۸ نماینده انتخابی و پاره ای اعضای اقتصادی (از سوی رئیس جمهور) را در بر می گیرد. در تانزانیا هر پنج سال یکبار انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی برگزار می شود.

دولت مرکزی، که مقر آن در دارالسلام است (ولی قرار است به زودی به "دودوما" انتقال یابد)، رهبری مسائل بنیادی سیاست کشور را در زمینه داخلی و اقتصادی بر عهده دارد. این دولت همچنین سیاست دفاعی و خارجی تانزانیا را هماهنگی می بخشد. دولت مرکزی نمایندگان اجزاء مختلف کشور تشکیل می شود.

در زنگبار همچنین دولت محلی خودگردانی حکومت می کند، که "شورای انقلاب" نام دارد و دارای ۳۲ عضو است. این دولت بویژه به مسائل اقتصادی، بهداشتی و آموزش و پرورش جزایر زنگبار و پیمان می پردازد. بالاترین نهاد زنگبار "شورای نمایندگان" است، که هر پنج سال یکبار انتخاب می گردد. اعضای "شورای انقلاب" در عین حال عضو "مجلس ملی" هستند. در قانون اساسی تانزانیا، که در ۶ اردیبهشت ۱۳۵۶ به تصویب رسید، ۲۶ آوریل (۱۹۷۷)، نقش رهبری حزب در جامعه و دستگاه دولتی تسجیل شده است. زنگبار نیز دارای قانون اساسی خویش است.

احزاب سیاسی

وسازمانهای اجتماعی

تانزانیا دارای نظام یک حزبی است. در ۱۶ بهمن ۱۳۵۵ (۵ فوریه ۱۹۷۷) بر پایه "وحدت اتحادیه" ملی - آفریقایی تانگانیکا ("تانو") و "حزب آفریقایی - شیرازی زنگبار" ("اس. پی.") "حزب انقلاب" (Chama Cha Mapinduzi - CCM) پایه گذاری شد. صدر حزب "نییره" است. برنامه حزب بر اساس "بیانیه آروشا" ("تانو" ۱۶ بهمن ۱۳۴۵/۵ فوریه ۱۹۶۷) مبتنی است، که در آن سنگبری سوسیالیستی تانزانیا تسجیل شده است. سه سال پیش در

حدود ۱/۵ میلیون نفر در "حزب انقلاب" عضویت داشتند.

"حزب انقلاب" تانزانیا برنامه خویش را پیکار قاطعانه در راه استقلال اقتصادی تانزانیا خوانده است. به گفته "جولیوس نییره"، صدر حزب، هدف "حزب انقلاب" تانزانیا ایجاد "جامعه ایست، که همه افراد آن برابر حقوقند."

اکنون ۲۰ درصد بزرگسالان تانزانیا در "حزب انقلاب" ویا یکی از سازمانهای توده ای وابسته به آن عضویت دارند. از جمله این سازمان های توده ای عبارتند از: "فدراسیون تعاونی ها" ("واشیریکا")، "سازمان زنان"، "سازمان پدران و مادران" ("وازازی") و "اتحادیه" کارگران و کارمندان ("جووانا").

گوشه ای از اوضاع کنونی تانزانیا

ارتجاع داخلی و خارجی تانزانیا در دوران گذشته، با بهره برداری از وضع اقتصادی - مالی دشوار تانزانیا، هر چه بیشتر به حمله به مشی اجتماعی - اقتصادی این کشور دست زده اند. اما علت اصلی این دشواریها را باید در تاثیر بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی بر اقتصاد تانزانیا جستجو کرد.

چنانکه "جمال"، وزیر دارایی تانزانیا، در جریان بحث درباره "بودجه ۱۹۸۱/۸۲ در پارلمان اظهار داشت، کسری بودجه سال ۱۹۸۰/۸۱ به بیش از یک میلیارد شیلینگ بیشتر از سال پیشین بود. به گفته او، دولت تانزانیا عمداً بر "بقای اقتصادی تاکید می ورزد". هزینه پروژه های عمرانی از ۴۳ درصد در سال ۱۹۸۰/۸۱ به ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۱/۸۲ کاهش یافته است. انتظار میرود که نرخ تورم به بیش از ۲۱ درصد برسد. در حالی که در سال ۱۹۷۲ تانزانیا ۱۰ درصد درآمد ارزی خود را برای وارد کردن نفت بکار میبرد، این درصد در سال آینده به ۶۰ افزایش خواهد یافت. در سال گذشته، بعلت نامساعد بودن هوا، دولت تانزانیا در حدود ۷۰۰ میلیون شیلینگ صرف خرید مواد غذایی از خارج کرد.

"نییره"، رئیس جمهور تانزانیا، در سخنرانی در "روز دهقان" در تانستان ۱۳۶۰ (ژوئیه ۱۹۸۱): از مودم آن کشور خواست، تا از هر گونه کوششی برای چیره شدن بر دشواریهای کنونی دریغ نوزند. وی به آنها هشدار داد که فریب شایعه پراکنی را نخورند. "نییره" تاکید کرد که دولت او با قاطعیت به مقابله با کسالی خواهد پرداخت، که در راه پیشرفت تانزانیا سبب بیاندازند. رئیس جمهور تانزانیا فاش ساخت که "صندوق بین المللی پول" اعطای ۲۸۰ میلیون دلار اعتبار به تانزانیا را مشروط به کاهش دادن ارزش شیلینگ، انحلال اداره نظارت بر قیمت ها و اعتماد بیشتر به "نیروهای بازار" کرده است. "نییره" گفت که به این "پیشنهادهای احمقانه" وقتی گذاشته نخواهد شد. زیرا که هدف آنها "رواداشتن ستم برداران" است.

تانزانیا می خواهد، بحای آن، در چارچوب "برنامه ملی نوسازی" تا پایان سال ۱۹۸۲ تولید فرآورده های کشاورزی را برای صدور افزایش دهد و صادرات خود را به ۶ میلیارد شیلینگ برساند. به گفته "نییره" تانزانیا امیدوار است که ۶ میلیارد شیلینگ دیگر از منابع خارجی دریافت دارد و بدینسان "حداقل نیازمندیهای خود را برای سال آینده (۱۹۸۲) بدست آورد.

رئیس جمهور تانزانیا اعلام داشت که، از طریق سیستم جدید قیمت گذاری، دهقانان خرده پا به افزایش تولید مواد خوراکی، چون ذرت و ارزن، تشویق خواهند شد. وی هشدار داد که نباید بیش از اندازه تولیدکنندگانی خصوصی را ترغیب کرد، ولی یادآور گردید که دولت او اشکال سرمایه داری خصوصی را ممنوع نخواهد ساخت. "علی کیگو ما مالیمبا"، یکی از مسئولان بلند پایه، وزارت اقتصاد

جهاد سازندگی

بقیة از صفحه ۱

از دولت خواستند که "جهاد سازندگی" را بعنوان "مجری سیاست های جمهوری اسلامی" در روستاها و مناطق عشایری تقویت نماید، بودجه آنرا افزایش دهد و امکانات ارگان های دیگر با همین وظایف را به "جهاد سازندگی" انتقال دهد. در قطعنامه، در مورد مسئله اساسی زمین آمده بود:

"خط مشی اقتصادی جهاد سازندگی تابعی از سیاست های دولت جمهوری اسلامی است، لذا انتظار داریم دولت هر چه سریعتر تکلیف نظام اقتصادی جامعه را بخصوص در بخش کشاورزی مشخص نموده و از آنجا که برنامه ریزی و توزیع عادلانه خدمات در روستاها مستلزم حل اصولی مسئله زمین است، از مجلس شورای اسلامی خواستاریم لوائح مناسب را با استفاده از حکم تفویضی امام تصویب نماید." (اطلاعات، ۳ بهمن ۶۰) تاریخ کوتاه، ولی پر بار جهاد سازندگی با تاریخ انقلاب اسلامی ایران، پیوند ناگسستنی دارد. این نهاد انقلابی و مردمی نیز، مانند "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی"، از یطن انقلاب متولد شد و در خدمت به انقلاب رشد کرد و همچون سپاه و دیگر نهادهای انقلابی، محبت و اعتماد مردم را بر - انگیخت و در قلوب آنها جای گرفت.

از بدو پیروزی انقلاب، گروهی از مسلمانان جوان پرشور و انقلابی، که صمیمانه به خط امام خمینی معتقد بودند، راه روستاها را در پیش گرفتند و با تحمل مشقات فراوان، خبر انقلاب و آزادی را به روستاهای دور افتاده و مستبد بردند، برای دهقانان محروم و زجر کشیده برق و راه کشیدند، جاه زدند، حمام و مغسولخانه درست کردند، افسانه بودن "ابدیت جو رو ستم بزرگ مالک" را برای آنها توضیح دادند و ضرورت مبارزه برای شکستن ظلم این افسانه را یادآور شدند.

جنگ که آغاز شد، جهاد گران به جبهه های جنگ عازم شدند، راه کشیدند، سنگ ساختند و بسیاری از آنها به خاک و خون غلطیدند، ولی از راه محرومان قدمی پس نکشیدند و...

"جهاد سازندگی" اکنون در میان روستاهای سراسر کشور نامی آشنا و نیک است. برای دهقان زحمتکش نام "جهاد" مفهوم مشکل گشایی، همدردی و یاری دارد. بیپرده نیست که رئیس مجلس در ملاقات خود با اعضای شوراهای مرکزی جهاد سازندگی "استان های سراسر کشور گفت: ما فکر میکنیم که شما باید به خدمتتان بیفزائید و دولت هم باید بیشتر از گذشته به شما امکانات بدهد، زیرا همه روستاهای محروم و جنگ زدگان در انتظار شما هستند و بعد از جنگ بازسازی مناطق جنگ زده را شما باید بر عهده بگیرید و با یاری ملت در اسرع وقت در سازندگی آن مناطق تلاش کنید." (کیهان - ۴ بهمن ۶۰)

رئیس مجلس شورای اسلامی در همین ملاقات گفت: "هنوز انقلاب حداقل ده سال به

و برنامه ریزی، در مصاحبه ای با روزنامه تانزانیا "دیلی نیوز"، گفت که در آینده به گستره تولیدی اقتصاد اولویت داده خواهد شد. یگفته "مالیمبا" دولت قصد دارد که منابع مالی خود را بطور برابر در اختیار تولیدکنندگان محصولات کشاورزی صادراتی و مواد غذایی قرار دهد.

قرار است که، از یکسو، دهقانان بهای بیشتری درازای محصولات خود دریافت دارند و، از سوی دیگر، در دوران برداشت محصول از امکانات بهتری در زمینه ترابری بهره مند شوند. از جمله دیگر برنامه های دولت در گستره کشاورزی عبارتست از: توجه بیشتر به روستا - های کارگرومی، تقسیم کشور به مناطق گوناگون بر حسب شرایط حوی و حاصلخیزی زمین، گسترش شبکه های آبرسانی و مبارزه کار آبراشکسالی.

کار نیروهای مردمی خالص وبدون پیچ و خم های فکری و اداری نیاز دارد و چه بهتر از اینکه شما با این همه تجربه مانند گذشته و حتی بیش از پیش داوطلب این کار باشید و در فکر جذب نیروهای جدید باشید... کسی که حضورش آنقدر ضروری است و بدون هیچ توقع و پاداشتی برای رضای خدا کار میکند، نباید نگران آینده این نهاد باشد. اما، علیرغم این تاکید روشن بر نقش پراهمیت "جهاد سازندگی" و ضرورت حضور هر چه فعال تر آن در مناطق محروم کشور، نگرانی معینی نسبت به آینده این نهاد انقلابی و مردمی، در میان شرکت کنندگان در سمینار اخیر "جهاد سازندگی" وجود داشت. این نگرانی بارها، توسط مسئولین "جهاد سازندگی"، در دیدار با مقامات جمهوری اسلامی ایران مطرح گردید. سئوالاتی از قبیل "برادران میخواهند بدانند آینده جهاد چگونه خواهد بود؟" و پاسخهایی از قبیل "به عقیده من (نخست وزیر) در جمهوری اسلامی هیچ نهادی منحل نخواهد شد" با "زمانی مینوانیم از "مرگ جهاد" سخن بگوئیم که نیازها در جامعه از بین رفته باشد" (نخست وزیر، کیهان ۴ بهمن ۶۰)، هر چند تاکید بر وجود و دوام "جهاد سازندگی"، بعنوان یک نهاد مردمی و هم انقلابی بود، اما خود طرح سئوالات راجع به وجود یا عدم وجود "جهاد" و اشارات متعدد درباره احتمال "انحلال" یا عدم "انحلال" "جهاد سازندگی"، نگرانی ها را موجه می ساخت.

بیشک مسئله هماهنگی میان فعالیت های "جهاد سازندگی" و دیگر ارگان های جمهوری اسلامی ایران در روستاها، مسئله مهمی است. اما این هماهنگی باید در جهت صحیح، در جهت منافع مردم محروم، در جهت قانونی و انقلابی و بر اساس تفاهم آکید میان ارگان ها انجام پذیرد. خدمات "جهاد سازندگی" فراموش نشدنی است. این خدمات باید ادامه یابد. میلیونها دهقان و روستایی محروم و جنگ زده به آن نیاز دارند: "جهاد سازندگی" و وزارت کشاورزی باید بر اساس منافع این توده زحمت کش، برنامه های خود را هماهنگ سازند و بر اساس تفاهم، نیروهای خود را روی هم بریزند، ویرانی ها را بازسازی کنند و جو رو ستم را از صحنه روستاهای کشور حذف نمایند.

حل عادلانه و انقلابی مسئله زمین، که هم خواست میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین، هم خواست مسئولین "جهاد سازندگی" و هم خواست مسئولین وزارت کشاورزی است، یک دنیا کار در روستاهای کشور برای افزایش باروری زمین، کمک به بهبود وضع دهقانان و افزایش میزان محصول... پدید خواهد آورد. این کار عظیم را باید با همیاری، همکاری و دل سوژی انجام داد.

موفقیت بیش از پیش "جهاد سازندگی" را در خدمت به محرومان و زحمتکشان، بویژه در روستاها، آرزو - مندیم.

سیاست خارجی

دولت تانزانیا از سیاست عدم تعهد پیروی میکند. این کشور در "سازمان ملل متحد" و "سازمان وحدت آفریقا" عضویت دارد و عضو وابسته "جامعه اقتصادی اروپا" است. تانزانیا خواهان از میان رفتن بازمانده های نظام استعماری امپریالیسم است و با سیاست نژاد پرستی آفریقای جنوبی مبارزه میکند.

تفسیر وقایع

بقیة از صفحه ۱

در مذاکرات هیگ

و گرومیکو، دخالت آمریکا

در امور داخلی لهستان

قاطعانه رد شد

از همان نخستین روزهایی که ریگان به حکومت رسید، اعلام کرد که مسابقه تسلیحاتی را با شدت ادامه خواهد داد. برنامه دولت ریگان در مورد مشک نشانی در اروپای غربی، تولید بمب نوترونی و اظهارات بدون مسئولیت اعضای دولت او درباره امکان "جنگ محدود هسته ای" و غیره، موحی از اعتراض و نفرت در سراسر جهان و بویژه در اروپا برانگیخت. ریگان و دارو دستهای، که از همه سو در زیر فشار توده های مردم فرار گرفته بودند، حاضر شدند مذاکره با اتحاد شوروی را بر سر مسئله کاهش تسلیحات هسته ای آغاز کنند، لیکن از همان ابتدا معلوم بود که در پشت پرده این مذاکرات، هدف های دیگری را دنبال میکنند و نشستن آنها بر سر میز مذاکره تنها برای فریب افکار عمومی و ادامه سیاستهای خویش است. دیدار آندره گرومیکو وزیر امور خارجه شوروی با هیگ وزیر امور خارجه آمریکا در ژنو باسیسی به بحث درباره این مسئله مهم اختصاص می یافت.

لازم به ذکر نیست که جلوگیری از یک جنگ هسته ای، که میتواند تمدن بشری را به نابودی بکشاند، از چه اهمیت بزرگی برخوردار است. آندره گرومیکو قبل از عزیمت به ژنو اعلام کرد که دولت شوروی آماده است درباره تمام مسائل مربوط به جلوگیری از جنگ با دولت ایالات متحده آمریکا وارد مذاکره جدی شود. تلاش ناشیانه هیگ برای وارد کردن "مسئله لهستان" در دستور روز مذاکره، چنانکه انتظار می رفت، با واکنش قاطع و صریح گرومیکو مواجه شد. آندره گرومیکو بحث در پیرامون مسائل داخلی لهستان را مداخله در امور یک کشور مستقل نامید و آنرا قاطعانه رد کرد. هیگ برای مذاکره جدی به ژنو نیامده بود و بالنتیجه مذاکرات به اتخاذ هیچ تصمیمی در خفا خطر جنگ و کاهش مسابقه تسلیحاتی کمک کند نیانجامید. هیگ حتی از تعیین موعد برای از سر گیری گفتگو در باره محدود کردن سلاح های هسته ای ظفره رفت.

آندره گرومیکو سپس در مصاحبه ای گفت که واشنگتن با ارتباط دادن دو مسئله ای که به هیچ وجه با هم ربطی ندارند، یعنی محدود ساختن تسلیحات هسته ای و حوادث لهستان، مسئولیت کامل پیمانهای سیاست خود را بر عهده میگیرد. وزیر خارجه شوروی افزود که ایالات متحده آمریکا باید از مداخله در امور داخلی جمهوری خلق لهستان، که مدت ها است با اشکال گوناگون صورت می - گیرد، بکلی دست بردارد.

بدینسان امپریالیسم آمریکا، که مداخلات توطئه گرانه آن در لهستان با شکست روبرو شده، برای تبدیل حوادث لهستان به یک "مسئله بین - المللی" و در نتیجه توجیه دخالت خود نیز با شکست روبرو شد.

خوانندگان محترم و نمایندگان فروش

هفته نامه اتحاد مردم

کمکهای خوانندگان عزیز پرداخت مرتب و بموقع بهای این نشریه در شهرستانها، به رفع مشکلات مالی این هفته نامه یاری می رساند. لذا خواهشمند است و حو به کمیهای و کمکهای نقدی را از طریق شعب بانکها، به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران شعبه آرشا شهر تهران، به نام محمود اعتماد دزاده حواله و فتوکی رسید آن را به دفتر صندوق پستی ما ارسال فرمائید.

با تشکر فراوان از همکاری شما

لایحه قانونی ...

بقیه از صفحه ۹

آراء هیئت حل اختلاف و شورای عالی کار در موارد مربوطه که در هر دوی آنها نمایندگان کارفرمایان نیز حضور دارند و همچنین "مانعت از ارسال گزارش وسیله شورا ... برای ... واحد کاروا مور اجتماعی و نظائر آن، جزء این تخلف ها بشمار آمده است.

و بالاخره اعلامیه جهانی حقوق سندیگائی که دولت ایران نیز آن را پذیرفته و خود را موظف به اجرای آن میداند، حاکمیت که:

"دولت ها نباید از طریق قوانین و در عمل در مقابل روند وحدت سندیگائی در هر سطحی که زحمتکشان مایل باشند، مانع ایجاد کنند.

آن وقت وزارت کار و امور اجتماعی، تحت عنوان "تدوین آئین نامه و اساس نامه های شورائی"، نه فقط تشکیلاتی را که بنظر مسئولین وزارت کار مفید است، بجای سندیکا و شورا به کارگران و زحمت کشان تحمیل میکند، بلکه رسماً اعلام میدارد و مینویسد که:

"در واحدهائی که شورا تشکیل میشود، جمعیت های صنفی دیگر رسمیت نخواهد داشت. (ماده ۳۶) آئین نامه شورای اسلامی کارگان واحد های تولیدی - صنعتی کشاورزی و خدماتی و ماده ۲۸ آئین نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف".

ما دیگر به ماده ۱۴ "لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی بنی صدری اشاره نمیکیم، که برحق قانونی زحمت کشان بزرگترین و سابقه دارترین رشته های صنعتی کشور، نظیر صنایع نفت، فولاد، مسو ... یک قلم خط بطلان کشیده و تشکیل شوراهای آنها را "منوط به تصویب هیئت وزیران" دانسته است!

ضرورت لغو قوانین و آئین نامه های ناقص حقوق صنفی و شورایی کارگران و تصویب و اجرای قانون کار انقلابی

با توضیحاتی که دادیم، آیا میتوان گفت که لایحه قانونی بنی صدری شورای انقلاب و آئین نامه ها و اساسنامه هایی که به استناد آن تنظیم شده، مورد قبول و موافقت زحمتکشان است؟

پاسخ این سؤال روشن است. مغررات و آئین نامه هایی که اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق سندیگائی کارگران را نقض میکند و زیر پا میگذارد، نمیتواند مورد قبول کارگران و زحمتکشان باشد.

کارگران و زحمتکشان ایران پابر - حاترین نیروی انقلاب بزرگ اسلامی ضد - امپریالیستی و مردمی ایران هستند.

کارگران با تمام نیرو و ابزار حدا علا ی فدائکاری، از انقلاب و تعمیق و گسترش آن دفاع میکنند. به همین جهت آن ها مصرا نه خواهان شناسایی و رعایت حقوق صنفی و شورائی خود هستند.

ولی کارگران و زحمتکشان ایران متاسفانه ناظر آن هستند که بر فعالیت های وزارت کار و امور اجتماعی، صرف نظر از بنیاد مسئولین آن، همان بنیادها و برداشت های زمان طاغوت، که محروم داشتن کارگران از استفاده از حق تشکل آزاد و مستقل صنفی را وظیفه خود میدانست و خود اجازه میداد که در تشکل های صنفی دخالت کند و حتی برای کارگران سندیکا بسازد، حاکم است.

گویی اصول انقلابی شده روزیم طاغوتی سرنگون نگشته است، والا پذیرفتنی و باور کردنی نیست که، وزارت کار و امور اجتماعی دوران پیروزی انقلاب به خود اجازه دهد که آشکارا و گاه پنهانی حقوق صنفی و شورائی کارگران را زیر پا بگذارد. وزارت کار و امور اجتماعی با اجرای قوانین و آئین نامه های پرداخته، که ناقص اصول قانون اساسی و دیگر حقوق شناخته شده تشکل های کارگری است.

خبرخوش ...

بقیه از صفحه ۱

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران از "مستضعفین" گفتند و از "عید" آنها که باید بیاید، رئیس جمهور خاصه ای، برای جوانان جهاد سازندگی "توضیح داد که جقدر امام خمینی به ظلم فتودال ها واقف است و چگونه خواهان رفع ستم از دهقانان ستمکش است. رئیس جمهور

از اصلاحات ارضی به مثابه یک "فریضه حتمی" صحبت کرد و گفت که اگر انجام نشود، یکی از پایه های انقلاب و جمهوری اسلامی سست خواهد شد. رئیس مجلس از ضرورت پرداختن به مسئله وحل آن سخن گفت.

و باین سخنان، فضای میهن ما، به ویژه در دهات، که سخت نسبت به این موضوع گیری ها حساس است، جان تازه ای گرفت. همه، در این اظهارات، علامت خوشی و نوید جان بخشی را پس از ماه ها سکوت و سردی دیدند. و واقعا هم اندیشه گرمای تحولات ژرف بر سرمای

زمستانی سه سال تاخیر در اجرای اصلاحات ارضی و دوسال تاخیر در اجرای قانون مصوبه شورای انقلاب چیره شد. این اندیشه پیبوده نبود. بدنبال آن تحولی که "اتحاد مردم" با امیدواری تعهد آوری از آن یاد کرد، در واقع نیز پشت سر هم وقایعی روی داد، و وقایعی که امیدواریم تا این نوشته به چاپ خونه سپرده شود و حروف چینی و چاپ شود و انتشار یابد، با شتاب فزاینده ای تداوم منطقی خود را پیدا کند. صمیمانه امید - واریم که وقتی خوانندگان "اتحاد مردم" این نوشته را میخوانند، اخبار آن "کهنه" شده باشد، یعنی باز هم تصمیمات تازه و تدابیر جدید و قاطع - تری بدنبال آمده باشد، که ما فرصت انعکاس آن را نداشته ایم.

جمعه هفت گزشته، آیت اله مشکینی امام جمعه قم، که خود یکی از سه فقیه تأیید کننده قانون مصوبه شورای انقلاب است، در خطبه نماز مسئله "آنهاست که صد هکتار و دو پست هکتار زمین دارند (بزرگ مالکان) و آنها که در همسایگی اش، نقری نیم هکتار دارند (کم زمینها) و نقش ولایت فقیه را توضیح داد و گفت:

"این مسئله، اسم شریفش شد بند "ج"، بند جمعی که به ادخال بند افتاده! این بند "ج" ما، که بند جمعی شده است، معلوم نیست به این زودی از مجلس شورای اسلامی نجات پیدا کند. اگر توانست از آن مجلس خلاص شود و از آن در بهشت و کانال بهشت بتواند رد شود و ذبح شرعی نشود، آن وقت مطلب درستی خواهد بود.

بدنبال این طرح محدود و آشکار مسئله، در این دو نماز جمعه و در سایر خطبه ها و منابر، درباره لزوم حل مسئله مالکیت زمین، روز دوشنبه ۵ بهمن ۶۰، نامه ۱۳۲ نماینده مجلس در پشتیبانی از سخنان آیت اله مشکینی و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی انتشار یافت. در این نامه که عین آنرا زیر صفحات "اتحاد مردم" میسازیم، گفته میشود:

"سخنان امام جمعه موقت تهران مبنی بر حل مشکل مالکیت و گسترش قسط اسلامی، به نفع مستضعفین، بر اساس موازین اسلامی و همچنین فرمایشات فقیه عالیقدر آیت اله مشکینی مبنی بر حل زمین داری و تصویب بند "ج" قانون اصلاحات ارضی اسلامی مورد

تائید و پشتیبانی اینجانبان نمایندگان مجلس شورای اسلامی میباشد و با صراحت یادآور میشویم حل مشکل زمین یکی از فرائض مجلس بوده و آمادگی خود را برای مشارکت در این حرکت اسلامی و مردمی اعلام میداریم.

۱۳۲ امضای زیر این نامه، مویده حرکتی است که به اعلی ترین درجه دارای اهمیت انقلابی است. همه این واقعیات به یک دوران یورش بزرگ مالکان و اعوان و انصار آنان پایان میدهد و به رهنمودهای امام خمینی و یاران نزدیک و شاکردان وفادار او و پیروان صدیق خط امام تحقیقی شایسته و زنده میبخشد.

۱۳۲ نفر میتوانند همان هسته اصلی اکثریت قاطعی را در مجلس تشکیل دهند که، با تکیه به فرمان امام و بر اساس احکام ثانویه هرگونه مانعی را بتوانند از پیش پا بردارند.

اشاره آقای هاشمی رفسنجانی به اینکه در بعضی موارد بین مجلس شورای نگهبان توافق نیست و ضرورت حل این مشکل وجود دارد و تکیه مکرر بعضی از نمایندگان به اینکه مجلس هنوز نتوانسته است از فرمان امام و تفویض اختیارات استفاده لازم را بنماید، در حالی که این امر کاملا ضرورت یافته است، و بالاخره اشاره روشن آقای مشکینی نشان میدهد که پیروان صدیق خط امام و انقلابیونیکه به رسالت های انقلاب وفادارند، نه تنها قانون اصلاحات ارضی و مضمون بند "ج" آن، یعنی وا - گذاری اراضی بزرگ مالکان به دهقانان بی زمین و کم زمین را، از مجلس خواهند گذراند، بلکه نخواهند گذاشت که در

سطر راه ذبح شرعی شود". یعنی به بهانه های مکتبی و استناد های شرعی جلوی اساس مسئله که همانا، الفای بزرگ مالکی است، گرفته شود.

تصویب یک قانون مثله شده و نیم بند، قانونی که حق را به حق دار نرساند، قانونی که به این یا به آن شکل بزرگ مالکی را نگه دارد، قانونی که مرغوبترین زمینها را در دست غارت - گران متغذ بگذارد و قطعات بی بار و سنکلاخ را به عده ای از دهقانان بدهد و خلاصه کلاه شرعی سر مردم بگذارد، قانونی نیست که شایسته انقلاب باشد و مسائل را واقعا حل کند و به خواست - های حقه میلیونها دهقان و ضرورت جامعه ما پاسخ گوید. مین انقلابی ما نیاز به قانونی دارد که به هیچ صورتی "ذبح شرعی" نشود و یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران، یعنی الفای بزرگ مالکی و زمین دار کردن کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین را تحقیق بخشد، تا راه برای سایر اقدامات باز شود. موضوع گیری های مسئولترین مقامات، مسئول در برابر انقلاب و جامعه و تاریخ، نشان می دهد که میتوان امید داشت که چنین قانونی از تصویب بگذرد و هر چه زودتر به مرحله عمل و اجرا درآید.

در همان روز دوشنبه پنجم بهمن ۶۰، این خبر مهم انتشار یافت که، در جلسه کمیسیون کشاورزی و عمران روستائی، با حضور معاون وزارت کشاورزی، تمسه، تعرض متقابل اصلاحات ارضی در شوراول تصویب و آماده تقدیم به مجلس شد. همه مردم انقلابی ما و همه دهقانان به حق و با بی صبری منتظرند، تا متن طرح تصویب شد و انتشار یابد و آنها بدانند که جمهوری اسلامی ایران وقوه مقننه آن چگونه بدستور امام خمینی "عید" را برای مستضعفان بهار مغان میآورد و چگونه مسئله مالکیت های بزرگ و زورگویی - های فتودال ها و خوانین جای خود را به نظام شایسته انقلاب می دهد و

دارد. قانون جدید کار باید بازتاب حقوق اعطائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه های مختلف، بویژه حقوق صنفی و شورائی، بکارگران و زحمتکشان باشد.

اکنون که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با اعتماد به مجلس شورایی اسلامی، اختیارات لازم را برای وضع قوانین بود زحمتکشان به آن تفویض کرده اند، امید است که مجلس شورای اسلامی تنظیم و تصویب قانون انقلابی

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

روز سه شنبه ششم بهمن ۶۰، سخنان وزیر کشاورزی انتشار یافت، که جا دارد آترام، نه فقط برای ثبت در تاریخ و برای قضاوت خوانندگان، بلکه برای نشان دادن جهتی که دولت - مردان مسئول و علاقمند به جمهوری و متعهد در برابر انقلاب در پیش گرفته اند عینا به جاب بر اساس، وزیر کشاورزی

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

روز سه شنبه ششم بهمن ۶۰، سخنان وزیر کشاورزی انتشار یافت، که جا دارد آترام، نه فقط برای ثبت در تاریخ و برای قضاوت خوانندگان، بلکه برای نشان دادن جهتی که دولت - مردان مسئول و علاقمند به جمهوری و متعهد در برابر انقلاب در پیش گرفته اند عینا به جاب بر اساس، وزیر کشاورزی

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

ما بروند. برای رسیدن به این موقع و برای دیدن این لحظه، نهاد های انقلابی، به ویژه جهاد سازندگی و "هیئت های هفت نفری" و همچنین "سها پاسداران" در بسیاری نقاط سهم بزرگی داشته - اند آنها با فعالیت و خواست مصرا نه خویش، با درک واقعیت های انقلاب و همراهی با دهقانان زحمتکش، به عنصر فعال و موثری در به کرسی نشستن این اصل اساسی بدل شدند.

وظیفه همه انقلابیون صدیق، همه کسانی که نسبت به جمهوری و انقلاب در خود تعهد و مسئولیتی احساس می - کند، آنست که به تائید و تقویت این خطر خیزند. همانگونه که نمایندگان

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.



مجلس از آیت اله مشکینی و حجت - الاسلام هاشمی رفسنجانی حمایت کردند، همانطور که نهادها از نمایندگان برجسته خط امام حمایت کردند و نمایندگان مجلس را دل قوی کردند، لازمست که همه دهقانان آگاه و حق - طلب و همه انقلابیون صدیق در اطراف واکتاف کشور به میدان حمایت از این خط بیایند و با طومار و نامه و امضا و مراجعه به مقامات و به مجلس و بهائمه جمعه و به مراجع روحانی و کشوری، خواست مصرا نه و بیگیر خود را در

اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، بدون آنکه نیم بند و مثله شود، بدون آنکه "ذبح شرعی" شود و در اسرع اوقات، بدون آنکه با زهم به تاخیر افتد و دستخوش دسایس و توطئه های "شیاطین" شود، اعلام دارند.

در برابر نیروی اربابان و حامیان آنها، که عملا برخلاف خط انقلاب و تعمیق آن عمل میکنند، باید نیروی اجتماعی نیرومندی به حرکت درآید. هر فرد انقلابی باید خود را در این کار - زار سهیم بداند و با حمایت از موضع - گیری های آقایان خامنه ای و هاشمی و مشکینی و سلامتی و از نامه جمعی ۱۳۲ نفر نماینده مجلس، نقش خود را در

پیش برد این گام تاریخی و این حرکت آینده ساز ایفا کند. با زهم امیدواریم تا این مقاله چاپ شود و به رویت خوانندگان "اتحاد مردم" برسد، بسیاری از رویدادهای مثبت و خبر - های بسیار خوش و مطلوب، اخبار آترام "کهنه" و ناقص کرده باشد. به ویژه اگر همه انقلابیون دست بکار شوند و در اعلام حمایت و جلب پشتیبانی توده - های دهقانان و انعکاس آن فعالانه بکوشند، آن "آینده بسیار نزدیک"، که وزیر کشاورزی قول داده است، هر چه زودتر فرا خواهد رسید.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

مجلس از آیت اله مشکینی و حجت - الاسلام هاشمی رفسنجانی حمایت کردند، همانطور که نهادها از نمایندگان برجسته خط امام حمایت کردند و نمایندگان مجلس را دل قوی کردند، لازمست که همه دهقانان آگاه و حق - طلب و همه انقلابیون صدیق در اطراف واکتاف کشور به میدان حمایت از این خط بیایند و با طومار و نامه و امضا و مراجعه به مقامات و بهائمه جمعه و به مراجع روحانی و کشوری، خواست مصرا نه و بیگیر خود را در

اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، بدون آنکه نیم بند و مثله شود، بدون آنکه "ذبح شرعی" شود و در اسرع اوقات، بدون آنکه با زهم به تاخیر افتد و دستخوش دسایس و توطئه های "شیاطین" شود، اعلام دارند.

در برابر نیروی اربابان و حامیان آنها، که عملا برخلاف خط انقلاب و تعمیق آن عمل میکنند، باید نیروی اجتماعی نیرومندی به حرکت درآید. هر فرد انقلابی باید خود را در این کار - زار سهیم بداند و با حمایت از موضع - گیری های آقایان خامنه ای و هاشمی و مشکینی و سلامتی و از نامه جمعی ۱۳۲ نفر نماینده مجلس، نقش خود را در

پیش برد این گام تاریخی و این حرکت آینده ساز ایفا کند. با زهم امیدواریم تا این مقاله چاپ شود و به رویت خوانندگان "اتحاد مردم" برسد، بسیاری از رویدادهای مثبت و خبر - های بسیار خوش و مطلوب، اخبار آترام "کهنه" و ناقص کرده باشد. به ویژه اگر همه انقلابیون دست بکار شوند و در اعلام حمایت و جلب پشتیبانی توده - های دهقانان و انعکاس آن فعالانه بکوشند، آن "آینده بسیار نزدیک"، که وزیر کشاورزی قول داده است، هر چه زودتر فرا خواهد رسید.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "فریضه حتمی" است، جامعه عمل میبوشد و چگونه سخن آیت اله مشکینی که "ولی امر باید مقصدی مالکیت شود و اموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود"، به تحقیق می - پیوندند. مردم ایران و دهقانان با دلی شاد و قلبی آکنده از امید منتظر حل مثبت و سریع این مسئله هستند.

صنایع سنگین

بقه ۱۱۴ صفحه ۱

استقلال ملی و پیشرفت اقتصادی چگونه مسخ و مخدوش ترسیم می شود، در مقابل، گور راه های منتهی به بیست رکود و ورشکستگی همچون "ساز" راه شکوفائی اقتصادی در برابر مردم ماقراری گرفت، رژیم خائن پهلوی بنا به سرشت خود، که همانا ایجاد بهترین شرایط برای غارتگری امپریالیسم و در رأس آن آمریکا بود، از یک سو با ریختن ثروت های ملی، بویژه نفت، بنگام امپریالیست ها هم نقش دلالی خود برای آنان و سیرابی انحصارات غارتگر سرمایه داری را ایفا می کرد، هم بگونه ای دیوانوار در جهت نظامی کردن همه شئون کشور، از جمله اقتصاد، چهارنعل می تاخت. از سوی دیگر شاه ملعون می گوید، تا ایران را به پیشرفت سرمایه گذاران خارجی و در واقع به سفره گسترده ای تبدیل کند که باطلخ انواع اغذیه دلپذیراز کیسه توده های مردم و بیانیروی کار خود مردم محروم، جهان بحران زده امپریالیستی را تا مین کند. به این منظور "اصلاحات شاهانه" راه را برای تزریق سرمایه های امپریالیستی به اقصای نقاط میهن ما باز کرد. صنایع مونتاز قارچوار عرصه های گوناگون را اشغال کردند، تا با بهره گیری از نیروی کار ارزان و تسهیلات گمرکی و مواد نیم ساخته ایگان، گاو صندوق های انحصارات را پر کنند و ضمن غارت منابع طبیعی و استثمار لجام گسیخته زحمتکشان ایران، بر بازارهای فروش خویش بیافزایند. در این رهگذر اقتصاد بحران زده میهن ما، اعم از صنعت و کشاورزی، در آستانه نابودی قرار گرفت. "تمدن بزرگ شاهانه" دقیقاً چنین

مضمونی داشت. در برابر چنین سیاست خائنانی بود که توده های محروم به مبارزه برخاستند و رژیم ناکزیر شد، ضمن سرکوب بی امان آلمان های استقلال طلبانه و عدالت جو یانه زحمتکشان، با قلب واقفیت ها تصویر گازی از رونق و شکوفائی وضع اقتصادی ارائه دهد و با بوق و کرنا و بدروغ از پیشرفت همه جانبه سخن گوید و همه دستگاه های تبلیغاتی خویش را برای پخش این دروغ بمدد گوید. اما، علیرغم عملکرد غارتگرانه و خائنانانه نظام پیشین، ضرورت های رشد اقتصادی، این جا و آن جا، منجر به پیدائی بعضی جلوه های استقرار بنیاد های راستین اقتصادی می شد، و چنان که معلوم است، با خرابکاری های امپریالیست ها روی رومی گردید. از آن جمله است صنایع فولاد ایران، که همواره در معرض سنگ اندازی و اشکال تراشی های آنان قرار داشت.

خوشبختانه انقلاب اسلامی ایران اساس سیاست های شاهانه را در هم ریخت و زمینه ساز تجدید نظر های اصولی در جهت نیل به استقلال واقع شد. اما این بار نیز لیبرال ها با استدلال: چون وابسته بوده ایم، ناچار باید وابسته بمانیم، به هیاهو برخاستند. عوام فریبی های لیبرال هادر این جهت بسیار پندآموز و نمونه وار است. امیر-

انتظام، این جاسوس رسوای "سیا"، بعنوان سخنگوی دولت سازش گام به گام با امپریالیسم آمریکا، بکسرات می گفت که:

پروفس دوب آهن غیر- اقتصادی و غیر متداول است! وزیر کار وقت نیز این بزرگترین واحد کارگری کشور را تهدید به تعطیل می کرد. وزیر اقتصاد وقت نیز به هر وسیله می کوشید، تا دوب آهن را "فاقد ارزش" اعلام کند.

بنی صدر محل احداث دوب آهن را "مطالعه نشده" و "غلط" اعلام کرد و دلیل آن را "ورود سنگ آهن از هندوستان" دانست! در حالی که، بنا به گفته "شورای کارکنان مرکزی دوب آهن" این سنگ آهن از ناحیه یزد تا مین می شود!

رئیس دولت موقت "گام به گام" نیز صنایع فولاد را زیان بخش میدانست. این همه جنجال بدان سبب بود که راه برای بازگرداندن آمریکا از پنجره هموار شود. دومین وزیر کار نیز، بجای تاکید بر ضرورت دگرگونی بنیادی در ساخت اقتصادی و بنیادهای صنعتی کشور، از "ایجاد تعاونی ها بوسیله دیپلمه های بیکار" سخن می گفت، تعاونی هایی که قاعدتاً می بایست سلول های صنایع آینده میهن ما بحساب آیند!

چنین استدلال می شد که گویا تکیه بر صنایع سنگین و برنامه ریزی در این راستا ماناگرایی از آن خواهد کرد که دست وابستگی بسوی "قدرتهای بزرگ" دراز کنیم و از جهت سرمایه و اعتبار، از نظر تکنولوژی و برنامه ریزی و از جهت راه اندازی محتاج دیگران شویم، و این روند گویا معادل ریشه گیری و تثبیت وابستگی ها خواهد بود!

خوشبختانه، علیرغم شانناژ طرفداران سرمایه داری بزرگ وابسته به امپریالیسم و با وجود کوهی از مقاله ها و انبوهی از نظرات انحرافی در این زمینه، هم اکنون این گرایش مثبت در میان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جای خود را باز کرده است که، با پایداری و لویت را به تقویت و گسترش صنایع سنگین داد. از جمله، بگفته آقای هاشمی وزیر صنایع: "بخش دولتی هم اکنون به سرمایه گذاری در امور تولیدی مشغول است و در بودجه سال آینده کشور توجه خاصی به پروژه های صنعتی، از جمله صنایع فولاد اهورا، مبارکه، دوب آهن اصفهان، صنایع مس، پتروشیمی، ماشین سازی، تراکتور سازی، کشتی سازی و دیگر صنایع اساسی صورت گرفته و توسعه آنها در دستور قرار گرفته است."

وزیر صنایع همچنین می افزاید: "دولت در بخش صنایع اصلی و اساسی سرمایه گذاری کافی می کند و همچنین در مورد کارخانجات موجود نو سازی صورت می گیرد."

وزیر صنایع تاکید می کند که امکانات دولتی اختصاص داده شده به امر توسعه صنایع سنگین عملاً "حتی می تواند از مبلغ پیش بینی شده در بودجه دولت افزون تر باشد، به شرطی که در عمل رشد صنایع چنین ایجاب کند، و این که: "دست ما برای این گونه سرمایه گذاریها در صورت لزوم باز است."

وسرانجام جان کلام در اینجاست که، بگفته وزیر صنایع: "دولت صنایع اساسی و مادر را باید پایه گذاری کند و شرط لازم و کافی برای رسیدن به استقلال صنعتی پایه گذاری همین صنایع است."

تنها یک مقایسه ساده کافی است تا راهی را که از نظرات پیشین تا بر خورد اصولی امروز پیموده شده، در بیابیم. وزیر سابق، که از طرح "تعاونی های تولیدی" جانبداری می کرد، می گفت: "عده ای از افراد که سرمایه جزیی دارند و دارای تخصص و معلومات اند، ولی فاقد سرمایه هستند، به اینها بانک دولت کمک می کنند و به آنها سرمایه می دهند تا بروند دنبال کارهای عمرانی و تولیدی و کشور را از وابستگی نجات دهند." و اضافه می کرد که: "این تعاونی ها امکان بهره کشی انسان از انسان را بطور کلی از بین می برد!"

چنانکه ملاحظه می شود، در این نظر کمترین جایی برای عنایت به صنایع مادر نیست.

تجربه انقلابی خوشبختانه توانسته است آثار این بد آموزی ها را تا حدود زیادی محو کند. ارزش طرح ایجاد وزارت صنایع سنگین در واقع بخاطر آن است که، علیرغم این جاه سازیها، که خطرات مهلکی برای دورنمای استقلال اقتصادی ایران انقلابی در برداشت، نشانگر یک چرخش بنیادی در این زمینه است.

می دانیم که امکانات موجود را باید حفظ کرد، جهات منفی را کنار گذاشت و بایک طرح همه جانبه دست به کار دگرگونی ساخت صنعت شد. در این کار کشورهای دوست انقلاب، با کمک های بیدریغ و بی کمترین چشمداشت همواره در کنار ما خواهند بود. اگر ژاپن امپریالیست تا تکمیل طرح پتروشیمی، علیرغم تعهد قبلی خویش، به انواع وسایل سر-باز می زند، امری که با شرکت مهندسی، کارشناسان و کارگران ایرانی می تواند به انجام رسد. نمونه طرح های موفق که بوسیله کشورهای سوسیالیستی از سالها پیش در صنایع فولاد و ماشین سازی ایران موجود است، بهترین شاهد این مدعا است که در دوستان انقلاب به گونه ای عملی، مفید و سازنده دست کمک بسوی انقلاب ما دراز کرده اند.

خوشبختانه میهن ما از نظر ذخایر معدنی غنی است. ثروت سرشار نفت، معادن آهن و مس و... بهترین و وثیقه نامین اعتبار مواد اولیه برای گسترش صنایع است. نیروی سازنده کارشناسان و کارگران ما نیز هر مشکلی را از پیش پای بر خواهد داشت. به این ترتیب امکانات بسیار مساعدی پیش روی ما است. حساسیت لحظه نیز ایجاب می کند که شالوده اشتغال فزاینده و راستین از این طریق فراهم می آید و به نیازهای عمومی جامعه، هم از این جهت و هم از بابت تأمین رشد اقتصادی کشور، پاسخ داده شود.

شکست توطنه های امپریالیسم و بر رأس آن آمریکا علیه انقلاب، بمیزان زیادی مرهون توفیق در این حرکت است.

تسهیل مذاکرات درباره مسائل پیچیده، واژه "موراتوریوم" همچنین در اقتصاد مالی بکار برده می شود و منظور از آن تعویق وظیفه پرداخت بدهکار است به مدتی معین و یا منع پرداخت. نمونه بارز این گونه "موراتوریوم"، "موراتو-ریوم هور" بود، که در سال ۱۹۳۱ پرداخت همه دیون و غرامتهای بین المللی را به مدت یک سال به تعویق انداخت.

"موراتوریوم" در سیاست تنها در زمینه خلع سلاح بکار برده می شود اتحاد شوروی که در صحنه بین المللی فعال ترین هوادار خلع سلاح بوده و هست، تاکنون چندین پیشنهاد "موراتوریوم" ارائه داشته است. برای نمونه پیشنهاد "موراتوریوم" ۱۹۷۷ لئونید برژنف مبنی بر خودداری موقت از آزمایش های هسته ای برای هدف های مسالمت آمیز در سراسر جهان با واکنش مثبت گسترده روبرو گشت.

موراتوریوم چیست؟

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، در بیست و ششمین کنگره این حزب پیشنهاد کرد که "موراتوریوم" در زمینه استقرار موشک های هسته ای میان برد جدید، بین کشورهای "ناتو" و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی "توافق به عمل آید."

این پیشنهاد دارای اهمیت فراوان برای تأمین صلح در اروپاست، زیرا که انباشت اینگونه سلاحها در اروپا از سوی "ناتو" وضع خطرناکی را در این قاره پدید آورد و است، که باید به آن پایان داد. در این زمینه "موراتوریوم" به معنای آنست که موشک های هسته ای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و "ناتو"، از جمله موشک های هسته ای، که ایالات متحده

موراتوریوم (از ریشه لاتین "مورا" بمعنای تأخیر و تعویق) در زبان سیاسی-دیپلماتیک، یعنی خودداری از فعالیتی معین و یا چشم پوشی از حقی مشخص برای مدتی محدود. "موراتوریوم" می تواند یکسویه از جانب یک کشور اعلام گردد و یا آن که برپایه توافق کشورهای گوناگون پدید آید. "موراتوریوم" وسیله سیاسی سودمندی است برای

سرگذشت رزم ورنج خلق قهرمان فلسطین (۱۱)

فلسطین از ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۶ (۱۹۴۰-۱۹۴۷)



فلسطینی هایی که پس از اشغال اردوگاه ملر عرکوج می گسند. ولی به مبارزه برای استقلال و آزادی خود ادامه می دهند.

سوزی و "گنوها" گسترش دادند. هزاران تن راهی "اردوگاه های کنار اجباری" یا "اردوگاه های بازآموزی" شدند و از آنجا به فلسطین اعزام گردیدند.

"هوهنه" تاکید می کند که: "دارو دسته" صهیونیستی که از جانب "هاگانا" حمایت میسند و عامل مورد اعتماد "آی.سی.اس" یعنی "پولکس" جزء دستگاه رهبری آن بود. با سیاست جدید بریتانیا در مسئله فلسطین مخالفت می ورزید.

این سازمان "شکهای از عمال مورد اعتماد را در اروپا بوجود آورد که کارشان اعزام یهودیان، از راه قزاق، به فلسطین بود. دارو دسته "گولوم" در انجام این کار، در قبول مساعدت "اس.اس.ها" نیز وسوسه و ترديد به خود رامی داد.

در اسفند ماه ۱۳۱۸ (ماه مارس ۱۹۳۹) پس از راه یافتن دوتی از نمایندگان موساد، بینو گیتز برگ و "موشه اوارباخ"، به رایش هیتلر، نخستین دسته جوانان یهودی آلمان با قطار مخصوص نازی ها از برلین به وین رفت و از آنجا به همراه گروهی دیگر بسوی سواحل فلسطین رهسپار شد و نهانکارانه به درون کوچ نشین های پراکنده صهیونیستی رفت. یک آمار شماره مهاجران این سال را ۱۶۴۰۵ و آمار دیگری ۲۷۵۶۱ می داند. ولی به هر حال شمار یهودیان سکنی گزیده در فلسطین، در این زمان به ۴۴۵۴۷ تن رسید.

در این روند، صهیونیست ها برای پیشبرد سیاست خائنانانه خود و کوچاندن یهودیان دست به هر تبه کاری می آوردند. انفجار کشتی "پاتریا" نمونه روشنگر است:

هنگامیکه کشتی "پاتریا" در بندر "حيفا" لنگر انداخت، مقامات بریتانیایی، در اجرای قانون جدید مهاجرت، اجازه پیاده شدن به سر نشینان کشتی را ندادند و گفتند که کشتی را با سر نشینانش به جزیره موریس خواهند برد. در این موقع دستگاه اطلاعاتی صهیونیستی تصمیم گرفت که با جاری کردن "افسانه خودکشی جمعی" و "ترجیح مرگ" "بر جدایی از وطن" بر سر زبانها، کشتی را با کلیه سر نشینانش نابود کند، تا با این اقدام مرگبار "روح صهیونیسم" را فرورزان سازد و محدودیت مسافرت به فلسطین لغو گردد.

ادامه دارد

پس از انتشار "کتاب سفید"، که بر بنیان آن مهاجرت یهودیان به فلسطین محدود می گردید، اعراب ابتدا آنرا مردود شمردند، ولی دیری نپایید که در رای خویش تجدید نظر کردند و آنرا بعنوان شالوده گشائی مسئله فلسطین پذیرا شدند. بدین سان، "کتاب سفید" مرحله نویی را در سیاست بریتانیا گشود.

در ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۸ (۲۸ ماه فوریه ۱۹۴۰) در فلسطین برای انتقال زمین "قانون" جدیدی وضع گردید، که این سرزمین را به سه منطقه تقسیم میکرد:

۱- منطقه "الف" - این منطقه ۶۴ درصد از زمین های فلسطین را دربر می گرفت. در این پهنه فروش زمین به یهودیان به کلی ممنوع گردید. املاک یهودیان در منطقه بیش از ۲/۹ درصد همه مساحت آن نبود.

۲- منطقه "ب" - این منطقه ۳۱/۶ درصد از خاک فلسطین را می پوشاند و یهودیان، پس از دریافت اجازه نامه ویژه ای از نماینده بریتانیا می توانستند زمین خریداری کنند. یهودیان در این گستره ۷ درصد از زمین ها را در دست داشتند.

۳- منطقه "پ" - این منطقه ۵ درصد کل زمین های فلسطین را در بر می گرفت. یهودیان در این فراخنا می توانستند آزادانه زمین خریداری کنند. یهودیان در این منطقه مالک ۴۸/۹ درصد زمین ها بودند.

دگرگونی در سیاست بریتانیا بذر شورگری و آشوب کاری را در بین صهیونیست ها افشاند. صهیونیست ها که تا ۱۳۱۸ (۱۹۳۹) بخاطر هم خانوی منافقان با منافعی محافل حاکمه بریتانیا در خاور میانه و نیز برتری بی رقیب امپریالیسم بریتانیا در آن دوران، مناسبات نزدیک و دوستانه ای با استعمارگران بریتانیایی داشتند، این قانون را "خیانتی به دوستی سنتی بریتانیا با صهیونیسم" به حساب آوردند. از این رو صهیونیست ها اعتراضات و نمایش های گری و وحشت آفرینی دست زدند و به پلیس و نیروهای مرزی بریتانیا یورش آوردند.

سرمداران صهیونیسم، که پیش از این به استقبال فاشیسم هیتلری شتافته بودند، بخاطر سرانگیختن موج توانمند یهود ستیزی و کوچاندن یهودیان، مناسبات نهفته ای با فاشیست های هیتلری برقرار ساختند. در این باره "هانیتزهوهنه" روزنامه نگار آلمانی نوشت:

"صهیونیست ها استقرار فاشیسم را در آلمان نه تنها به یک مصیبت ملی، بلکه بعنوان فرصتی تاریخی و بی مانند در وصول به هدف های صهیونیستی خویش می دیدند. در این زمان، نازی ها دامنه یهود ستیزی را به مدد "گوره های آدم-

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته چهار جلسه علنی داشت. در این جلسات، که طی آن از جمله بودجه سال ۶۱ از سوی نخست وزیر تقدیم مجلس شد، عده‌ای از نمایندگان خواستار اجرای هر چه زودتر اصلاحات ارضی و بویژه بندج و د" آن، تصویب لایحه اراضی شهری و مقابله قاطع اقدامات بنیادی دیگر به سود محرومین و مستضعفین جامعه شدند. در این جلسات نخست وزیر، رئیس مجلس و چند تن دیگر از نمایندگان توطئه‌های آمریکا و صهیونیسم علیه خلق‌های منطقه و بخصوص ایران را تشریح نمودند و بر مقابله دراز مدت و برنامه ریزی شده با این دشمنان اصلی همه محرومان بیاخته جهان تأکید کردند. در این جلسات همچنین لایحه همکاری‌های شرکت شیلات جمهوری اسلامی ایران با شرکت شیلات جمهوری دیمکراتیک خلق کره به تصویب رسید. اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته روز یکشنبه ۴ بهمن ۶۰، تشکیل شد. در سخنان قبل از دستور این جلسه، موسوی تبریزی نماینده مردم تبریز با اشاره به سخنان آیت‌الله مشکینی و طرح اصلاحات ارضی تأیید شده از سوی ایشان و ۲ تن از روحانیون بزرگ، بر "شرعی بودن بندج" اصلاحات ارضی تأکید کرد و خواستار اجرای رهنمودهای آیت‌الله مشکینی در تمام ابعاد آن شد.

اطهارات نخست وزیر هنگام تقدیم بودجه سال ۶۱، حداکانه در شماره آینده "اتحاد مردم" مورد بحث قرار خواهد گرفت. آنگاه مجلس به کار خود ادامه داد و چند اصلاحیه در لایحه "دیوان عدالت اداری" را به تصویب رساند. دستور بعدی مجلس ادامه بحث درباره شوردوم لایحه "دیوان محاسبات" بود، که پس از بحث و بررسی، تعدادی از مواد آن به تصویب رسید. همچنین رئیس مجلس اعلام کرد که بدلیل عدم شرکت گلزاده غفوری در جلسه‌ای که به آن دعوت شده بود، وی از نمایندگی مجلس مستعفی شناخته می‌شود. دومین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته روز ۶ بهمن ۶۰ تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه علمی نماینده لارستان بود. ناطق ضمن اشاره به سخنان امام خمینی که گفتند: "آنکه از همه بیشتر مسئولیتش را ایفا کرده است، ملت است"، درباره رهنمودهای رهبر انقلاب و اهمیت آن در پیشبرد انقلاب سخن گفت. وی متذکر شد:

یعنی همانها که انقلاب کردند و تحمل این همه رنج را بخاطر اسلام و مصالح انقلاب میکنند و دم بزنمی‌آورند. اما شمای فقهای عزیز، ای دولت مردان، شما مسئولین محترم، شما نباید چنین مصائبی را برای مستضعفین تحمل کنید پس از تفویض ولایت امام به مجلس، چند لایحه برای مینا تصویب گردیده؟ و در نهایت آیا درست است که امام با این تفویض هیچ اختیار جدیدی به مجلس نداده؟ و تنها حق قانون گذاری را مجدداً متذکر شده‌است؟ کو آن همه توصیه از درد برخاسته‌ام که به فکر مستضعفین باشید؟" نماینده لارستان افزود: "از مسکن و زمین که نگذریم، مستضعفین با گرانی سرسام آور از ازا که چه کنند؟ اگر به میدان‌های خرید و فروش و بازارها سری بزنیم و از نزدیک نتیجه عدم کنترل قیمت‌ها و عدم برخورد قاطع با محتکرین و کرافروشها را لمس کنیم، به یقین که برخوردمان با مسائل به گونه‌ای دیگر خواهد بود... و دیگر تنها به بنیاد مسکن‌ها و هیئت‌های ۷ نفره و

تاکستان مطرح شد. وزیر بازرگانی در پاسخ خود گفت که با کمک متخصصین "جهاد سازندگی" و آمادگی این نهاد انقلابی، به مجرد مساعد شدن فصل کار، عملیات اتمام این سیلو دنبال خواهد شد. سپس خانم اعظم طالقانی نماینده تهران درباره مشکل مسکن و اقدامات وزارت مسکن در زمینه رفع این مشکل و بخصوص در مورد پرداخت وام مسکن به اقشار مختلف سؤال کرد. گنابادی وزیر مسکن در پاسخ تأکید کرد که وزارت مسکن مصمم است که طی یک برنامه ۱۰ ساله، مشکل مسکن را تا حدود زیادی حل کند. وی آنگاه در مورد مشکلاتی که وزارت مسکن با آن روبروست سخن گفت و از جمله به "متوقف ماندن آئین نامه قانون لغو مالکیت اراضی شهری" بر اثر فتوای محترم شورای نگهبان و نیز به عدم تصویب "قانون اراضی شهری" و "بلا- تکلیف بودن آن اشاره کرد و گفت: "اینکه می‌گویم الان داریم وام

تأمردم در صحنه‌اند، خطری انقلاب را تهدید نمی‌کند

آنگاه نوری نماینده آمل صحنه‌های ایثار و فداکاری مردم قهرمان آمل علیه ضدانقلابیون را در حوادث اخیر این شهر تشریح کرد. وی گفت که مزدوران امپریالیسم، بی‌خبر از روحیات و خواسته‌های واقعی مردم نیمه شب، در حالیکه به انواع سلاح‌ها مسلح بودند، مراکز نظامی را مورد حمله قرار دادند. لیکن مردم با دست‌های خالی و سپینه‌های باز، به مقابله شافتند و "در کوتاهترین فرصت هزاران سنگ در گوشه و کنار شهر ایجاد کردند... روستائیان وارد میدان شدند و با بیل و کلنگ به مقابله پرداختند... ناطق ضمن تقدیر از عکس العمل ایثارگران، هوشیارانه و قاطع مردم آمل گفت: "حماسه مقاومت دلیرانه مردم آمل به ضدانقلابیون سراسر کشور آموخت که بیهوده مشت بر سندان نکوبند" وی در پایان سخنان خود تأکید کرد: "تا وقتی مردم در صحنه‌اند،

کو آنهمه توصیه از درد برخاسته امام

که بفکر مستضعفین باشید؟

... می‌نگریم زمانی که مسئولین وقت (دولت موقت) از حملات امام به استکبار جهانی و آمریکای جنایتکار دل آزرده بودند و گله‌مند از اظهاراتش در مورد مسائل داخلی و اختیارات خویش را دست‌کار دی بی تیغ می‌خواندند. همان زمان امت با تمام توان رهنمودهای امام را موبه اجرا می‌نمود. ناطق آنگاه در مورد فعالیت پیر و ان سازش با آمریکا گفت:

"و آنگاه که مسئولین سازشکار دست دوستی بر زمینگی را به گرمی فشردند و بدینوسیله چراغ سبزی به آمریکای جنایتکار نشان دادند امت یک نواخت به صدور آمد و خشمگینانه زبان به اعتراض گشود و زمانیکه فرزندان بیدار و هشیار امت، خشم و قهر انقلابی ستم‌دیدگان را در تصرف لانه جاسوسی تجلی بخشیدند، امام اقدامی مثبت خواند، ولی مسئولین وقت آنرا خلاف شئون انقلاب دیدند و امت دیگر بار به دنبال امامش با حمایت یکپارچه و بی دریغ خویش انقلابی بزرگتر از انقلاب اول آفرید و پرستیژ آمریکارابه اعتراف خودشان درهم شکست."

کو آنهمه توصیه از درد برخاسته امام؟

ناطق آنگاه ضمن اشاره به فعالیت‌های مثر ثمر مسئولین در جهت خدمت به مستضعفین و محرومان جامعه از مشکلاتی سخن گفت که "ناشی از عدم درک صحیح برخی از مسئولین وقت از واقعیت دردهای جامعه می‌باشد". وی در این زمینه به مشکل زمین و مسکن اشاره کرد و گفت:

"در این باره چه کرده‌ایم؟ خرید و فروش زمین شهری ممنوع می‌شود. اجرای مصوبات شورای انقلاب متوقف می‌شود. بندج و د" که ماضی شده ۳۰۰۰ مستضعف، بر مبنای اعمال ولایت و با استفاده از عنوان ثنویه است خلاف شرع خوانده می‌شود. گویا شریعت تنها همان است که اینگونه حضرات استنباط میکنند و استنباطات منتظری‌ها و بهشتی‌ها و مشکینی‌ها، شریعت ندارد و در نتیجه مشکل زمین دچار گره می‌گردد می‌شود که قشر مستضعف جامعه را تا امیدوملا و مترقبین راد لگرم و گنج‌های نامشروع راز دست انداز عدالت بیمه میکند. در مسئله مسکن روز بروز مال- الاجاره‌ها افزایش سرسام آوری باید و بدنبال شریعت تورم و فشار سنگین آن بر اقشار کم درآمد و تهیدست اجتماع،

ناطق بعدی جلسه منوچهر مکی بود که، با اشاره به تحریکات و توطئه‌های کشورهای مرتجع منطقه و وابستگان به آمریکا، تأکید کرد:

"آمریکا و تمام وابستگانش در تلاشند تا به نوعی این را (انقلاب ایران و تحریک‌های آن) به فراموشی سپارند و تضادی را که مردمان با حکومت‌هایشان پیدا کرده‌اند، به تضاد های بیرون مری کشند. ولی (آنها) باید بدنبال دلیل تضادها در ماهیت حکومت‌هایشان بگردند."

حمایت از سوره نبرد با آمریکا

آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس طی سخنانی در ارتباط با وتوی ناچوانمر دانه پیشنهاد تنبیه اسرائیل از طرف آمریکا گفت: "این مسئله در کشورهای اسلامی حالت خاصی را بوجود آورده است. عداوت و خصومت عمیق آمریکا مشخص شده است. کسانی که میخواهند با آمریکا باشند، در تنگنا قرار گرفته‌اند. آنطور مسئله واضح و روشن است که زبانی برای دفاع از خود ندارند... جمعی از سران کشورهای عرب مسلمان، و در مقدم آنان کشور قهرمان سوره، به حق پیشنهاد می‌کنند که دنیای عرب و اسلام، آمریکا را مجازات کند. فرصت مناسبی است که از حربه قطع نفت، که مهمترین حربه مسلمانان است، علیه دشمن که به ما جنگ و دندان نشان می‌دهد، استفاده کنیم."

رئیس مجلس با اشاره به اینکه "عده‌ای از محافظه کاران خودخواه عرب می‌گویند آمریکا باید دوستانه رفتار کنیم" اینگونه گویی، از کشورهای مرتجع اعلام کرده‌اند که "در هیچ برنامه خشنی علیه اسرائیل و آمریکا در این مقطع تاریخی وارد نمی‌شویم". گفت: (اینها) بنا دارند کشور قهرمان سوره را، که پیشنهاد دهنده این پیشنهاد تاریخی است، منزوی کنند ما از پیشنهاد سوره برای تشکیل مجمع عمومی سازمان ملل متحد استقبال می‌کنیم. و از مسئولان وزارت خارجه می‌خواهیم فعالانه در این جریان شرکت کنند و نگذارند کشورهای مترقی مسلمان تنها بمانند."

تقدیم بودجه سال ۶۱ به مجلس

آنگاه مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر لایحه بودجه سال ۶۱ را تقدیم مجلس کرد و درباره آن مطالب مشروحی را به آگاهی نمایندگان رساند

- رئیس مجلس: فرصت مناسبی است که از حربه قطع نفت، که مهمترین حربه مسلمانان است، علیه دشمن که به ما جنگ و دندان نشان می‌دهد، استفاده کنیم.
- نماینده لارستان: خرید و فروش زمین شهری ممنوع می‌شود. اجرای مصوبات شورای انقلاب متوقف می‌شود. بندج و د" که ماضی شده ۳۰۰۰ مستضعف، بر مبنای اعمال ولایت و ثنویه است خلاف شرع خوانده می‌شود. گویا شریعت تنها همان است که اینگونه حضرات استنباط می‌کنند.
- وزیر مسکن: اگر قانون اراضی شهری به تصویب نرسد، وام‌های توانیم پرداخت کنیم
- بودجه سال ۶۱، با تأکید بر برنامه ریزی دراز مدت در مقابله با توطئه‌های آمریکا، تقدیم مجلس شد.
- نماینده تبریز: امیدوارم مجلس مصوباتی داشته باشد که توده‌ها لمس کنند و مشکلاتشان برطرف گردد.
- نماینده آمل: تا وقتی مردم در صحنه‌اند، هیچ خطری انقلاب را تهدید نمی‌کند.

پرداخت می‌کنیم و کارهایی که داریم می‌کنیم اگر این قانون (اراضی شهری) تصویب نشود، این وام‌ها را هم نمیتوانیم پرداخت کنیم."

وی همچنین گفت: "از نظر زمین شهری که بخواهیم در اختیار مردم بگذاریم که خانه بسازند، وضع مابعدتر از قبل از انقلاب است."

وزیر مسکن اضافه کرد: "به علت همین مشکلات اکنون در تهران زمینی نداریم که در اختیار کارگران و بیادبگران بگذاریم."

سپس خانم طالقانی با اشاره به سخنان اخیر حجت‌الاسلام رفسنجانی و آیت‌الله مشکینی در خطبه‌های نماز جمعه تهران وقت گفت:

"آقایان فقهای شورای نگهبان یک مقداری با واقعیتی که در جامعه وجود دارد از جهت مسکن باید توجه کنند."

چهارمین جلسه مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، روز پنجشنبه ۸ بهمن ۶۰ تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور عابدین زاده بود، که با تأکید بر روشن نشدن تکلیف اراضی شهری، از مجلس و شورای نگهبان علت را جویا شد. وی گفت:

"مجلس از اختیارات امام چه استفاده‌ای کرده‌است؟" ناطق از وزارت مسکن و دولت خواست که برای حل مشکل مسکن برنامه‌های خود را تقدیم دارند و خطاب به دولت تأکید کرد که باید هر چه زودتر "لایحه اصل ۴۹ و گزارشی وضعیت بنیاد مستضعفین" را تقدیم مجلس نماید.

دادگاه‌های انقلاب حمله و نیشویم و مصادره‌ها را بطور کلی بی‌مراجعه به پرونده‌های مربوطه محکوم نمی‌کنیم. جرایمی از سوزان عزیز آنگونه به مالکیت‌های بزرگ کنونی می‌نگرند، که گویا در حکومت نبی اکرم و از طریق شرعی بدست آمده و از اقدام انقلابی بر پایه موازین شرعی با اعمال ولایت پیشگیری می‌کنند؟"

در پایان سخنان قبل از دستور مجلس به ادامه بررسی لایحه "دیوان محاسبات" پرداخت و پس از بحث در مورد پیشنهاد های مختلف نمایندگان مواد دیگری از این لایحه را به تصویب رساند.

سومین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، که اختصاص به پاسخگویی سؤالات نمایندگان از سوی مسئولین کشور داشت، بعد از ظهر همین روز تشکیل شد و طی آن بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، عسگر اولادی وزیر بازرگانی و گنابادی وزیر مسکن به سؤالات نمایندگان پاسخ گفتند.

در این جلسه محمد شجاعیان ضمن اینکه اصل سهمیه بندی کالاها را مورد تأیید و ستایش قرار داد، درباره علت وجود کالا های سهمیه بندی شده در بازار سیاه سؤال کرد.

بهزاد نبوی در پاسخ، سیستم کوپنی کردن کالاها، نحوه نظارت بر توزیع آنها و جزئیات این امور را تشریح کرد. ولی به علت اینکه پاسخ قانع کننده نبود، سؤالات به کمیسیون بررسی سؤالات ارجاع گشت.

آنگاه سؤالی قهرمان رحمانی نماینده تاکستان در مورد علت عدم تکمیل ساختمان سیلوی ۶۸ هزار تنی

هیچ خطری انقلاب را تهدید نمی‌کند. ناطق دیگر این جلسه انتزاعی نماینده مردم تبریز، با اشاره به مسئولیت سنگین مسئولین و بخصوص مجلس شورای اسلامی در قبال مستضعفین و "توقع" مردم از آنان گفت: "امیدوارم مجلس هر چه زودتر مصوباتی داشته باشد که توده مردم لمس کند و مشکلاتشان برطرف گردد. از جمله نه است موضوع زمین و مسکن، که باید سریعاً، طبق مقررات اسلامی تکلیف مردم روشن شود."

آنگاه بحث در مورد لایحه "دیوان محاسبات" ادامه یافت و این لایحه به تصویب نهای رسید. سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی از سوی هیئت رئیسه مجلس پیشنهاد ارجاع بررسی طرح نظام بانکی کشور به یک کمیسیون ویژه را مطرح و از آن دفاع کرد. رئیس مجلس درباره اهمیت این طرح گفت:

"(در حقیقت) تغییر سیاست بانکی کشور، یعنی تغییر کل اقتصاد کشور."

این پیشنهاد پس از سخنان ۲ تن از نمایندگان بعنوان موافق و مخالف، برای گذاشته شد. به تصویب رسید.

سپس شور دوم لایحه قرارداد همکاری میان شرکت صادراتی و تجهیزات عمومی کوه دیمکراتیک، با شرکت شیلات جنوب جمهوری اسلامی ایران در دستور قرار گرفت و پیشنهاد های مختلف نمایندگان در مورد موافق این لایحه به بحث گذاشته شد. در پایان اصل لایحه با اکثریت آراء نمایندگان به تصویب رسید.

نخست وزیر:

بودجه سال ۶۱ سرآغاز دفن

آخرین نشانه های سلطه

تراست ها و کارتل هادر ایران

هفته گذشته، مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر، بودجه سال ۱۳۶۱ را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. نخست وزیر در سخنانی که هنگام تقدیم بودجه ایراد کرد، از جمله گفت که در سال آینده:

"برنامه ریزی بعنوان گوری برای دفن آخرین نشانه های حضور شرکت های چندملتی و دولت های سلطه گر و بیگانه که سرسپرده منافع تراست ها و کارتل ها هستند، آغاز میشود و در این شرایط است که بودجه سال ۱۳۶۱ بعنوان سر-آغازی بر این مسیر طولانی تدوین می گردد.

نخست وزیر ضمن اعلام این که بحرحه سالهای گذشته نشان داد که امیرالهای سیاسی و اقتصادی از قانونی حمایت می کنند که نتوانند امریکای را رانده شده از دروازه پنجره به داخل کشور دوباره باز آورند، گفت: آن گونه که امام فرمودند، مادر مقابل امریکای ایستاده ایم و یک قدم هم عقب نخواهیم نشست.

نخست وزیر در بخش دیگری از سخنان خود گفت:

"واستگنی اقتصاد ما به خارج آنچنان ماهواره اراحی و برنامه ریزی شده بود که حیاهنخوران تصور می کردند که هر آینه مات زنجیر وابستگی سیاسی را بگسلد، به گونه ای خودکار و به دلیل وابستگی شدید در حوضه اقتصاد خود، باز به دامان قدرتهای غربی و شیطان بزرگ خواهد افتاد و طوق وابستگی سیاسی را نیز بار دیگر بر گردن خواهد گذاشت. نخست وزیر افزود: "مادامه در شورای اقتصاد و در دولت به هم هشدار می دهیم که امریکا مخالف انقلاب است و توطئه های امریکا پایان نخواهد پذیرفت. و در نتیجه ما محور هستیم که بر سرای روبروئی با هر مشکلی خود را آماده نگه داریم.

نخست وزیر در سخنان خود - از جمله درباره سیاست دولت در قبال بخش خصوصی گفت:

"در مجموع سیاست دولت در جهت سوق دادن سرمایه ها به سمت بخش تولیدی است.

آقای موسوی اضافه کرد: "مانی-توانیم به بنیم به قیمت ایجاد ایستگاه های زاید، از تولید تا مصرف، مردم مستضعف ما در زیر بار قیمت های گران خرد شوند. دولت نمی تواند در مقابل دلال بازی و احتکار سکوت کند و دست روی دست بگذارد. دولت باید به اندیشه مصالح عموم ملت باشد، نه طبقه خاص."

سخنان نخست وزیر، که شمه ای از آن ذکر شد، نشان دهنده آنست که دولت قصد دارد از نظر اقتصادی سیاستی را دنبال کند، که سمت گیری آن به سود مستضعفان و قطع ریشه های وابستگی به امپریالیسم باشد. ماهنگام بررسی بودجه، در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت.

ضرورت پاکسازی

عناصر نفوذی از کمیته ها

حجت الاسلام سید علی خامنه ای رئیس جمهور، هفته گذشته با مسئولین کمیته های انقلاب اسلامی خراسان دیدار و گفت و گو کرد. رئیس جمهور ضمن ستایش از نقش کمیته ها و تاکید بر اینکه: "کمیته ها امروز نیز به همان میزان روز اول باقی است، چرا که دشمن با همان خطر هنوز وجود دارد." (کیهان - ۶ بهمن ۱۳۶۰) خواستار پاکسازی کمیته ها از عناصر نفوذی شد. رئیس جمهور گفت:

"شما مطمئن هستید که عوامل احتمالی نفوذی کمیته های خود را خارج ساخته اید؟ از همین روست که باید این امر را جدی بگیرید. مهم ترین کار عناصر نفوذی این است که چهره کمیته ها را با رفتار زشت و ناپسند و نفرت -

در هفته ای که گذشت:

احرار کرد که اعتراض سرسوم مینسوی، ژاپن حاضر به پایان دادن ساختمان مجتمع نیمه تمام پتروشیمی در بندر امام خمینی نشود، ایران مفاد قرارداد راه دوری را راجع خواهد کرد و خود دست اندر کار پایان دادن به ساختمان مجتمع خواهد شد.

سخنان آقای احمد توکللی نشان داد که هنوز هم مسئله سه ساله این مجتمع (به شماره گذشته "اتحاد مردم" مراجعه کنید) پایان نگرفته است. سخنگوی دولت هم بدنبال وزیر نفت تأیید کرد که ژاپنی ها هزینه ایجاد مجتمع را از "سیصد و پنجاه میلیون دلار" به "چهار میلیارد و دویست میلیون دلار" رسانده اند. آقای توکللی گفت که ژاپنی ها بعد از پیروزی انقلاب در ایران: "چون می دانستند که پس از انقلاب آن غارتگریهای گذشته را نمی توانند ادامه دهند، بر آن شدند تا نمونه این کارخانه را در پادشاهی سعودی احداث کنند و در نتیجه جهت منافع را از سوی ایران برگردانند، باووری که حتی هیچ گونه امکانی را به کارشناسان مانی-دادند." (کیهان - ۷ بهمن ۱۳۶۰)

بر اساس سخنان سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران، با اینکه ما حاضر شدیم: "مسئولیت تمامی خسارات وارد آمده به این مجتمع را تقبل کنیم، لیکن ژاپنی ها با تمام این وجود قبول نکرده اند." (همانجا)

ما بازم تکرار می کنیم که امریالیست های ژاپنی تنها در صورتی که ایران به آنها اجازه غارت بی حساب و کتاب بدهد، حاضر خواهند شد. صد باقی مانده از مجتمع پتروشیمی را به اتمام برسانند. و این تازه در صورتی است که دولت امریکاهم موافق باشد. بنابراین منافع ایران در این است که کار اتمام مجتمع راه کشور بسپارد که حاضر باشد، بدون قید و شرط سیاسی و بلافاصله، کار را شروع کند.

قدم مثبت دیگر

در سیاست خارجی

هفته گذشته رضا علوی طباطبائی سخنگوی وزارت امور خارجه، در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات، در مورد روابط ایران با جمهوری دموکراتیک خلق چین گفت:

"چین جنوبی جزو کشورهای است که جمهوری اسلامی ایران تا اوائل سال ۶۱ روابط خود را با آن در سطح سفارت برقرار خواهد کرد." (۶ بهمن ۱۳۶۰) این گام مثبتی در سیاست خارجی ضد امریالیستی جمهوری اسلامی ایران است که باید آنرا با استقرار روابط با دیگر کشورهای انقلابی دوست ایران از جمله ویتنام، قهرمان، بازم استوارتر کرد.

تروریست های اقتصادی

به ترور ادامه می دهند

در هفته گذشته هم متاسفانه "تروریست های اقتصادی" به کار خود ادامه دادند و کشف چند فقره بزرگ کالای احتکار یافته شده نشان داد که این پایگاه های داخلی امریالیسم در چه وسعتی به خرابکاری مشغولند. سخنان حجت الاسلام ناظم زاده هم در مصاحبه با روزنامه "جمهوری اسلامی" دامنه "این ترور اقتصادی" را روشن تر کرد. سرپرست دادگاه امور صغی از جمله گفت:

"در خلال این یک سال و اندی که ما در اینجا مشغول بودیم، توانستیم به دهها هزار شکایت رسیدگی کنیم و پرونده هزاران متهم را رسیدگی نموده ایم و میلیونها تومان پول مردم را گرفته و به مردم یا به شاکی دولت داده ایم." (۴ بهمن ۱۳۶۰) حجت الاسلام ناظم زاده افزود:

"باید بگویم گاهی اوقات ما با متخلفینی برخورد می کنیم که سر - شناس و بسیار عمده و معروف هستند و به محض برخورد با چنین افرادی مواحه میشویم یا حوسا زنی هایی علیه دادگاه از طرف افرادی که خود را بسیار حق به جانب نیز میدانند." (همانجا)

اخبار دیگری هم که در جراید منتشر شد، خبر از فعالیت وسیع "تروریست های اقتصادی" می داد. آقای صمد شجاعیان نماینده مجلس شورای اسلامی، هنگام طرح سئوالات از وزیر مشاور در حلسه علنی مجلس، از جمله گفت:

"یک قوطی روغن نباتی ۵ کیلوگرمی در بازار آزاد حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان فروخته میشود و قیمت یک گونی قند ۲۲۰۰ تومان است. در واقع یک کله قند در بازار آزاد ۱۰۰ تومان عرضه میشود." (کیهان - ۱ بهمن ۱۳۶۰)

روزنامه اطلاعات، در ۲ بهمن خبر از کشف دو میلیون تومان کالای احتکار شده از سرمایه دار و یکی داد روزنامه کیهان هم روز بعد خبری را با عکس در صفحه اول چاپ کرد، که از آتشزدن ۲۰۰ هزار تومان داروی کم - یاب در شهرری پرده بر میداشت.

بحث درباره

زیر ساخت اقتصادی کشور

ادامه دارد

این اخبار در حالی منتشر می - شود که بحث سه ساله درباره زیر ساخت اقتصادی کشور همچنان ادامه دارد. سومین سمینار "جهاد سازندگی" سراسری، که اوایل هفته گذشته، به کار خود پایان داد، خواستار شد: "انتظار داریم دولت هر چه سریعتر تکلیف نظام اقتصادی جامعه را به خصوص در بخش کشاورزی مشخص نموده و از آنجا که برنامه ریزی و توزیع عادلانه خدمات در روستاها مستلزم حل اصولی مسئله زمین است، از مجلس شورای اسلامی خواستاریم لوائح مناسب را با استفاده از حکم تفویضی امام تصویب نماید." (اطلاعات - ۳ بهمن ۱۳۶۰)

وزیر کار و سخنگوی دولت نیز اعلام کرد: "برنامه ریزی کلی برای سراسر کشور قبل از تدوین و تصویب زیر ساخت اقتصادی کشور مشکل است. به همین جهت کمیته های دهگانه زیر ساخت اقتصادی کشور تا آخر اسفند ماه سال جاری طرح های زیر ساخت اقتصادی را تهیه خواهند کرد، سپس از تصویب شورای اقتصاد و هیئت دولت، در اوایل اردیبهشت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود." (کیهان - ۳ بهمن ۱۳۶۰)

اصلاحات ارضی

سرانجام به مجلس می رود

هفته گذشته ۱۳۲ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه ای حمایت و مشارکت خود در حل مسئله مالکیت و زمین را اعلام کردند. در همین حال اعلام شد: "طرح اصلاحات ارضی در شور اول تصویب و برای بحث در کلیات

تقدیم مجلس شد." (اطلاعات ۵ بهمن ۱۳۶۰)

و به این ترتیب، با توجه به اینکه کمیسیون کشاورزی و عمران روستایی مجلس شورای اسلامی نیز این طرح را تصویب کرده است، این سؤال مطرح است که کی طرح اصلاحات ارضی به مجلس میرود، تا در حلسه علنی مطرح و تصویب شود؟ همه مردم ایران در انتظارند.

استفاده از همه نیروهای

مدافع انقلاب

بعد از طرح و تصویب لوائح محوری در مجلس شورای اسلامی، بدون تردید برای اجرای قوانین انقلابی باید از وجود همه نیروهای مدافع انقلاب استفاده کرد. برای این کار لازم است، چنانکه رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در سخنان اخیر خود گفته اند:

"سازن قوم، روشنفکران و علما کشورها توجیه کننده دشمن و دوست نیست و دشمن را بیرون کنند و دوست دست اتحاد دهند." (کیهان - ۵ بهمن ۱۳۶۰)

هفته گذشته، برخلاف برخورد غیر عاقلانه سخنگوی دولت در مصاحبه هفتگی به گروه ها و احزاب سیاسی مدافع انقلاب، شاهد دوبرخورد امید بخش بودیم:

آقای میرحسین موسوی نخست وزیر در دیدار با هیئت عالی نظارت بر بازار ساز و وزارتخانه ها، با تاکید بر این مهلت که "ما باید کاری کنیم که بدست خودمان افراد را سوی ضد انقلاب برانیم، گفت:

اگر ما با آنها (متخصصین) بدلور مظلومی روبرو شویم، آنها قادر خواهند بود برای استقلال اقتصادی کشور تلاش نمایند. پس نیروهای مذهبی و اسلامی که نقابا کلیدی در دستشان است، باید این را درک کنند و از آنها کار بخواهند و در مقابل منزلتی به آنها بخشند." (جمهوری اسلامی - ۸ بهمن ۱۳۶۰)

آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور نیز در مصاحبه ای به خبرنگاران گفت:

"در یک وقت مصلحت ایجاب میکند که یک برخورد نظامی و قضائی با گروهک ها داشته باشیم، ولی اکنون باید محبانه را سالم سازی کرد." (کیهان - ۵ بهمن ۱۳۶۰)

انتخاب روستازادگان

برای دبیرستانهای کشاورزی

هفته گذشته کمیسیون مشترک فرهنگ، و تحقیقات و تعلیمات و کشاورزی طرح پیشنهادی "گروه برابری آموزش کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی" را در مورد نظام آموزش کشاورزی در جمهوری اسلامی به اطلاع اعضای این کمیسیون رساند. همچنین آقای دکتر حبیبی عضو شورای ستاد انقلاب فرهنگی و رئیس کمیسیون فرهنگ و تعلیمات و تحقیقات طی مصاحبه ای با خبرنگاران گفت:

"بنابر این گذاشته شده که متخصص کشاورزی باید مطالعه تحصیلی - دبیرستان کشاورزی - تحصیلات عالی با فقهی تمام آموزش شده، کشاورزی را بگذرانند، و طبق این طرح دانش آموزانی که در دبیرستان های کشاورزی مشغول تحصیل میشوند، از میان روستازادگان انتخاب خواهند شد.

با توجه به نیاز روز افزون کشور به افراد متخصص در رشته کشاورزی برای خدمت در روستاها، اجرای هر چه سریعتر طرح پیشنهادی "ستاد انقلاب فرهنگی" امری ضرور است. همانطور که آقای دکتر حبیبی نیز گفته است، آموزش کشاورزی در درجه اول باید به روستازادگان اختصاص داشته باشد، تا روستازادگان پس از گذراندن دوره عمومی تحصیل، در دبیرستان های کشاورزی آموزش لازم را ببینند و سپس در روستاهای خود مشغول کار شوند.

به نظر ما، آموزش های کشاورزی برای روستازادگان باید از دوره های دبیرستانی فراتر رود، تا روستازادگان کم سواد، که محور به ترک تحصیل شده اند، بتوانند از آموزش بهره مند شوند. برای رسیدن به این هدف میتوان از دوره های کوتاه مدت آموزشی استفاده کرد.

**رهبران حزب کمونیست
ایتالیا
پیوندهای خود را
با پیوندگان راه صلح
و سوسیالیسم
به فراموشی سپرده اند**

روزیکنشبه ۴ بهمن ۶۰ (۲۵ ژانویه ۸۲) روزنامه "پراودا" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، موضعگیری رهبری حزب کمونیست ایتالیا را "مغایر با منافع صلح و سوسیالیسم" خواند و آنرا محکوم کرد.

"پراودا" نوشت:

"آخرین اسناد حزب کمونیست ایتالیا در همه زمینه های بنیادی با سیاست اتحاد شوروی، بخش عظیم جنبش کمونیستی و سراسر نهضت آزادی بخش جهان مغایرت دارد."

"پراودا" افزود:

"این جرخش رهبران حزب کمونیست ایتالیا نشان می دهد که آنها همه پیوندهای خود را با پیوندگان راه صلح و سوسیالیسم در نزدیک به ۹۰ کشور جهان به فراموشی سپرده اند و با سوسیالیسم جهانی، این بزرگترین دستاورد پیشرفت اجتماعی جهانیان در سده بیستم، آشکارا به مخالفت برخاسته اند."

بهتان به کشورهای سوسیالیستی

بعقیده "پراودا":

"رهبران حزب کمونیست ایتالیا از رویدادهای لهستان بعنوان دستاویزی برای اعلام موضعگیری خود بهره می جویند. اما آنها به مسائلی می پردازند که از چارچوب این رویدادها بس فراتر می رود. این مسائل از جمله گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و برخورد با سوسیالیسم واقعا موجود را در بر می گیرد. رهبران حزب کمونیست ایتالیا، بدون هیچ گونه استدلالی، تجربیات غنی مبارزه در راه سوسیالیسم و بازسازی سوسیالیستی را تا به امروز نادیده می گیرند و بجای آن ادعاهایی بلند پروازانه و تصوراتی مجرد درباره "راه جدیدی بسوی سوسیالیسم" را مطرح می سازند، که تصادفاً با اپورتونیزم و رویزیونیسم همانندی بسیاری دارد چیزی که جنبش کارگری در گذشته با آن روبرو شد. رهبران حزب کمونیست ایتالیا ظاهراً از ضرورت مبارزه در راه صلح سخن می گویند، ولی در عین حال به نیروی عمده این مبارزه، یعنی اتحاد شوروی و متحدان آن و جهان سوسیالیسم بهتان می زنند."

بنوشته "پراودا":

"رهبران حزب کمونیست ایتالیا، از یکسو، از کوشش در راه صلح سخن می گویند و، از سوی دیگر، به مهم ترین عنصر مبارزه در راه صلح، یعنی جامعه کشورهای سوسیالیستی اتحاد شوروی و متحدان سوسیالیستی آن - بهتان می زنند."

"پراودا" افزود:

"حزب کمونیست ایتالیا در آخرین اسناد خود نقش کشورهای سوسیالیستی را در امر تحکیم صلح منکر می شود و پیشرفتهایی را که در این زمینه حاصل گردیده است، مرهون دیپلماسی اروپای غربی می خواند. در شرایط نقیصه در صفحه ۶

پشتیبانی « واشنگتن » از « تل آویو »

در سازمان ملل متحد ادامه دارد

روز جمعه ۹ بهمن ۶۰ (۲۹ ژانویه ۸۲) اجلاس ویژه "مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای بررسی الحاق" بلندیهای جولان از سوی اسرائیل خاک خودگشایش یافت. این بلندیها را که جزئی از سرزمین سوریه به شمار می رود، اسرائیل در جنگ ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به تصرف خود درآورد.

"شورای امنیت" سازمان ملل متحد در روز چهارشنبه ۷ بهمن ۶۰ (۲۷ ژانویه ۸۲) با رای ۱۳ رای موافق این اجلاس را فراخواند. ایالات متحده آمریکا و بریتانیا به پیش نویس قطعنامه مربوطه رای منتهی دادند.

در نشست "مجمع عمومی" که روز جمعه ۱۰ بهمن ۶۰ (۲۹ ژانویه ۸۲) آغاز شد، ۱۵۰ کشور شرکت کردند. نمایندگی کشورهای عرب با وزیران خارجه آنها بود.

چندی پیش، ایالات متحده آمریکا قطعنامه اعمال مجازات اسرائیل را بخاطر "الحاق" جولان به خاک خود در "شورای امنیت" وتو کرده بود.

در نشست ویژه "مجمع عمومی" عبدالحلیم خدام، وزیر خارجه سوریه، خواهان مجازات اسرائیل از جمله اخراج آن از سازمان ملل متحد، شد.

وزیر خارجه سوریه گفت که "لازمست به همه اشکال همکاری با اسرائیل پایان بخشد".

عبدالحلیم خدام از کشورهای جهان خواست، تا آمریکا را به قطع کمک های نظامی و اقتصادی خود به تجاوزکار و ادار سازند.

بهنگام سخنرانی نماینده اسرائیل، هیئت های نمایندگی سوریه و برخی از دیگر کشورها بعنوان اعتراض جلسه را ترک گفتند.

ریگان

دولت السالوادور « شایسته » آنست که به آن کمک شود!

در السالوادور نیروهای "خونتا" ی وابسته به آمریکا روز سه شنبه ۲۹ دی ۶۰ (۱۹ ژانویه ۸۲) بیش از ۱۰۰ نفر را در شهر هوکائی تیکه، در ۱۱۰ کیلومتری شرق پایتخت، کشتند. بگفته گواهان، این شهر نخست زیر آتش خمپاره قرار گرفت و سپس بمباران شد. اینگونه "عملیات تنبیهی" را کارشناسان ایالات متحده آمریکا طرح می ریزند.

دست کم ۷۲۹ غیرنظامی در جریان "عملیات تنبیهی" نیروهای "خونتا" در دو هفته نخست سال ۱۹۸۲ کشته شدند. جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتنی، که این آمار را منتشر ساخت، افزود که، ایالات متحده آمریکا واگذاری جنگ افزار و مهمات را به "خونتا" شتاب می بخشد.

۶۰۰ افسر "خونتا" ی السالوادور برای دیدن دوره آموزش ضد چریکی وارد فورت بنینگ (جورجیا) شدند. در بیش از دو سال اخیر ۴۰ هزار تن السالوادوری قربانی سرکوبگری دولت وابسته به آمریکا السالوادور، شده اند.

بگفته لوئیس پورسائس، عضو رهبری "جبهه" دمکراتیک انقلابی السالوادور، در سان خوسه (کستاریکا)، مشاوران نظامی آمریکا نه تنها "عملیات تنبیهی" "خونتا" را برنامه ریزی می کنند، بلکه همچنین خود در آنها شرکت می جویند.

روز پنجشنبه ۸ بهمن ۶۰ (۲۸ ژانویه ۸۲) گزارش شد که یکان های جبهه آزادی بخش ملی ۲۸ هواپیما و هلیکوپتر را در فرودگاه نظامی نزدیک پایتخت نابود ساختند. این هواپیماها و هلیکوپترها را آمریکا به "خونتا" داده بود و "خونتا" از آنها برای بمباران مردم غیرنظامی استفاده می کرد. در بسیاری اوقات کارشناسان نظامی آمریکا خود خلبان این هواپیماها بودند و بمب های فسفوری و ناپالم از هواپیماهای نامرئده همچنین برای پاشیدن مواد سمی علیه السالوادور از هواپیماهای نامرئده همچنین برای پاشیدن مواد سمی علیه مردم واحشام بهره می جست.

هزاران آمریکائی در سان فرانسیسکو، لوس آنجلس و دیگر شهرهای ساحل باختری ایالات متحده آمریکا در تظاهراتی علیه مداخلات دولت ریگان در السالوادور شرکت کردند. تظاهرکنندگان همستگی خود را با پیکار السالوادوری ها علیه رژیم خونخواران السالوادور ابراز داشتند.

**سی و هفتمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا
هجوم نظامی عراق به ایران را محکوم نمود و از مواضع
ضد امپریالیستی و دمکراتیک انقلاب اسلامی ایران
پشتیبانی کرد**

سی و هفتمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا که اخیراً تشکیل شد، هجوم نظامی عراق به ایران را محکوم کرد و از مواضع ضد امپریالیستی و دمکراتیک انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی نمود. در این زمینه گفته می شود:

"کنگره هجوم نظامی عراق به ایران و اشغال اراضی ایران توسط نیروهای عراق را محکوم می کند و خواستار پایان دادن فوری بحالت جنگی بین دو کشور - که تنها سود امپریالیسم است - بر اساس خروج فوری نیروهای نظامی عراق از خاک ایران - که از ژوئیه ۱۹۸۰ به اشغال درآمده - و نیز خواستار حل هر نوع مناقشه مرزی از راه مذاکره است."

کنگره نابودی کلیه آزادیها و حقوق دمکراتیک در عراق و اعدام و تبعید و ترور و قتل کمونیستهای عراقی و نیروهای مترقی و اپوزیسیون را توسط حکومت دیکتاتوری محکوم می کند.

کنگره انقلاب ۱۹۷۸ ایران و براندازی شاه را اساساً بعنوان مبارزه آزادی بخش علیه امپریالیسم می شمرد و از مواضع ضد امپریالیستی و دمکراتیک این انقلاب حمایت می کند.

کنگره همچنین تلاشهای مستقیم و غیرمستقیم امپریالیسم بسوی سرکوبگری امپریالیسم آمریکا را برای براندازی این جمهوری جوان محکوم می کند."

وقایع مهم جهان در یک هفته

**ریگان حتی پیشری ارزش برای لهستان
قائل نیست**

در لهستان رفته رفته اوضاع تثبیت و آهنگ فعالیت اقتصادی عادی می شود. بسیاری از واحدهای اقتصادی تولید روزانه خود را افزایش بخشیده اند. از سوی دیگر، ضدانقلاب همچنان از امواج رادیکالیزم گسترده برای دادن رهنمودهای خرابکارانه استفاده می کند.

"تربینا لودو" روز ۴ بهمن ۶۰ (۲۴ ژانویه ۸۲) در تحلیلی درباره کار - زار ضد لهستانی ریگان نوشت:

رونالد ریگان نماینده ارتجاعی - ترین نیروهای ایالات متحده، آمریکا است، که در جهت خلاف تاریخ حرکت می کند و به سیاست "جماق بزرگ" دست می یازد. ثانیاً، وی می خواهد با این گزارش دیگر کشورهای رشد یافته سرمایه داری مقابله کند، که خواستار پیروی از سیاست مستقل از "واشنگتن" هستند. ثالثاً، ریگان قصد دارد که نظر مردم را از ناکامی برنامه اقتصادی خود منحرف سازد.

"تربینا لودو" افزود:

رویدادهای لهستان تنها دستاویزی بیش نبوده است و در واقع رئیس جمهور آمریکا حتی پیشری ارزش برای کشور ما قائل نیست. اما سخن گفتن با جهان سوسیالیسم از موضع قدرت همیشه بیبوده بوده است و خواهد بود.

لهستان خود از پس دشواریهای خویش برخوردار است و دوستان وفادارش در این راه به آن کمک خواهند کرد. شواهد فراوانی حاکی از آنست که اوضاع عمومی و اقتصادی رفته رفته عادی و حکومت نظامی محدود می شود."

**مخالفت عملی متحدان آمریکا
با سیاست "تحریم" ریگان**

بیشتر مردم جمهوری فدرال آلمان با "مجازات" اقتصادی اتحاد شوروی مخالفند. نظر خواهی "انستیتو انترنایچ" که نتایج آن در "اشترن" چاپ شده است این امر را تأیید می کند.

**مردم فرانسه نیز هواداری خود را
از قرارداد واگذاری گاز اتحاد شوروی به
فرانسه که، علیرغم فشارهای سنگین
ایالات متحده میان دو کشور بسته شد،
اعلام می دارند.**

بنوشته "لوماتن"، سفارش های ۴/۵ هزار میلیون فرانکی اتحاد شوروی برای تجهیزات لوله گاز سیبری برای هزاران فرانسوی کار فراهم خواهد آورد. فرانسوا میتران، رئیس جمهور فرانسه، در یک جلسه کابینه آن کشور گفت که قرارداد نامبرده "خواست فرانسه را مبنی بر پیروی از سیاستی مستقل باز می تأیید."

پیر موروان نخست وزیر فرانسه گفت: "ایالات متحده حق ندارد بدیگر کشورها برای تأمین نیاز مندیهای آنها در زمینه انرژی دستور بدهد."

نخست وزیر فرانسه این بیانات را در پارلمان فرانسه در پاسخ به ریگان ابراز داشت، که قرارداد بزرگ گاز میان این کشور و اتحاد شوروی را محکوم ساخته بود. موروا به اهمیت فراوان این قرارداد اشاره کرد، که بر پایه آن فرانسه برای مدت ۲۵ سال، سالانه ۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی دریافت خواهد داشت. آلمان غربی نیز قرارداد همانندی با اتحاد شوروی بسته است.

ریگان به بیکاری "فاجعه بار" اعتراف کرد

ریگان، رئیس جمهور آمریکا، در سخنرانی خود خطاب به کنگره "اوضاع کشور را بررسی کرد. وی بویژه به مسائل داخلی پرداخت. رئیس جمهور اعتراف کرد که ایالات متحده آمریکا هنوز دوران رکود را می گذراند و سطح بیکاری را در آمریکا "فاجعه بار" خواند. با اینهمه، ریگان گفت که، به سیاست کاهش بودجه رفاهی و افزایش مصارف تسلیحاتی ادامه خواهد داد. به اعتراف ریگان، کسری بودجه سال آینده رکوردی جدید بحای خواهد گذاشت.

اتحاد مردم

مأخذا امتیاز و مدبر مسئول:

محمود اعتمادزاده (م. ۱۰ بهمن ۱۳۶۰)

آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی

شماره پستی ۱۱۱۷/۳۱۴

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

توضیح

مقاله "اصلاحات ارضی دمکراتیک" در شماره آینده چاپ خواهد شد.